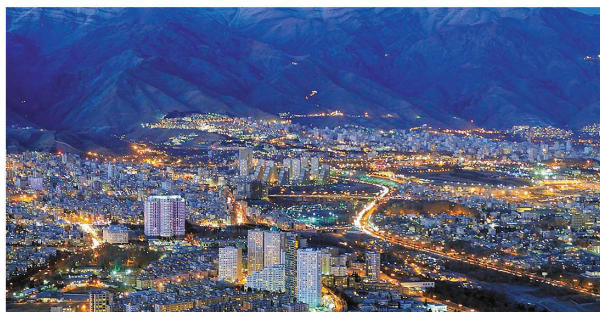


بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران

با تأکید بر دوره ۹۵-۱۳۹۰



دکتر حسین محمودیان
دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر سراج‌الدین محمودیانی
استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز



بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

دکتر حسین محمودیان

دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

دکتر سراج‌الدین محمودیانی

استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز

صندوق جمعیت سازمان ملل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و
برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز

پاییز ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه مدیریتی.....
۳.....	مقدمه.....
۴.....	سوالات و اهداف تحقیق.....
۴.....	ملاحظات نظری.....
۴.....	نظریه اقتصاد نئوکلاسیک.....
۵.....	عوامل جاذبه و دافعه.....
۵.....	نظریه اقتصاد دوگانه.....
۶.....	نظریه اقتصاد جدید مهاجرت.....
۶.....	رویکرد استراتژی خانواده.....
۶.....	نظریه محرومیت نسبی مهاجرت.....
۷.....	نظریه شبکه.....
۷.....	نظریه وابستگی.....
۷.....	نظریه انتظار ارزش مهاجرت.....
۸.....	نظریه‌های انتقالی.....
۹.....	وضعیت مهاجرت داخلی در ایران.....
۹.....	مهاجران جابجا شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۵۵.....
۹.....	توزیع مهاجران برحسب نوع مهاجرت.....
۱۰.....	جریانهای مهاجرتی بین استانی.....
۳۰.....	مدت اقامت مهاجران در مقصد مهاجرتی.....
۳۰.....	مهاجران برحسب محل اقامت قبلی (شهری/روستایی).....
۳۱.....	نسبت مهاجرت.....
۳۳.....	مهاجرت و رشد جمعیت.....
۳۳.....	میزان کل مهاجرت استانی.....
۳۶.....	وضعیت مهاجرت داخلی بر حسب سن.....
۴۰.....	وضعیت مهاجرت داخلی بر حسب جنس.....
۴۴.....	وضعیت اقتصادی-اجتماعی مهاجران و غیر مهاجران.....

۴۶	علل مهاجرت داخلی در ایران
۴۸	وضعیت شهرنشینی در ایران
۴۸	تعداد شهرها
۵۷	چالش‌های مرتبط با مهاجرت و شهرنشینی
۵۷	سیاست‌گذاری مهاجرت و شهرنشینی در ایران
۵۸	الزامات سیاستی
۵۹	خلاصه و نتیجه‌گیری
۶۲	منابع

فهرست جداول

۹	جدول ۱. توزیع مهاجران برحسب محل اقامت قبلی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵
۱۰	جدول ۲. درصد مهاجران داخلی بر حسب نوع مهاجرت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵
۱۱	جدول ۳. وضعیت مهاجرت بین استانی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵
۱۲	جدول ۴. میزان‌های مهاجرفرستی، مهاجرپذیری و خالص مهاجرت استان‌های کشور، ۱۳۹۵-۱۳۸۵
۱۵	جدول ۵. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان سمنان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۱۶	جدول ۶. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان البرز طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۱۷	جدول ۷. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان یزد طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۱۸	جدول ۸. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان قم طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۱۹	جدول ۹. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان تهران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۲۰	جدول ۱۰. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان لرستان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۲۱	جدول ۱۱. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان چهارمحال و بختیاری طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۲۲	جدول ۱۲. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان ایلام طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۲۳	جدول ۱۳. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان همدان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۲۴	جدول ۱۴. مهاجران بین استانی واردشده و خارج‌شده استان کرمانشاه طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۳۰	جدول ۱۵. مدت اقامت مهاجران در مقصد طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۳۱	جدول ۱۶. مهاجران جابجا شده در کشور برحسب محل اقامت قبلی (روستا/شهری)، ۱۳۹۵
۳۲	جدول ۱۷. موالید، مرگ‌ها و نسبت مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰

جدول ۱۸. درصد تاثیر مهاجرت بر میزان رشد جمعیت استان‌ها طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۳۴
جدول ۱۹. میزان کل مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۳۵
جدول ۲۰. جمعیت مهاجران کشور به تفکیک گروه‌های سنی، ۱۳۹۵.....	۳۶
جدول ۲۱. خالص مهاجران استان‌های کشور به تفکیک جنس، ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۴۲
جدول ۲۲. نسبت جنسی مهاجران و جمعیت کل کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۴۳
جدول ۲۳. درصد جمعیت نمونه برحسب وضعیت مهاجرت به تفکیک متغیرهای منتخب.....	۴۵
جدول ۲۴. درصد مهاجران برحسب علت مهاجرت به تفکیک مقصد مهاجرت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰.....	۴۷
جدول ۲۵. میزان شهرنشینی در کشور به تفکیک استان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵.....	۴۹
جدول ۲۶. میزان رشد سالانه جمعیت شهری کشور به تفکیک استان در دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵.....	۵۰
جدول ۲۷. تعداد شهرهای کشور به تفکیک استان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵.....	۵۱
جدول ۲۸. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۸۵.....	۵۲
جدول ۲۹. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۰.....	۵۳
جدول ۳۰. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۵.....	۵۴
جدول ۳۱. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰.....	۵۵
جدول ۳۲. جمعیت کلان‌شهرهای کشور طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۰.....	۵۶
جدول ۳۳. میزان رشد کلان‌شهرهای کشور در سال ۱۳۹۵ طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۰.....	۵۶

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. توزیع استانی میزان خالص مهاجرت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰.....	۱۳
شکل ۱. توزیع استانی میزان خالص مهاجرت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰.....	۱۴
شکل ۳. مهمترین تبادلات مهاجرتی سمنان اولین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۵
شکل ۴. مهمترین تبادلات مهاجرتی البرز دومین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۵
شکل ۵. مهمترین تبادلات مهاجرتی یزد سومین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۶
شکل ۶. مهمترین تبادلات مهاجرتی قم چهارمین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۶
شکل ۷. مهمترین تبادلات مهاجرتی تهران پنجمین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۷
شکل ۸. مهمترین تبادلات مهاجرتی لرستان اولین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵.....	۲۷

- شکل ۹. مهمترین تبادلات مهاجرتی چهارمحال و بختیاری دومین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۲۸
- شکل ۱۰. مهمترین تبادلات مهاجرتی ایلام سومین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۲۸
- شکل ۱۱. مهمترین تبادلات مهاجرتی همدان چهارمین استان مهاجرفرست کشور، ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۲۹
- شکل ۱۲. مهمترین تبادلات مهاجرتی کرمانشاه پنجمین استان مهاجرفرست کشور، ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۲۹
- شکل ۱۳. نسبت مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۳
- شکل ۱۴. اثر مهاجرت بر میزان رشد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۵
- شکل ۱۵. میزان کل مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۶
- شکل ۱۶. الگوی سنی مهاجران داخلی ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۷
- شکل ۱۷. هرم سنی کل مهاجران داخلی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۸
- شکل ۱۸. هرم سنی مهاجران روستا به روستا طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۸
- شکل ۱۹. هرم سنی مهاجران شهر به روستا طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۹
- شکل ۲۰. هرم سنی مهاجران شهر به شهر طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۳۹
- شکل ۲۱. هرم سنی مهاجران روستا به شهر طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۴۰
- شکل ۲۲. درصد مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت و جنس طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۴۱
- شکل ۲۳. نسبت جنسی مهاجران و کل جمعیت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰..... ۴۳
- شکل ۲۴. علت مهاجرت داخلی به تفکیک جنس طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵..... ۴۷

خلاصه مدیریتی

- با آرام گرفتن تحولات باروری و مرگومیر در بیشتر جوامع امروزی، از جمله کشور ایران، نقش و اهمیت مهاجرت در تغییرات جمعیتی روزافزون شده است. عامل مهاجرت در آرایش امروزی جمعیت کشور و بازتوزیع فضایی جمعیت تأثیری قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت و این موضوع بر اهمیت رصد جریان‌های مهاجرتی کشور تأکید دارد.
- در طی چهار دهه اخیر بطور متوسط سالانه حدود یک میلیون نفر درون مرزهای کشور جابجا شده‌اند. البته بطور کلی از شدت و حجم مهاجرت‌های داخلی کاسته شده است اما سهم مهاجرت‌های بین استانی یعنی مهاجرت‌های با فواصل طولانی‌تر با افزایش روبرو بوده است.
- سهم مهاجرت شهر به شهر تا سال ۱۳۹۵ همواره روند افزایشی داشته است و غالب‌ترین نوع مهاجرت داخلی کشور است. در مقابل، مهاجرت‌های روستا به شهر روند کاهشی داشته‌اند.
- مهاجرت در ایران همچنان سن‌گزین و جنس‌گزین است یعنی همچنان غلبه با مهاجران جوان (۱۵-۳۴) و مردان است. درصد مهاجران زن در سنین ۲۰-۲۹ ساله در سال ۱۳۹۵ بیشتر از درصد مشابه برای مردان بوده است.
- حضور زنان در مهاجرت‌های شهر به شهر و روستا به روستا و در مقابل حضور مردان در مهاجرت‌های روستا به شهر پررنگ‌تر از سایر مهاجرت‌ها و در مقایسه با جنس مخالف خود بوده است. همچنین زنان مهاجر در جریان مهاجرت‌های درون استانی بر همتایان مرد خود غلبه دارند. یعنی زنان بیشتر درون استان خود جابجا می‌شوند و مردان بیشتر درمهاجرت بین استانی تحرک دارند.
- مهاجرت بیشترین اثر منفی را بر رشد جمعیت در استان‌های خراسان شمالی، لرستان و همدان و بیشترین اثر مثبت را در استان‌های البرز، سمنان و بوشهر بجای گذاشته است.
- بالاترین میزان مهاجرت‌فرستی کشور در سال ۱۳۹۵ به استان‌های لرستان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی و در مقابل بیشترین میزان‌های مهاجرت‌پذیری به استان‌های البرز، سمنان و یزد اختصاص یافته است.
- در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰، استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام بالاترین میزان‌های خالص مهاجرت منفی و بالعکس استان‌های سمنان، البرز و یزد بالاترین میزان‌های خالص مهاجرت مثبت را از آن خود نموده‌اند.
- استان‌های البرز، سمنان و قم بالاترین میزان شاخص کل مهاجرت در سال ۱۳۹۵ را بدست آورده‌اند یعنی در واقع این استان‌ها پُر ترددترین یا پر رفت‌وآمدترین مناطق از نظر ورود و خروج جمعیت مهاجر هستند.
- شهرنشینی در ایران تا سال ۱۳۹۵ دائماً در حال افزایش بوده است و در حال حاضر حدود ۷۴ درصد جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند. استان‌های قم، تهران و البرز بالاترین میزان شهرنشینی و استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان و هرمزگان کمترین میزان شهرنشینی را در سال ۱۳۹۵ به ثبت رسانده‌اند.
- تعداد شهرهای کشور در سال ۱۳۹۵ به ۱۲۴۲ شهر رسیده است. یعنی تعداد شهرها در ۶۰ سال اخیر بیش از ۱۰ برابر شده است. استان‌های اصفهان، فارس و خوزستان بیشترین تعداد و استان‌های قم، البرز و کهگیلویه و بویراحمد کمترین تعداد نقاط شهری را دارا هستند.
- توزیع درصدی شهرهای کشور برحسب جمعیت نشان می‌دهد که همچنان شهرهای با جمعیت کمتر از ۵ هزار نفر در صدر قرار دارند و در مجموع بیش از ۵۰ درصد شهرهای کشور، کمتر از ۱۰ هزار نفر جمعیت را در خود ساکن نموده‌اند.
- در سال ۱۳۹۵، ۸ شهر بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشتند. تقریباً ۲۱ میلیون نفر از جمعیت شهری یا حدود یک سوم جمعیت شهرنشین در این شهرها زندگی می‌کردند. در ۶۰ سال گذشته، شهرهای کرج، مشهد، قم و اهواز بترتیب بیشترین افزایش جمعیت را تجربه نموده‌اند.

- انتظار می‌رود میزان مهاجرت داخلی حداقل در سطح فعلی تداوم یابد و اینکه به احتمال زیاد با بهبود وضعیت اقتصادی مهاجرت‌های داخلی افزایش یابد. همچنین انتظار می‌رود که رشد جمعیت شهری کشور کمی بیشتر از رشد طبیعی باشد و این می‌تواند به تشدید مسائلی چون حاشیه‌نشینی و دیگر مسائل زیست‌محیطی خصوصاً در شهرهای بزرگ بینجامد.
- توجه به توسعه محلی و منطقه‌ای در تمامی مناطق جغرافیایی کشور به همراه تمرکززدایی می‌تواند بعنوان راه‌حل‌های پیشنهادی برای جلوگیری، پیشگیری و درمان بسیاری از مسائل شهری-زیست محیطی و نیز بازتوزیع فضایی مناسب‌تر و متوازن‌تر جمعیت کشور در نظر گرفته شود.
- تلاش در راستای بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی روستاییان و بهبود امکانات ساختاری در روستاها می‌تواند به پایداری جمعیت در روستاهای کشور کمک کند و از خالی از سکنه شدن روستاها ممانعت بعمل آید.

مقدمه

مهاجرت در قالب تعریف عام تغییر محل زندگی انسان‌ها به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی برجسته تاریخ مدرن نگریسته شود. با این‌که تاریخ به ما گوش‌زد می‌کند که در روایت‌های مدرن باید جانب احتیاط را نگه داشت، اما با این‌حال، همه آمارها و شواهد از آن حکایت دارند که مهاجرت درحال تبدیل شدن به پدیده‌ای فراگیر و نافذ در جامعه است (شارپ^۱، ۲۰۰۱: ۱) و شاید به همین دلیل برخی نظریه‌پردازان (کاستلز و میلر^۲، ۱۹۹۸) از دوره حاضر با عنوان "عصر مهاجرت" نام می‌برند. به‌علاوه، براساس شواهد و مستندات موجود، جابجایی‌های موقت و دائمی درحال جهانی شدن، شتاب گرفتن، متنوع شدن و زنانه شدن‌اند. تحرک جغرافیایی انسان‌ها به‌عنوان مهمترین بخش زندگی در تاریخ بشریت محسوب می‌شود و انسان‌ها نیز به‌گونه‌ای مهاجرت می‌کنند و مهاجرت نیز یک زنجیره مداوم در طول تاریخ است (پاریلو^۳، ۲۰۰۸).

سؤالات اصلی جمعیت‌شناسان به ماهیت تغییر جمعیت بر می‌گردد. مهاجرت در کنار باروری و مرگ‌ومیر سه مؤلفه‌ای را تشکیل می‌دهند که پویایی جمعیت‌ها را به‌دنبال دارد. امروزه به‌طور وسیعی اهمیت مهاجرت در تسهیل توسعه انسانی و شکل‌دهی الگوهای سکونت‌روشن شده است و یک ادبیات درحال رشدی در مقایسه با جنبه‌های مختلف تحرک به‌وجود آمده است (بل^۴ و همکاران، ۲۰۱۴).

مهاجرت‌های داخلی بر بازتوزیع و رشد جمعیت مناطق مبدأ و مقصد مهاجرتی اثر می‌گذارند. علاوه بر آن، مهاجرت تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساختار سنی و جنسی جمعیت نیز ایجاد می‌کند. مضافاً اینکه، مهاجرت به‌واسطه اثرگذاری بر مرگ‌ومیر، باروری و ازدواج می‌تواند تأثیر غیرمستقیمی بر پویایی جمعیت نیز داشته باشد. ترکیب سنی-جنسی جمعیت می‌تواند هم به‌صورت مستقیم و هم به‌واسطه اثرگذاری بر میزان رشد جمعیت، اندازه و نوع مهاجرت را تحت تأثیر قرار دهد. اثرگذاری مهاجرت بر تغییرات ساختار و ترکیب سنی و جنسی جمعیت در مبدأ و مقصد، در جریان مهاجرت‌های خانوادگی کمتر از هنگامی است که مهاجرت عمدتاً توسط جوانان انجام شود (محمودیان، ۱۳۸۶).

مهاجرت موجب تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود. مهاجرت‌های بین استانی و تبیین الگو و تحولات آن به‌نوعی تغییرات ساختار اقتصادی جوامع را به‌تصویر خواهد کشید زیرا این مهاجرت‌ها و الگوهای آن با توسعه و رشد اقتصادی در ارتباط است (زلینسکی^۵، ۱۹۷۱). مهاجرت همچنین یک شکل‌دهنده قدرتمند در بحث تغییرات اجتماعی به‌شمار می‌آید (پارادو و فلیپن، ۲۰۰۵). مهاجرت از منظر اجتماعی می‌تواند تکثرگرایی را در جامعه مقصد تقویت کند و همچنین راهی برای انتقال هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی باشد. انتقال سرمایه و تأثیر بر قابلیت تولید اقتصادی (از طریق تغییر در میزان‌های فعالیت و اشتغال) مثال‌هایی از تبعات اقتصادی مهاجرت هستند (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۷۰). به‌علاوه، مهاجرت داخلی نقش سازوکار تعدیل‌کننده اقتصاد را بازی می‌کند (یو، ۲۰۰۸: ۱).

مهاجرت یکی از مهمترین راه‌هایی است که مردم به‌واسطه آن زندگی خود را بهبود می‌بخشند. افراد بنابر دلایل متفاوت مهاجرت می‌کنند؛ فرار از مناطق محروم، برای یافتن شغل بهتر، یا حتی برای برآوردن حس سودای سفر. روستاییان جذب درخشندگی چراغ‌های شهر می‌شوند و در مقابل شهری‌ها برای فرار از همه آن چراغ‌ها، به مناطق حاشیه شهر می‌روند. بازنشستگان به مناطقی که آب و هوای مطبوع و فرصت‌های تفریحی فراوان دارند، نقل مکان می‌کنند. مهاجرت به همین اندازه برای برنامه‌ریزان دولتی و سیاست‌گذاران مهم است چون‌که جابجایی‌های انبوه مهاجران، اغلب باعث تغییرات مهم در قدرت سیاسی و اقتصادی مناطقی می‌شوند که مهاجران آن‌جا را ترک نموده یا وارد آن مناطق شده‌اند. بنابراین از این منظر نیز مطالعه انگیزه‌های مهاجران و سازوکار تصمیم‌گیری به مهاجرت، موضوع مهمی برای مطالعه خواهد بود (داوانزو^۶، ۱۹۹۰: ۱۹۸۰).

۱. Sharpe

۲. Castles and Miller

۳. Parillo

۴. Bell

۵. Zelinsky

۶. DaVanzo

سوالات و اهداف تحقیق

- با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر تلاش دارد تا به سوالات زیر پاسخ گوید:
- میزان، روند و الگوهای مهاجرت داخلی در ایران در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵ چه تغییراتی کرده است؟
- عوامل اصلی موثر بر جابجایی‌های داخلی کدامند؟
- مهاجرت‌های داخلی چه تبعات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشته‌اند؟
- چشم‌انداز آتی مهاجرت داخلی به چه صورتی خواهد بود؟
- الزامات سیاستی مرتبط با جابجایی‌های داخلی در ایران چیست؟

اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

- اندازه‌گیری شاخص‌های مرتبط با مهاجرت با استفاده از جدیدترین داده‌های در دسترس
- تحلیل وضعیت و الگوهای مهاجرت با توجه به تفاوت‌های زمانی، مکانی و سنی-جنسی
- تعیین عوامل و تعیین‌کننده‌های مهم مهاجرت‌های داخلی
- مشخص کردن تبعات مختلف مهاجرت‌های داخلی
- تعیین جهت‌گیری آتی جابجایی‌های داخلی با توجه به روندهای قبلی
- ارائه راهکارهای لازم برای مواجهه مناسب و منطقی با جابجایی‌های داخلی

ملاحظات نظری

با توجه به اینکه مهاجرت ابعاد مختلفی از زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود و علل متفاوتی برای آن وجود دارد، رویکردهای نظری زیادی وجود دارند که هدف آنها تبیین چرایی مهاجرت مردم از زوایای گوناگون است. تقسیم‌بندی این نظریات نیز می‌تواند با توجه به عوامل مختلف انجام گیرد. نظریه‌های مهاجرت می‌توانند به دو دسته کارکردگرایانه و انتقالی تقسیم شوند. اساس نظریه‌های کارکردگرایانه بر جذب و دفع، و تعادل است در حالی که نظریه‌های انتقالی الگوها و روندهای مهاجرت را توصیف می‌کنند (دی‌هاس^۷، ۲۰۱۰). مثلاً نظریه اقتصاد نئوکلاسیک به عنوان یک نظریه کارکردگرایانه و نظریه انتقال تحرکی زلینسکی به عنوان یک نظریه انتقالی تقسیم‌بندی می‌شوند. سطح تحلیل، عامل دیگر تقسیم‌بندی نظریات مهاجرت است. نظریه‌ها می‌توانند در سه سطح کلان، میانی و خرد طبقه‌بندی شوند. مثلاً نظریه اقتصاد نئوکلاسیک در سطح کلان، نظریه‌های شبکه در سطح میانی، و نظریه انتظار ارزش در سطح خرد قرار می‌گیرند. همچنین نظریه‌ها می‌توانند بر حسب نوع عامل ایجاد کننده مهاجرت به نظریات اقتصادی، اجتماعی و نظایر آنها طبقه‌بندی شوند. در این قسمت مرور نظریات با معرفی نظریه‌های اقتصادی آغاز می‌شود.

نظریه اقتصاد نئوکلاسیک

نظریه نئوکلاسیک بر تمایل بازار عقلانی بر حفظ تعادل بر اساس رفتار عقلانی افراد و خانواده‌ها تأکید می‌کند. اساس این نظریه ملاحظات اقتصادی عقلانی مرتبط با هزینه‌ها و منافع عمدتاً اقتصادی را در بر می‌گیرد که بعضاً با هزینه‌ها و منافع روانشناختی نیز مرتبط می‌باشند (کوریکووا^۸، ۲۰۱۰). این ملاحظات بر مبنای تفاوت درآمد در بازار شکل می‌گیرد. ریشه آن در توضیح مهاجرت در فرایند توسعه یافتگی است که در مطالعات هیکس^۹ (۱۹۳۲)، لوییس^{۱۰} (۱۹۵۴) و هریس و تودارو^{۱۱} (۱۹۷۰) نمایان شده است. مهاجرت از تفاوت جغرافیایی عرضه و تقاضای نیروی کار و تفاوت درآمد بین کشورهای دارای نیروی کار و کشورهای دارای سرمایه نشأت می‌گیرد. بنابراین در اشتغال کامل، یک رابطه خطی بین تفاوت درآمد و جریانهای مهاجرتی وجود دارد. در مدل توسعه یافته، مهاجرت تابع درآمد مورد انتظار (بجای درآمد واقعی) می‌باشد و متغیر کلیدی درآمد با احتمال اشتغال وزن داده می‌شود. تصحیحات دیگر و آزمون تجربی نشان دادند که رابطه خطی فوق ممکن است وجود نداشته باشد و میزان تفاوت درآمد و سطح درآمد کشور عوامل دخیل باشند. مشابه توانایی برای مهاجرت با هزینه در ارتباط خواهد بود و مهاجرت برای افراد و کشورهای فقیر میسر نخواهد بود. بنابراین الگوی مهاجرت طاقی شکل خواهد بود (کوریکووا، ۲۰۱۰).

۷. De Hass

۸. Kurekova

۹. Hicks

۱۰. Lewis

۱۱. Harris and Todaro

سطح خرد این مدل بر انتخاب فردی استوار است و تحت عنوان نظریه سرمایه انسانی مهاجرت مطرح می شود (ساستاد، ۱۹۶۲؛ تودارو، ۱۹۶۹). در این سطح ویژگی های اجتماعی و جمعیتی افراد نظیر تحصیلات، مهارت، جنس، سن، وضعیت تاهل و شغل به عنوان تعیین کننده های مهاجرت در نظر گرفته می شوند. مثلاً احتمال مهاجرت با افزایش سن کاهش و با افزایش تحصیلات افزایش می یابد. هدف از مهاجرت به حداکثر رساندن منابع و سود فردی است. به نظر ساستاد، سرمایه انسانی به عنوان یک عامل مهم در یافتن شغلی با دستمزد مناسب در مقصد در تصمیم گیری مهاجرت اثرگذار می باشد.

عوامل جاذبه و دافعه

عوامل جاذبه و دافعه تقریباً در ذیل نظریات اقتصادی جای می گیرند چرا که آنها نیز رویکرد کارگرایانه دارند و به تعادل بین مبادا و مقصد و رفتار عقلانی مهاجران اشاره دارند. بحث این مدل بر این است که مردم مهاجران بالقوه هستند و اگر شرایط زندگی در مکان های دیگر را، با توجه به شرایط بازار کار، بهتر از مکان فعلی ارزیابی کنند و منافع مهاجرت نسبت به هزینه آن بیشتر باشد، مهاجرت را انجام می دهند. لذا مهاجرت زمانی اتفاق می افتد که عوامل جذب یا کششی قویتر از عوامل دفع یا رانشی باشد.

قانون مهاجرت ارنست جورج راونشتاین^{۱۲} را می توان به نوعی حاصل تعامل عوامل جذب و دفع در نظر گرفت. این نخستین تبیین نظری درباره قانونمندی های مهاجرت طی دو مقاله در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ به چاپ رسید (راونشتاین، ۱۸۸۵، ۱۸۸۹). وی برای اولین بار استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قانونی خاص بر آن حاکم است. قوانین مهاجرت راونشتاین با توجه به ۱۰ مورد زیر ارائه شده اند: مهاجرت و مسافت، مهاجرت مرحله ای، جریان و ضد جریان، تفاوت روستا - شهری در مهاجرت، تفاوت در مهاجرت مردان و زنان، علت مهاجرت، تاثیر صنعت، تجارت و ارتباطات بر مهاجرت، مهاجرت و سن، مهاجرت و رشد جمعیت، و جهت مهاجرت. مثلاً حجم عظیمی از مهاجران در مسافت کوتاه جابجا می شوند؛ هر جریان مهاجرتی یک ضد جریان را ایجاد می کند؛ مهاجران در فاصله های طولانی تر عمدتاً به مراکز بزرگ تجاری و صنعتی می روند؛ شهرنشینان بیشتر از ساکنان روستا مهاجرت می کنند؛ و مهاجرت زنان بیشتر از مهاجرت مردان است.

بعضی از قوانین مهاجرتی راونشتاین توجه بیشتری را به خود جلب کردند. زیف^{۱۳} (۱۹۴۶) از آن کسانی است که قانون اول را اساس کار خود قرار داد. وی کوشش کرد با طرح مسئله مسافت و براساس اصل کمترین تلاش روند مهاجرت بین دو مکان را توضیح دهد. وی معتقد است مهاجرت از یک شهر به شهر دیگر با فاصله آنها رابطه منفی و با جمعیت آنها رابطه مثبت دارد. استافر^{۱۴} (۱۹۴۰) با تأکید بر موقعیت ها، راه ورود تعداد زیادی از موقعیت های اجتماعی (علاوه بر موقعیت های اقتصادی) را به تحلیل مهاجرت باز کرد. استافر دریافت که تبیین مهاجرت، در ارتباط با تعداد فرصت های قابل دسترسی در یک فاصله مشخص، عملی تر از طرح کلی مسافت است.

بازنویسی اورت لی^{۱۵} (۱۹۶۶) از قوانین راونشتاین نیز در شناخت الگوهای مکانی و زمانی مهاجرت اهمیت ویژه ای دارد. وی عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرایند آن وارد می شوند را در چهار دسته تقسیم بندی کرده است: (۱) عواملی که با مبدأ ارتباط دارند، (۲) عواملی که با مقصد ارتباط دارند، (۳) موانع واسط بین مبدأ و مقصد، و (۴) ویژگی های شخصی افراد. در هر منطقه عوامل متعددی وجود دارند که موجب جذب افراد (با علامت مثبت) می شوند، عوامل دیگری به عنوان دافعه عمل می کنند (با علامت منفی)، و عوامل دیگری که افراد نسبت به آنها بی تفاوت (با علامت صفر) هستند.

نظریه اقتصاد دوگانه^{۱۶}

لوییس (۱۹۵۴) برای پاسخ به چگونگی افزایش رشد اقتصادی از مفهوم اقتصاد دوگانه اقتصاددانان کلاسیک استفاده می کند. این اقتصاد از دو بخش سرمایه داری جدید و سنتی معیشتی تشکیل شده است. بخش سرمایه داری از نیروی کار ارزان بخش سنتی برخوردار است چرا که بخش سنتی نمی تواند از نیروی کار اضافی خود استفاده کند. در نتیجه مهاجرت از بخش سنتی (معمولاً روستا) به بخش سرمایه داری (معمولاً شهر) تشدید می شود. عرضه نامحدود نیروی کار از بخش سنتی، تضمین کننده رشد بالای اقتصاد سرمایه داری است. با افول عرضه نامحدود نیروی کار به علت تغییر شکل کلی اقتصاد، سود بخش سرمایه داری در یک حد کم به ثبات می رسد و اقتصاد با خارج شدن از حالت دوگانه همگن می شود. در چنین وضعیتی مهاجرت نیز کاهش می یابد.

۱۲. Ravenstein

۱۳. Zipf

۱۴. Stouffer

۱۵. Everet Lee

۱۶. Dual economy

مفهوم بازار کار دوگانه^{۱۷} پایور^{۱۸} (۱۹۷۹) مهاجرت نیروی کار به کشورهای توسعه‌یافته را ناشی از تقاضای ذاتی اقتصاد این کشورها برای جذب نیروی کار می‌داند. در نظریه بازار کار، اقتصاد دوگانه کارمحور (بخش اول) و تخصص-سرمایه محور (بخش دوم) بازار کار دوگانه‌ای را ایجاد می‌کند. به علت تفاوت دستمزد در مراتب مختلف شغلی و انگیزه بالای افراد برای ارتقای مراتب شغلی در بخش دوم، افراد دائماً سعی می‌کنند تا با افزایش آموزش و مهارت خود به بخش دوم وارد شوند و در آنجا نیز به سلسله مراتب بالاتر ارتقا یابند. در نتیجه، اقتصاد نیازمند تامین نیروی کار لازم برای بخش اول که فاقد سلسله مراتب خاص است و تفاوت درآمدی خاصی هم بین افراد وجود ندارد. بخش قابل توجهی از مهاجران به علت تحصیلات و تخصص پایین‌تر معمولاً در مشاغل یدی و سطح پایین بخش اول جذب می‌شوند.

نظریه اقتصاد جدید مهاجرت^{۱۹}

طرفداران نظریه اقتصاد جدید مهاجرت، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک (خرد) را بر این اساس که تصمیم‌گیری مهاجرت بصورت فردی انجام می‌گیرد، مورد انتقاد قرار داده‌اند. آنها عقیده دارند تصمیم مهاجرت منحصراً توسط کنشگران فردی گرفته نمی‌شود، بلکه بوسیله واحدهای بزرگتر نظیر خانواده یا خانوار هم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در اینجا انتخاب اجتماعی جای انتخاب فردی را می‌گیرد. در این دیدگاه به مهاجرت بعنوان استراتژی اقتصادی خانوار توجه می‌شود. استراتژی که توسط خانوارها و خانواده‌ها جهت پراکندگی خطرات درآمدی و برای غلبه بر محدودیت‌های بازارکار محلی اتخاذ می‌شود (استارک و بلوم^{۲۰}، ۱۹۸۵). از آنجا که هدف خانواده بهبود وضعیت اقتصادی و نه تغییر محل سکونت است، بنابراین تنها اقلیتی از اعضای جامعه مهاجرت می‌کنند.

رویکرد استراتژی خانوار^{۲۱}

یکی دیگر از بینش‌های جدید که در فرآیند مهاجرت و در چارچوب نظریات اقتصاد جدید مهاجرت می‌گنجد رویکرد استراتژی خانوار است که توسط چانت^{۲۲} و رادکلیف^{۲۳} (۱۹۹۲) ارائه شد. در این رویکرد تصمیم به مهاجرت به جای اقدامی فردی به عنوان بخشی از استراتژی زندگی خانوار نگریسته می‌شود. در جریان استراتژی‌سازی؛ ممکن است که حرکت‌ها، انگیزه‌ها و ترجیحات اعضای خانوار همگرا و یا در کشاکش باشند (وایت^{۲۴}، ۲۰۰۹).

فرضیه استراتژی دسترسی^{۲۵} اولین بار توسط یوتنگ^{۲۶} مطرح شد و اشاره می‌کند که دسترسی در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای جنسیتی است. دسترسی، منابعی مانند اطلاعات، حقوق، زمین، پول و دارایی، آموزش و تحصیلات، مهارت‌ها، مشارکت اجتماعی و سیاسی و همچنین بیان نظرات را شامل می‌شود. یکی از استراتژی‌هایی که زنان برای کسب امتیازات اجتماعی در اختیار دارند، مهاجرت و تحرک مکانی است. در مواقعی که زنان در مبدأ مهاجرتی یا همان محل سکونت خود با محدودیت‌هایی روبرو باشند، یکی از راه‌کارهایی که برای بهبود موقعیت و وضعیت اجتماعی خود در اختیار دارند، مهاجرت است (یوتنگ، ۲۰۱۱).

نظریه محرومیت نسبی^{۲۷} مهاجرت

نظریه محرومیت نسبی عمدتاً بر اساس چارچوب اقتصاد جدید مهاجرت ساخته شده است. بنیان‌گذاران رویکرد محرومیت نسبی مهاجرت (استارک و تابلور، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) معتقدند افراد یا خانوارها نه فقط برای به حداکثر رساندن درآمد مطلق، بلکه جهت بهبود موقعیت خود نسبت به گروه‌های مرجع مهاجرت می‌کنند. یعنی اینکه خانوارها نه تنها در جهت افزایش درآمد فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند فاصله درآمد خود با گروه مرجع را کاهش دهند. محرومیت نسبی می‌تواند هم با مهاجرت و هم بدون مهاجرت وجود داشته باشد. اگر مهاجرت بتواند با بهبود وضع مهاجران تفاوت درآمدی مهاجران و غیر مهاجران را بیشتر کند و در نتیجه

۱۷. Dual labor market

۱۸. Piore

۱۹. New economics of migration

۲۰. Stark and Bloom

۲۱. Household Strategies Approach

۲۲. Chant

۲۳. Radcliffe

۲۴. White

۲۵. Access Strategy Hypothesis

۲۶. Uteng

۲۷. Relative Deprivation Theory

محرومیت نسبی را افزایش دهد، مهاجرت افزایش می‌یابد. در نتیجه، مهاجرت زمانی مشاهده خواهد شد که محرومیت نسبی مرتبط با مهاجرت بزرگتر از محرومیت نسبی در غیاب مهاجرت باشد.

نظریه شبکه^{۲۸}

شبکه‌های مهاجران مجموعه‌ای از روابط بین شخصی است که از طریق نسبت های خویشاوندی، دوستی و جامعه مبدأ مشترک، مهاجران را به مهاجران قبلی در مقصد و به غیر مهاجران در مبدأ پیوند می‌دهد (مسی^{۲۹} و دیگران، ۱۹۹۳: ۴۴۸). شبکه‌های مهاجران، با کاهش هزینه‌ها و مخاطرات مرتبط با مهاجرت، و افزایش منافع آن، میزان مهاجرت را افزایش می‌دهند. پیوندهای شبکه‌ای در قالب سرمایه اجتماعی، دسترسی مهاجر به امکانات مقصد تسهیل می‌کنند. به محظ اینکه تعداد مهاجران به تعداد قابل توجهی (آستانه حساس) افزایش یافت، کاهش هزینه‌ها و خطرات مهاجرت‌های بعدی اتفاق می‌افتد. مهاجرت‌های اولیه یا پیشگامانه (به علت عدم آشنایی) با هزینه‌های زیادی همراه می‌باشد. اما مهاجرت‌های بعدی (به علت وجود آشنا در مقصد) بتدریج کم‌هزینه‌تر می‌شوند. کاهش مخاطرات (نظیر عدم دستیابی به شغل مناسب) مهاجرت نیز به همین صورت انجام می‌گیرد.

نظریه وابستگی^{۳۰}

عنصر اصلی نظریه وابستگی مبادله نابرابر بین کشورها است که عمدتاً توسط سینگر^{۳۱} (۱۹۴۹) توسعه یافت و با رویکرد ساختاری-تاریخی نئومارکسیسم دنبال شد. تأکید عمده آن بر مهاجرت روستا به شهر است. این مهاجرت یک فرایند اجتماعی مبتنی بر تضاد است که نابرابری بین روستا و شهر را تولید و تقویت می‌کند. این نظریه عمدتاً در انتقاد و پاسخ به مدل‌های تعادلی در تبیین مهاجرت در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است.

فرض اصلی این نظریه بر روابط نابرابر بین مراکز صنعتی (جهان توسعه یافته) و مراکز پیرامونی کشاورزی (کشورهای در حال توسعه) اشاره دارد. از آنجا که توزیع قدرت در بین کشورها نابرابر است، توسعه سرمایه‌داری، نابرابری را تثبیت و نظم اقتصادی طبقاتی را تقویت می‌کند. در نتیجه، کشورهای در حال توسعه در یک وضعیت محروم در یک ساختار جغرافیایی-سیاسی نابرابر اسیر می‌شوند. ساختاری که فقر آنها را مضاعف می‌کند (فسمن و موزل^{۳۲}، ۲۰۱۳). مهاجرت از روستا به شهر و از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته نیز یکی از نتایج سلطه مرکز بر پیرامون است. مهاجرت نیروی کار از پیرامون (کشورهای فقیر) به مرکز (کشورهای ثروتمند) به عنوان استثمار در نظر گرفته می‌شود چرا که تبعیض‌های متفاوت در مقصد به بیگانگی مهاجران منجر می‌شود (وود^{۳۳}، ۱۹۸۲).

نظریه انتظار ارزش^{۳۴} مهاجرت

در این نظریه مهاجرت، کنشگر محل اقامت خود را از یک مجموعه مکان‌های جایگزین که مجموع سودمندی‌ها را در ابعاد مختلف به حداکثر می‌رساند، انتخاب می‌کند (دجونگ و گاردنر^{۳۵} ۱۹۸۱). عوامل خاصی، این ارزش مورد انتظار از مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل در چهار دسته ویژگی‌های فردی و خانوادگی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، عوامل شخصیتی همانند ریسک‌پذیری یا سازگاری، و ساختار فرصت طبقه‌بندی می‌شوند (هاج^{۳۶}، ۲۰۰۸: ۵۸۸). دجونگ (۲۰۰۰) معتقد است انتظارات و اهداف ارزش‌گذاری شده، انگیزش‌ها را برای مهاجرت تعیین می‌کنند. تصمیم خانوارها برای فرستادن افراد یا جابجایی خودشان، با انتظار دست یافتن به اهداف ارزش‌گذاری شده صورت می‌گیرد. در این دیدگاه، نیات قبلی مهاجر، تعیین‌کننده‌های اولیه تصمیم به مهاجرت واقعی مهاجران هستند. انتظارات همراه با ضابطه‌های خانواده درمورد مهاجرت، پیش‌بینی‌کننده‌های نیّت قبلی برای جابجایی هستند که به ترتیب تعیین‌کننده‌های عمل مهاجرت هستند. وی برای مطالعه تصمیم‌گیری مهاجرت، استفاده از مفاهیم

۲۸. Network Theory

۲۹. Massey

۳۰. Dependency Theory

۳۱. Singer

۳۲. Fassmann and Musil

۳۳. Wood

۳۴. Value Expectancy Theory

۳۵. De Jong and Gardner

۳۶. Haug

انتظارات/ارزشها، هنجارهای مهاجرت خانوادگی، نقش‌های جنسیتی، رضایت از محل اقامت، شبکه‌های مهاجرتی و الزامات و تسهیل‌کننده‌های رفتاری را پیشنهاد می‌کند.

نظریات انتقالی

نظریه انتقال تحرکی ویلبر زلینسکی (۱۹۷۱) مهمترین نظریه انتقالی در حوزه مهاجرت است. همزمان با تلاش جمعیت‌شناسان جهت تبیین الگوی تغییرات جمعیتی در مسیر نوسازی، زلینسکی تلاش نمود تا الگوهای تغییر جابجایی‌ها و مهاجرت‌ها را در مسیر انتقال جمعیتی و نوسازی تبیین کند و نشان دهد که نوسازی عموماً با تغییرات الگوهای خاص جابجائی جمعیت همراه است. وی فرضیه‌اش را انتقال تحرکی (انتقال جابجائی) نام نهاد و مفهوم تحرک را به معنای عام آن یعنی تحرک فیزیکی- مکانی و نیز تحرک اجتماعی در نظر گرفت.

در این نظریه، با افزایش توسعه‌یافتگی و شروع انتقال جمعیتی مهاجرت داخلی (عمدتاً روستا به شهر) ابتدا افزایش و بعد کاهش می‌یابد. مهاجرت بین‌المللی نیز تاحدودی همین روند را طی می‌کند. اما جابجایی‌های چرخشی ابتدا کم هستند و بعد به تدریج افزایش می‌یابند. این روندها در طی زمان خطی و محتوم هستند. انتقال مهاجرت در نظریه زلینسکی ابتدا برای مهاجرت داخلی، بعد برای مهاجرت بین‌المللی افراد ماهر و بعد برای مهاجرت افراد غیر ماهر اتفاق می‌افتد.

اسکلدون (۱۹۹۷) عامل تشکیل دولت را در انتقال تحرکی موثر می‌داند. در واقع وی عامل ساختار را وارد مهاجرت می‌کند چیزی که مد نظر زلینسکی نبود. در منطقه‌بندی حرکات مهاجرتی، وی به ۵ گروه‌کننده (یا هسته) مهاجرتی اشاره دارد. هسته‌های اول و دوم به کشورهای قدیم و جدید هسته اصلی (اروپا، امریکای شمالی و ژاپن) اشاره دارد که با مهاجرپذیری و عدم تمرکز داخلی مشخص می‌شوند. سومی به هسته در حال گسترش (چین شرقی، اروپای شرقی و آفریقای جنوبی) اشاره دارد که دارای مهاجرفرستی، مهاجرپذیری و تمرکز داخلی (شهرنشینی و مهاجرت روستا به شهر) می‌باشند. هسته چهارم به مناطق دارای نیروی کار مثلاً مراکش، مصر، ترکیه، مکزیک، فیلیپین و اخیراً اسپانیا و ایتالیا اشاره دارد. این کشورها دارای مهاجرفرستی و تمرکز داخلی هستند. دسته پنجم شامل کشورهای جنوب صحرای آفریقا، بخشی از آسیای مرکزی و آمریکای لاتین است که دارای وضعیت متفاوتی هستند و غالباً دارای اشکال ضعیف‌تری از مهاجرت می‌باشند.

هسته مرکزی بیشتر از مناطق دارای نیروی کار، مهاجر می‌پذیرد. علل آن ارتباطات متقابل بیشتر، توسعه‌یافتگی و نیروی کار بهتر می‌باشد. چنین حالتی به نظریه سیستم‌های مهاجرتی موبوگانجه^{۳۷} (۱۹۷۰) نزدیک می‌شود. به عقیده وی یک سیستم مهاجرتی مجموعه‌ای از مکان‌هایی (در داخل و بین مرزهای دولتی) است که به جریان‌ها و ضدجریان‌های مردم، کالا، خدمات، و اطلاعات که مبادلات آتی، شامل مهاجرت، بین مناطق را تسهیل می‌کنند متصل است. این مهاجرت از طریق استفاده از زمین، نیروی کار، بهره‌برداری از مواد خام، ایجاد ارتباطات ناشی از واردات و صادرات، تقویت پیوندهای فرهنگی و ایدئولوژیکی بین کشورهای مرکز و پیرامون، و ایجاد شهرهای جهانی تقویت می‌شود. مهاجرت‌های آتی می‌توانند از طریق علیت تراکمی تقویت شوند. چنین حالتی، ساختارهایی و خوشه بندی جغرافیایی مهاجرت را نشان می‌دهد و از موقعیت تصادفی جریان جذب و دفع فاصله می‌گیرد.

بنظر می‌رسد منطقه‌بندی اسکلدون تاحدودی کاربرد مدل‌های مرکز-پیرامون (نظریه وابستگی) و نظریه سیستم‌های جهانی که ریشه در نظریه نئومارکسیستی و ساختارگرایانه دارد است. نظریه سیستم‌های جهانی والرش‌تاین (۱۹۷۴، ۱۹۸۰) بر وابستگی متقابل مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته استوار است. وی بین کشورهای واقع در مرکز، نیمه پیرامون، پیرامون و دورافتاده تمایز قابل است. ادغام پیرامونی‌ها از طریق فرایند بسط جهانی سرمایه‌داری با افزایش مهاجرت به کشورهای حوزه مرکزی همراه است. افزایش مرکز، تابع درحاشیه قرارگرفتن، فقر و وابستگی ساختاری حوزه‌های پیرامونی است. فرق آن با نظریه‌های انتقالی این است که در نظریه انتقالی، توسعه‌یافتگی نهایی همه کشورها محتوم است. اما وضعیت مهاجرت در دروه بعد از انتقال مشخص نیست. جهانی‌شدن وضعیت را متفاوت کرده است. بعضی کشورها (در آسیای شرقی و جنوب شرقی) دارای رشد سریع اقتصادی بودند و بعضی‌ها (در جنوب صحرای آفریقا) همچنان عقب مانده‌اند.

فرضیه برآمدگی مهاجرتی^{۳۸} که توسط مارتین و تایلور (۱۹۹۶) ارائه شد به افزایش کوتاه‌مدت مهاجرت ناشی از اصلاحات تجاری اشاره دارد. تاثیر سرمایه‌گذاری بر ایجاد شغل ممکن است زمان زیادی برد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز می‌تواند این برآمدگی را ایجاد کند. این افزایش نمی‌تواند حتمی باشد.

۳۷. Mabogu nje

۳۸. Migration hump

یافته‌های تحقیق

مهاجران جابجا شده در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵ حدود ۵,۷ میلیون نفر در درون مرزهای ایران جابجا شده‌اند. این تعداد تقریباً برابر با ۱۱,۶ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵ را تشکیل می‌داد. در این دوره به دلیل مهاجرت عظیم افغان‌ها به ایران درصد قابل توجهی (۱۲,۲ درصد) از محل اقامت قبلی مهاجران را "خارج از کشور" تشکیل می‌دهد. همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود در سرشماری‌های بعدی از شدت تأثیرپذیری تغییرات جمعیت داخلی کشور از مهاجرت‌های با مبدأ خارج از کشور کاسته شده است. در سرشماری ۱۳۷۵ نسبت جمعیت مهاجر کشور به ۱۴,۵ درصد افزایش می‌یابد که برای سرشماری ۱۳۸۵ نیز این روند افزایشی ادامه داشته و به ۱۷,۲ درصد می‌رسد. در سرشماری ۱۳۹۰ باتوجه به تغییر دوره زمانی سرشماری از ده سال به پنج سال، درصد جمعیت کل مهاجر داخلی کشور به ۷,۴ درصد کاهش یافته است (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲). در سرشماری اخیر نیز روند نزولی نسبت کل مهاجران از جمعیت کشور تداوم داشته و به رقم ۵,۳ درصد رسیده است. در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در مقایسه با سرشماری ۱۳۸۵-۱۳۹۰ مهاجرانی که از خارج کشور وارد مرزهای ایران شده‌اند افزایش اندکی داشته است. نکته قابل توجه دیگر در جدول ذیل تعداد اظهار نشده‌ها می‌باشد که در سرشماری اخیر در مقایسه با چهار سرشماری قبلی کاهش بسیار چشمگیری داشته است. کل اظهار نشده‌ها در این دوره حدود ۲۴ هزار نفر گزارش شده است در حالی که در سرشماری ۱۳۹۰-۱۳۸۵ حدود ۴۰۰ هزار نفر بوده‌اند. این موضوع می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر وضعیت مهاجرت داخلی در ایران کمک نماید.

توزیع مهاجران برحسب نوع مهاجرت

مهاجرت‌های داخلی را می‌توان در چهار نوع روستا-روستا، شهر-شهر، شهر-روستا و گروه بندی نمود. در جدول ۲ سهم هر یک از این نوع مهاجرت‌ها در فاصله سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نشان داده شده است. همانطوری که ملاحظه می‌شود سهم مهاجرت‌های شهر به شهر از سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ روند صعودی داشته و از ۴۰ درصد به ۶۸ درصد رسیده است. در مقابل مهاجرت‌های شهر به روستا و روستا به روستا روند کاملاً نزولی داشته است. مهاجرت‌های روستا-شهری در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ روند افزایش طی نموده است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که الگوی غالب مهاجرت داخلی در ایران از نوع مهاجرت شهر به شهر می‌باشد و مهاجرت‌های معکوس یعنی شهر به روستا روند نزولی دارد. سهم مهاجرت‌های روستا به شهر نیز در سطح پایینی قرار دارد و افزایش جمعیت شهری کشور را نمی‌توان به این نوع مهاجرت منتسب نمود. لذا عوامل دیگر همچون رشد طبیعی جمعیت شهری و تبدیل روستاها به شهر را می‌توان از دلایل مهمتر افزایش جمعیت شهری کشور دانست.

جدول ۱. توزیع مهاجران برحسب محل اقامت قبلی طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۵

دوره	کل مهاجران	شهرستان محل سرشماری		سایر شهرستان‌های استان		شهرستان‌های سایر استان‌ها		خارج از کشور	اظهار نشده
		شهر	آبادی	شهر	آبادی	شهر	آبادی		
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۵,۷۴۴,۶۸۷	۲۷۰,۵۹۶	۱,۲۸۳,۶۳۹	۹۵۷,۹۴۴	۴۴۱,۵۸۹	۱,۳۶۲,۴۱۷	۵۰۰,۵۱۷	۶۹۹,۹۷۸	۲۲۸,۰۰۷
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۸,۷۱۸,۷۷۰	۱,۲۲۹,۳۶۰	۱,۹۵۹,۳۹۳	۱,۸۴۹,۳۸۴	۴۵۷,۸۰۷	۲,۵۲۴,۱۲۱	۴۱۵,۸۰۰	۲۳۸,۳۳۱	۴۴,۵۷۴
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۲,۱۴۸,۱۴۸	۱,۶۳۸,۶۶۲	۲,۲۵۹,۳۸۰	۲,۵۴۹,۹۳۹	۵۶۱,۷۵۰	۴,۲۰۱,۰۷۵	۵۷۲,۹۶۶	۲۶۰,۴۹۵	۱۰۳,۸۸۱
۱۳۸۵-۱۳۹۰	۵,۵۳۴,۶۶۶	۱,۱۶۲,۵۰۸	۸۰۲,۸۴۲	۹۹۵,۰۳۷	۱۱۲,۶۶۷	۱,۸۵۷,۰۴۱	۱۰۸,۴۵۰	۱۰۲,۵۱۹	۳۹۳,۶۰۲
۱۳۹۰-۱۳۹۵	۴,۳۰۰,۹۸۸	۳۴۷,۶۱۷	۴۳۷,۹۸۷	۱,۱۱۷,۶۴۰	۲۰۵,۱۸۶	۱,۸۸۳,۵۲۴	۱۷۴,۴۷۹	۱۱۰,۸۲۹	۲۳,۷۲۶

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲؛ سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۲. درصد مهاجران داخلی بر حسب نوع مهاجرت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵

سال	نوع مهاجرت			
	شهر به شهر	شهر به روستا	روستا به روستا	روستا به شهر
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۴۰	۱۴	۱۴	۳۲
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۴۸	۱۸	۱۱	۲۲
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۵۴	۱۷	۹	۲۰
۱۳۸۵-۱۳۹۰	۶۵	۱۵	۷	۱۳
۱۳۹۰-۱۳۹۵	۶۸	۱۲	۵	۱۵

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲؛ سرشماری ۱۳۹۵

جریان‌های مهاجرتی بین استانی

در جدول ۳ جریان‌های مهاجرتی بین استانی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵ ارائه شده است. همان طوری که از اطلاعات جدول بر می‌آید در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در مجموع تعداد ۱۹۶۵۴۹۱ نفر از استان‌های کشور خارج و وارد سایر استان‌ها شده‌اند. به‌عبارتی حجم کل جابجایی‌های بین استانی در دوره مذکور برابر با رقم فوق بوده است. در دوره اخیر یعنی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ حجم جابجایی‌های بین استانی به بالای ۲ میلیون نفر رسیده است. این موضوع به اهمیت این نوع جابجایی‌های داخلی در ایران اشاره دارد که روند رو به افزایشی را طی نموده است. در دوره مذکور استان‌های تهران، البرز و اصفهان بالاترین تعداد مهاجران واردشده را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل کمترین تعداد مهاجران به‌ترتیب وارد استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که استان تهران همچنان بعنوان یکی از مقصدهای مهاجرتی مهم در جریان‌های مهاجرت داخلی در ایران بشمار می‌آید.

در جدول ۴ شاخص‌های میزان مهاجرپذیری، میزان مهاجرفرستی و شاخص میزان خالص مهاجرت برای تمامی استان‌های کشور در دوره‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ محاسبه شده است. میزان مهاجرفرستی و مهاجرپذیری به‌ترتیب از تقسیم تعداد مهاجران خارج‌شده و واردشده بر حاصل ضرب جمعیت وسط دوره در عدد ۵ بدست آمده‌اند. از آنجایی که دوره‌های مورد بررسی ۵ ساله‌اند لذا جمعیت وسط دوره در عدد ۵ ضرب شده است.

همچنین لازم به توضیح است که میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی به ازای ۱۰۰۰ نفر از جمعیت محاسبه می‌شود. برای مثال در استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت تعداد ۳,۵۶ نفر از جمعیت استان خارج و تعداد ۲,۵۶ نفر وارد شده‌اند و بنابراین خالص مهاجرت این استان برابر منفی یک می‌باشد یعنی استان آذربایجان شرقی در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت تعداد یک نفر را از جمعیت خود را به دلیل مهاجرت بین استانی از دست داده است.

براساس یافته‌های جدول مذکور و میزان خالص مهاجرت در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مهاجرپذیرترین استان‌های کشور به‌ترتیب سمنان، البرز، قم و تهران هستند. در همین دوره مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور شامل لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان و کرمانشاه بوده‌اند.

در شکل‌های ۱ و ۲ میزان خالص مهاجرت استان‌های کشور برای دو دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ ترسیم شده است. همان طوری که در شکل ۱ به روشنی مشخص است در این دوره تعداد ۱۳ استان دارای خالص مهاجرتی مثبت بوده‌اند. استان‌های البرز، سمنان و بوشهر بیشترین خالص مهاجرت و در مقابل منفی‌ترین مقادیر خالص مهاجرت به استان‌های لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، خوزستان، اردبیل و همدان اختصاص یافته است.

جدول ۳. وضعیت مهاجرت بین استانی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

استان	مهاجرت بین استانی			
	۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰		۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵	
	مهاجران خارج شده	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	مهاجران وارد شده
کل	۱,۹۶۵,۴۹۱	۱,۹۶۵,۴۹۱	۲,۰۶۲,۹۵۴	۲,۰۶۲,۹۵۴
آذربایجان شرقی	۷۱,۷۲۸	۶۴,۳۳۰	۶۷,۹۶۸	۴۸,۹۰۸
آذربایجان غربی	۵۱,۷۳۲	۳۷,۸۵۱	۴۸,۳۰۹	۳۴,۸۰۹
اردبیل	۳۹,۸۲۷	۲۶,۲۳۲	۴۴,۶۲۵	۲۴,۳۸۴
اصفهان	۹۲,۶۵۶	۱۳۹,۳۶۸	۱۰۳,۱۴۰	۱۲۷,۹۰۳
ایلام	۱۸,۵۱۳	۱۵,۸۵۸	۲۳,۰۶۶	۱۱,۷۹۵
البرز	۹۷,۷۹۹	۱۹۰,۳۴۱	۱۰۳,۴۳۷	۲۰۷,۶۶۹
بوشهر	۲۷,۴۰۵	۵۱,۶۱۲	۳۰,۸۸۵	۴۳,۷۰۵
تهران	۴۰۰,۸۲۱	۳۷۹,۱۵۸	۳۵۰,۶۳۲	۵۱۶,۹۲۲
چهارمحال و بختیاری	۳۱,۵۵۱	۱۴,۹۶۵	۳۸,۸۴۴	۱۷,۵۷۷
خراسان جنوبی	۱۷,۴۹۹	۳۱,۲۰۱	۳۱,۲۶۰	۲۸,۷۸۷
خراسان رضوی	۱۱۵,۰۲۱	۱۰۸,۸۲۷	۱۰۷,۷۸۶	۱۱۲,۰۲۷
خراسان شمالی	۳۰,۲۳۸	۲۹,۸۳۶	۳۷,۰۱۱	۲۱,۵۴۸
خوزستان	۱۱۴,۴۹۳	۶۰,۵۲۱	۱۳۵,۴۹۱	۵۳,۶۳۲
زنجان	۲۶,۸۸۰	۳۰,۲۷۷	۳۰,۴۹۳	۲۳,۹۶۰
سمنان	۲۳,۲۵۶	۴۱,۵۰۶	۲۲,۶۲۲	۵۳,۲۶۸
سیستان و بلوچستان	۶۰,۴۱۴	۲۷,۰۰۰	۵۹,۶۲۷	۲۷,۳۰۱
فارس	۹۸,۵۸۹	۷۳,۱۷۰	۹۲,۹۳۴	۷۲,۷۴۵
قزوین	۳۷,۹۹۸	۳۱,۵۹۸	۳۴,۹۱۸	۳۶,۰۱۰
قم	۴۰,۹۳۰	۴۵,۶۴۴	۴۱,۶۰۸	۶۳,۸۶۱
کردستان	۴۶,۹۵۴	۳۶,۷۹۳	۴۹,۶۱۸	۳۷,۷۸۹
کرمان	۴۳,۹۳۵	۳۷,۷۹۲	۴۸,۲۱۷	۲۶,۴۷۷
کرمانشاه	۷۷,۱۳۱	۳۹,۰۲۰	۷۷,۵۵۳	۴۲,۶۲۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷,۱۹۳	۱۲,۹۴۰	۲۶,۱۲۳	۱۳,۹۳۰
گلستان	۳۷,۱۷۹	۵۱,۰۱۷	۵۱,۸۴۸	۳۳,۶۹۹
گیلان	۵۶,۱۰۶	۸۵,۹۲۴	۶۱,۵۵۵	۷۴,۸۹۱
لرستان	۶۰,۷۳۵	۲۴,۹۹۱	۹۱,۴۷۲	۲۷,۳۵۰
مازندران	۵۳,۶۶۰	۷۸,۹۴۷	۵۹,۰۶۳	۶۹,۷۱۴
مرکزی	۴۳,۵۳۸	۵۱,۳۳۳	۵۰,۱۲۶	۴۴,۵۷۰
هرمزگان	۴۳,۴۲۷	۵۱,۴۳۷	۴۷,۵۵۲	۶۵,۵۹۹
همدان	۶۳,۷۲۴	۴۵,۵۱۲	۷۱,۶۳۶	۳۹,۲۱۸
یزد	۲۴,۵۵۹	۵۰,۴۹۰	۲۳,۵۳۵	۶۰,۲۸۱

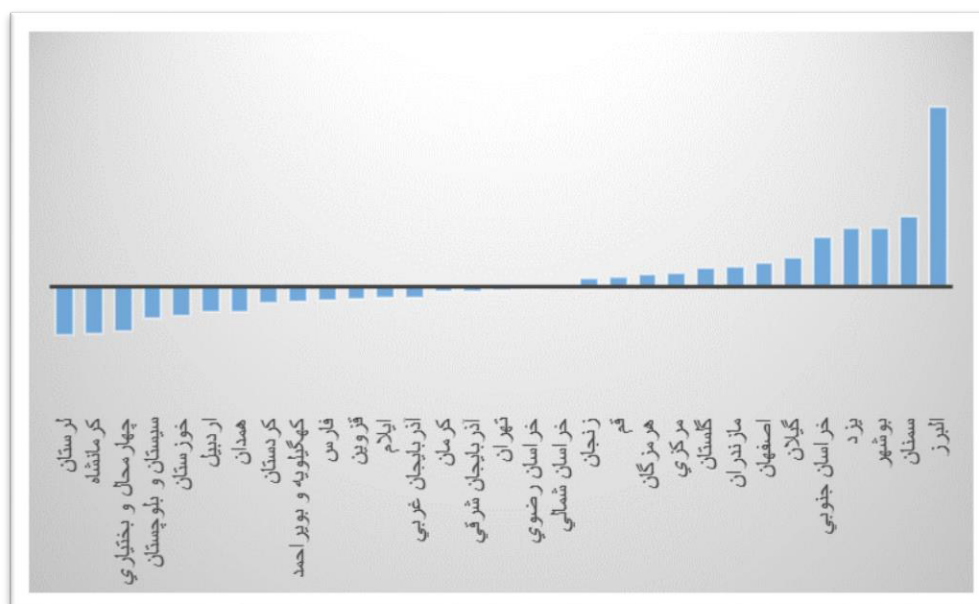
منبع: سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۴. میزان‌های مهاجرفرستی، مهاجرپذیری و خالص مهاجرت استان‌های کشور، ۱۳۸۵-۱۳۹۵

استان	میزان مهاجرفرستی		میزان مهاجرپذیری		میزان خالص مهاجرت	
	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	۳,۹۲	۳,۵۶	۳,۵۱	۲,۵۶	-۰,۴۰	-۱,۰۰
آذربایجان غربی	۳,۴۸	۳,۰۵	۲,۵۴	۲,۱۹	-۰,۹۳	-۰,۸۵
اردبیل	۶,۴۳	۷,۰۹	۴,۲۴	۳,۸۷	-۲,۲۰	-۳,۲۱
اصفهان	۳,۹۳	۴,۱۳	۵,۹۱	۵,۱۲	۱,۹۸	۰,۹۹
ایلام	۶,۷۱	۸,۱۱	۵,۷۵	۴,۱۵	-۰,۹۶	-۳,۹۶
البرز	۱۶,۲۲	۸,۰۷	۳۱,۵۶	۱۶,۲۱	۱۵,۳۴	۸,۱۴
بوشهر	۵,۷۱	۵,۶۲	۱۰,۷۶	۷,۹۶	۵,۰۵	۲,۳۳
تهران	۶,۲۶	۵,۵۱	۵,۹۲	۸,۱۲	-۰,۳۴	۲,۶۱
چهارمحال و بختیاری	۷,۲۰	۸,۴۳	۳,۴۱	۳,۸۱	-۳,۷۸	-۴,۶۲
خراسان جنوبی	۵,۳۹	۸,۷۴	۹,۶۱	۸,۰۴	۴,۲۲	-۰,۶۹
خراسان رضوی	۳,۹۷	۳,۴۷	۳,۷۶	۳,۶۱	-۰,۲۱	۰,۱۴
خراسان شمالی	۷,۲۰	۸,۵۵	۷,۱۱	۴,۹۸	-۰,۱۰	-۳,۵۷
خوزستان	۵,۲۰	۵,۸۶	۲,۷۵	۲,۳۲	-۲,۴۵	-۳,۵۴
زنجان	۵,۴۳	۵,۸۸	۶,۱۲	۴,۶۲	۰,۶۹	-۱,۲۶
سمنان	۷,۶۲	۶,۷۹	۱۳,۶۰	۱۵,۹۸	۵,۹۸	۹,۱۹
سیستان و بلوچستان	۴,۸۹	۴,۴۹	۲,۱۹	۲,۰۶	-۲,۷۱	-۲,۴۴
فارس	۴,۴۱	۳,۹۳	۳,۲۸	۳,۰۸	-۱,۱۴	-۰,۸۵
قزوین	۶,۴۸	۵,۶۴	۵,۳۹	۵,۸۲	-۱,۰۹	۰,۱۸
قم	۷,۴۵	۶,۸۱	۸,۳۰	۱۰,۴۵	۰,۸۶	۳,۶۴
کردستان	۶,۴۰	۶,۴۱	۵,۰۲	۴,۸۸	-۱,۳۹	-۱,۵۳
کرمان	۳,۱۴	۳,۱۶	۲,۷۰	۱,۷۴	-۰,۴۴	-۱,۴۲
کرمانشاه	۸,۰۷	۷,۹۶	۴,۰۸	۴,۳۷	-۳,۹۹	-۳,۵۸
کهگیلویه و بویراحمد	۵,۳۲	۷,۶۲	۴,۰۰	۴,۰۶	-۱,۳۲	-۳,۵۶
گلستان	۴,۳۸	۵,۶۹	۶,۰۱	۳,۷۰	۱,۶۳	-۱,۹۹
گیلان	۴,۵۹	۴,۹۱	۷,۰۳	۵,۹۸	۲,۴۴	۱,۰۶
لرستان	۷,۰۰	۱۰,۴۱	۲,۸۸	۳,۱۱	-۴,۱۲	-۷,۳۰
مازندران	۳,۵۸	۳,۷۲	۵,۲۷	۴,۳۹	۱,۶۹	۰,۶۷
مرکزی	۶,۳۰	۷,۰۵	۷,۴۳	۶,۲۷	۱,۱۳	-۰,۷۸
هرمزگان	۵,۸۳	۵,۶۷	۶,۹۰	۷,۸۲	۱,۰۷	۲,۱۵
همدان	۷,۳۶	۸,۲۰	۵,۲۶	۴,۴۹	-۲,۱۰	-۳,۷۱
یزد	۴,۷۶	۴,۲۵	۹,۷۸	۱۰,۹۰	۵,۰۲	۶,۶۴

منبع: سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

شکل ۱. توزیع استانی میزان خالص مهاجرت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰



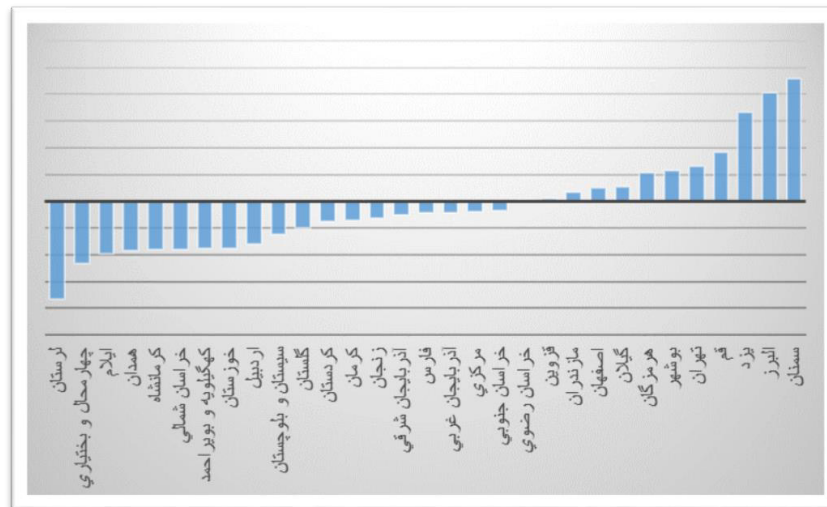
منبع: سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

میزان خالص مهاجرت برای استان‌های کشور در دوره ۵ ساله اخیر در قالب شکل ۲ ارائه شده است. در نگاهی کلی و در مقایسه با دوره ۹۰-۱۳۸۵ شاهد کاهش تعداد استان‌های با خالص مهاجرت مثبت هستیم. تعداد استان‌هایی که خالص مهاجرتی مثبت دارند در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ از ۱۳ مورد به ۱۰ مورد کاهش یافته است. سمنان، البرز، یزد، قم، تهران، بوشهر، هرمزگان، گیلان، اصفهان و مازندران به ترتیب بالاترین رقم خالص مهاجرت را به خود اختصاص داده‌اند. تهران که در دوره ۹۰-۱۳۸۵ دارای خالص مهاجرتی منفی بوده است در دوره حاضر میزان خالص مهاجرت مثبتی را تجربه نموده است. در دوره ۵ ساله اخیر استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، اردبیل، سیستان و بلوچستان بیشترین رقم خالص مهاجرت منفی را به خود اختصاص داده‌اند.

وضعیت مهاجرت بین استانی در مهاجرپذیرترین و مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور

همانطوری که اشاره شد استان‌های سمنان، البرز، یزد، قم و تهران مثبت‌ترین و در مقابل استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان و کرمانشاه منفی‌ترین میزان‌های خالص مهاجرت را در میان استان‌های کشور در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه به وضعیت مهاجرتی هرکدام از استان‌های فوق‌الذکر پرداخته می‌شود تا نشان داده شود که این استان‌ها با کدام استان‌های کشور بیشترین مبادلات مهاجرتی را دارند. نتایج در جداول ۵ تا ۱۴ و نیز در قالب شکل‌های ۳ تا ۱۲ گزارش شده است. عبارتی تلاش می‌شود تا مشخص شود که بیشترین مهاجران واردشده و خارج‌شده از این استان‌ها با کدام استان‌های کشور در ارتباط بوده‌اند. استان سمنان بیشترین تعامل مهاجرتی را با استان‌های تهران و خراسان رضوی داشته است طوری که ۳۳ درصد مهاجران واردشده به این استان متعلق به استان تهران و بیش از ۱۳ درصد مهاجران نیز از استان خراسان رضوی وارد این استان شده‌اند. در مقابل نیز به ترتیب بیش از ۳۴ و ۱۵ درصد از مهاجران خارج‌شده از استان سمنان به استان‌های تهران و خراسان رضوی مهاجرت نموده‌اند.

شکل ۲. توزیع استانی میزان خالص مهاجرت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



منبع: نتایج سرشماری های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۴۳ درصد مهاجران وارد شده به استان البرز از استان تهران بوده‌اند و در رتبه بعدی استان کرمانشاه قرار دارد که حدود ۷ درصد مهاجران وارد شده به این استان را به خود اختصاص داده است. بیش از ۴۹ درصد مهاجران خارج شده از استان البرز به استان تهران و ۷ درصد مهاجران نیز وارد استان گیلان شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که بیشترین تبادل مهاجرتی استان البرز طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ با استان تهران بوده است. یزد به عنوان استانی مهاجرپذیر بیشترین تبادل مهاجرتی را با استان‌های فارس، کرمان و تهران تجربه نموده است. بیش از ۱۴ و ۱۳ درصد مهاجران وارد شده به استان یزد به ترتیب به مهاجران وارد شده از استان‌های فارس و کرمان اختصاص دارد. شاید بتوان گفت که در این جریان‌های مهاجرتی مسافت و بعد جغرافیایی حایز اهمیت بوده است. بعلاوه نتایج نشان می‌دهد که به ترتیب ۱۹ و ۱۲ درصد مهاجران یزدی به استان‌های تهران و فارس مهاجرت نموده‌اند.

تحلیل جریان‌های مهاجرتی استان قم نشان می‌دهد که این استان بیشترین تبادل مهاجرتی را با استان‌های تهران، خوزستان و اصفهان داشته است. به ترتیب حدود ۲۰ و ۹ درصد مهاجران وارد شده به استان فوق از دو استان تهران و خوزستان بوده‌اند و در مقابل بیش از ۲۹ و ۹ درصد مهاجران خارج شده از استان قم به دو استان تهران و اصفهان مهاجرت نموده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که استان تهران بیشترین تأثیر و نقش را در جریان‌های مهاجرتی استان قم در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ دارا می‌باشد. یافته‌ها گویای آن است که حدود ۱۰ و ۸ درصد مهاجران وارد شده به استان تهران از دو استان البرز و لرستان بوده‌اند و در مقابل نیز بیشترین مهاجران خارج شده از استان تهران به ترتیب با درصدهای ۲۵ و ۸ به استان‌های البرز و گیلان مهاجرت نموده‌اند. از منظر تعداد مهاجران وارد شده به استان تهران تفاوت زیادی بین سهم استان‌های کشور مشاهده نمی‌شود اما در مقابل در جریان مهاجرتی از استان تهران مشاهده می‌شود که استان البرز نقش حایز اهمیتی در مقایسه با سایر استان‌های کشور در جذب مهاجران از استان تهران دارد.

استان لرستان با دارا بودن منفی‌ترین میزان خالص مهاجرت بیشترین تبادل مهاجرتی را با استان‌های خوزستان، تهران و البرز داشته است. بیش از ۲۴ و حدود ۲۳ درصد مهاجران وارد شده به این استان متعلق به مهاجران استان‌های خوزستان و تهران است و در مقابل ۴۵ درصد مهاجران خارج شده از این استان به استان تهران و ۱۰ درصد آنها نیز به استان البرز مهاجرت نموده‌اند. بنابراین مشاهده می‌شود که استان تهران در جریان مهاجرتی استان لرستان دارای تأثیر بسیار مهمی است.

درصد مهاجران وارد شده به استان چهارمحال و بختیاری متعلق به مهاجران استان‌های اصفهان و خوزستان به ترتیب ۴۹ و ۱۹ درصد بوده است. همچنین بیش از ۵۲ درصد مهاجران خارج شده از این استان به استان اصفهان مهاجرت نموده‌اند. لذا می‌توان گفت که استان اصفهان بیشترین نقش را در جریان‌های مهاجرتی استان چهارمحال و بختیاری بازی می‌کند. حدود ۲۰ و ۱۸ درصد مهاجران وارد شده به استان ایلام از دو استان خوزستان و کرمانشاه وارد این استان شده‌اند و در مقابل حدود ۳۷ و ۱۳ درصد از مهاجران خارج شده از استان ایلام به ترتیب به استان‌های تهران و کرمانشاه مهاجرت نموده‌اند. بنابراین استان تهران در جریان مهاجرتی استان ایلام نیز از اهمیت چشمگیری برخوردار است. استان همدان به عنوان استانی

مهاجر فرست بیشترین تبادل مهاجرتی را با استان‌های تهران، البرز و کردستان داشته است. حدود ۲۷ و ۱۲ درصد مهاجران وارد شده به این استان متعلق به مهاجران استان‌های تهران و کردستان بوده‌اند و بیشترین مهاجران خارج شده از این استان به استان‌های تهران (۴۷ درصد) و البرز (حدود ۱۴ درصد) وارد شده‌اند. استان کرمانشاه نیز همانند استان همدان، مبادلات مهاجرتی خود را بیشتر با استان‌های تهران، کردستان و البرز ثبت نموده است. حدود ۱۹ و ۱۴ درصد مهاجران وارد شده به این استان به استان‌های تهران و کردستان اختصاص یافته است و در مقابل نیز حدود ۳۷ درصد مهاجران کرمانشاهی به استان تهران مهاجرت نموده‌اند. در رتبه دوم استان البرز قرار دارد که بیش از ۱۸ درصد مهاجران کرمانشاهی را در خود جای داده است. بنابراین در جریان مهاجرتی استان کرمانشاه نیز استان تهران بیشترین تأثیر و نقش را به جای گذاشته است.

جدول ۵. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان سمنان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۳۲۰	۰٫۶	۱۶۸	۰٫۷
آذربایجان غربی	۵۴۰	۱٫۰	۱۶۷	۰٫۷
اردبیل	۵۳۳	۱٫۰	۸۷	۰٫۴
اصفهان	۲,۱۵۱	۴٫۰	۴۷۵	۲٫۱
البرز	۲,۰۷۶	۳٫۹	۸۳۱	۳٫۷
ایلام	۶۱۲	۱٫۱	۲۸	۰٫۱
بوشهر	۵۰۶	۰٫۹	۷۵	۰٫۳
تهران	۱۷,۵۵۶	۳۳٫۰	۷,۷۲۴	۳۴٫۱
چهارمحال و بختیاری	۴۶۷	۰٫۹	۴۵	۰٫۲
خراسان جنوبی	۸۳۶	۱٫۶	۲۱۳	۰٫۹
خراسان رضوی	۷,۰۷۶	۱۳٫۳	۳,۴۰۲	۱۵٫۰
خراسان شمالی	۱,۴۵۷	۲٫۷	۶۶۶	۲٫۹
خوزستان	۸۶۹	۱٫۶	۱۲۹	۰٫۶
زنجان	۳۵۰	۰٫۷	۱۲۱	۰٫۵
سیستان و بلوچستان	۱,۴۶۰	۲٫۷	۲۱۳	۰٫۹
فارس	۹۶۱	۱٫۸	۲۳۲	۱٫۰
قزوین	۴۸۶	۰٫۹	۱۷۴	۰٫۸
قم	۹۰۴	۱٫۷	۶۴۶	۲٫۹
کردستان	۲۸۳	۰٫۵	۱۹۹	۰٫۹
کرمان	۳۴۳	۰٫۶	۱۱۰	۰٫۵
کرمانشاه	۵۵۲	۱٫۰	۱۲۳	۰٫۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۵	۰٫۳	۲۵	۰٫۱
گلستان	۶,۱۷۰	۱۱٫۶	۲,۹۵۲	۱۳٫۰
گیلان	۵۴۲	۱٫۰	۳۷۱	۱٫۶
لرستان	۵۷۱	۱٫۱	۱۲۷	۰٫۶
مازندران	۳,۶۹۶	۶٫۹	۲,۵۲۱	۱۱٫۱
مرکزی	۷۶۰	۱٫۴	۱۹۵	۰٫۹
هرمزگان	۲۸۶	۰٫۵	۲۴۸	۱٫۱
همدان	۴۸۱	۰٫۹	۱۸۷	۰٫۸
یزد	۲۵۹	۰٫۵	۱۶۸	۰٫۷
کل	۵۳,۲۶۸	۱۰۰٫۰	۲۲,۶۲۲	۱۰۰٫۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰

جدول ۶. مهاجران بین استانی واردشده و خارج شده استان البرز طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران واردشده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۷,۴۴۵	۳,۶	۲,۵۰۹	۲,۴
آذربایجان غربی	۲,۶۱۳	۱,۳	۱,۱۶۹	۱,۱
اردبیل	۴,۲۵۱	۲,۰	۱,۳۰۵	۱,۳
اصفهان	۴,۶۸۵	۲,۳	۲,۴۳۱	۲,۴
ایلام	۱,۵۱۳	۰,۷	۲۷۸	۰,۳
بوشهر	۷۶۲	۰,۴	۳۱۱	۰,۳
تهران	۸,۹۱۹۷	۴۳,۰	۵۰,۸۸۵	۴۹,۲
چهارمحال و بختیاری	۳۹۳	۰,۲	۱۱۰	۰,۱
خراسان جنوبی	۴۹۷	۰,۲	۴۰۴	۰,۴
خراسان رضوی	۴,۶۴۸	۲,۲	۲,۵۴۰	۲,۵
خراسان شمالی	۱,۵۳۷	۰,۷	۵۴۹	۰,۵
خوزستان	۱۱,۶۸۸	۵,۶	۱,۸۱۴	۱,۸
زنجان	۵,۲۷۰	۲,۵	۳,۱۰۹	۳,۰
سمنان	۸۳۱	۰,۴	۲,۰۷۶	۲,۰
سیستان و بلوچستان	۱,۳۱۲	۰,۶	۲۲۴	۰,۲
فارس	۲,۱۵۸	۱,۰	۹۸۰	۰,۹
قزوین	۶,۴۵۴	۳,۱	۵,۲۳۳	۵,۱
قم	۲,۲۳۳	۱,۱	۲,۱۸۹	۲,۱
کردستان	۴,۹۲۱	۲,۴	۱,۶۳۱	۱,۶
کرمان	۱,۴۰۷	۰,۷	۵۶۴	۰,۵
کرمانشاه	۱۴,۱۴۹	۶,۸	۳,۲۷۶	۳,۲
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳۲	۰,۲	۷۲	۰,۱
گلستان	۱,۷۸۹	۰,۹	۸۲۰	۰,۸
گیلان	۷,۸۲۴	۳,۸	۷,۲۱۲	۷,۰
لرستان	۹,۱۶۷	۴,۴	۱,۲۸۵	۱,۲
مازندران	۴,۲۰۱	۲,۰	۳,۷۶۱	۳,۶
مرکزی	۳,۷۴۶	۱,۸	۱,۷۴۲	۱,۷
هرمزگان	۱,۵۰۴	۰,۷	۱,۰۰۵	۱,۰
همدان	۹,۷۲۶	۴,۷	۲,۷۰۶	۲,۶
یزد	۱,۴۱۶	۰,۷	۱,۲۴۷	۱,۲
کل	۲۰۷,۶۶۹	۱۰۰,۰	۱۰۳,۴۳۷	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۷. مهاجران بین استانی واردشده و خارج شده استان یزد طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران واردشده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۲۴۴	۰,۴	۱۸۷	۰,۸
آذربایجان غربی	۲۵۲	۰,۴	۸۹	۰,۴
اردبیل	۳۰۱	۰,۵	۹۷	۰,۴
اصفهان	۷,۰۰۶	۱۱,۶	۲,۸۰۹	۱۱,۹
البرز	۱,۲۴۷	۲,۱	۱,۴۱۶	۶,۰
ایلام	۱۵۳	۰,۳	۳۷	۰,۲
بوشهر	۴۰۰	۰,۷	۱۹۵	۰,۸
تهران	۵,۷۷۸	۹,۶	۴,۴۸۲	۱۹,۰
چهارمحال و بختیاری	۱,۸۰۹	۳,۰	۳۲۴	۱,۴
خراسان جنوبی	۱,۹۶۵	۳,۳	۵۱۶	۲,۲
خراسان رضوی	۳,۲۸۴	۵,۵	۱,۹۵۲	۸,۳
خراسان شمالی	۲۷۸	۰,۵	۸۰	۰,۳
خوزستان	۵,۶۸۶	۹,۴	۸۱۰	۳,۴
زنجان	۹۸	۰,۲	۵۸	۰,۲
سمنان	۱۶۸	۰,۳	۲۵۹	۱,۱
سیستان و بلوچستان	۵,۶۸۶	۹,۴	۴۹۰	۲,۱
فارس	۸,۵۵۲	۱۴,۲	۲,۸۵۸	۱۲,۱
قزوین	۱۵۸	۰,۳	۱۰۹	۰,۵
قم	۱,۰۷۶	۱,۸	۱۰۰۰	۴,۲
کردستان	۲۰۰	۰,۳	۹۱	۰,۴
کرمان	۸,۰۴۶	۱۳,۴	۲,۴۸۳	۱۰,۶
کرمانشاه	۵۱۸	۰,۹	۲۴۱	۱,۰
کهگیلویه و بویراحمد	۹۲۲	۱,۵	۲۲۲	۰,۹
گلستان	۸۳۴	۱,۴	۲۹۵	۱,۳
گیلان	۴۱۴	۰,۷	۲۹۵	۱,۳
لرستان	۱,۶۰۴	۲,۷	۲۹۶	۱,۳
مازندران	۴۶۱	۰,۸	۳۶۳	۱,۵
مرکزی	۲۴۵	۰,۴	۲۲۶	۱,۰
هرمزگان	۲,۵۷۰	۴,۳	۱۰۸۰	۴,۶
همدان	۳۲۶	۰,۵	۱۷۵	۰,۷
کل	۶۰,۲۸۱	۱۰۰,۰	۲۳,۵۳۵	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۸. مهاجران بین استانی واردشده و خارج شده استان قم طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران واردشده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۲,۲۰۴	۳,۵	۱,۰۴۸	۲,۵
آذربایجان غربی	۸۷۶	۱,۴	۵۶۰	۱,۳
اردبیل	۴۸۳	۰,۸	۲۶۲	۰,۶
اصفهان	۵,۰۹۴	۸,۰	۳,۹۳۴	۹,۵
البرز	۲,۱۸۹	۳,۴	۲,۲۳۳	۵,۴
ایلام	۵۵۴	۰,۹	۱۹۶	۰,۵
بوشهر	۷۱۸	۱,۱	۴۸۴	۱,۲
تهران	۱۲,۴۳۷	۱۹,۵	۱۲,۱۳۲	۲۹,۲
چهارمحال و بختیاری	۶۵۱	۱,۰	۳۷۵	۰,۹
خراسان جنوبی	۴۵۴	۰,۷	۱۹۴	۰,۵
خراسان رضوی	۲,۳۳۸	۳,۷	۱,۸۰۹	۴,۳
خراسان شمالی	۲۲۶	۰,۴	۲۴۱	۰,۶
خوزستان	۵,۷۶۲	۹,۰	۱,۱۹۹	۲,۹
زنجان	۲,۰۰۵	۳,۱	۱,۰۳۳	۲,۵
سمنان	۶۴۶	۱,۰	۹۰۴	۲,۲
سیستان و بلوچستان	۶۶۴	۱,۰	۳۳۸	۰,۸
فارس	۲,۵۱۲	۳,۹	۱,۰۹۴	۲,۶
قزوین	۹۲۴	۱,۴	۶۸۷	۱,۷
کردستان	۵۵۲	۰,۹	۵۷۱	۱,۴
کرمان	۱,۹۳۱	۳,۰	۷۵۶	۱,۸
کرمانشاه	۱,۵۷۳	۲,۵	۵۰۹	۱,۲
کهگیلویه و بویراحمد	۷۰۳	۱,۱	۲۴۰	۰,۶
گلستان	۷۴۴	۱,۲	۵۳۴	۱,۳
گیلان	۱,۳۲۴	۲,۱	۱,۳۱۷	۳,۲
لرستان	۳,۹۷۶	۶,۲	۸۳۴	۲,۰
مازندران	۱,۸۹۷	۳,۰	۱,۵۰۱	۳,۶
مرکزی	۴,۵۳۷	۷,۱	۳,۵۲۱	۸,۵
هرمزگان	۵۴۷	۰,۹	۴۲۳	۱,۰
همدان	۴,۳۴۰	۶,۸	۱,۶۰۳	۳,۹
یزد	۱,۰۰۰	۱,۶	۱,۰۷۶	۲,۶
کل	۶۳,۸۶۱	۱۰۰,۰	۴۱,۶۰۸	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۹. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان تهران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۲۶,۶۲۴	۵,۱۵	۱۴,۳۶۲	۴,۱
آذربایجان غربی	۱۱,۹۰۳	۲,۳۰	۶,۵۲۵	۱,۹
اردبیل	۲۱,۵۸۵	۴,۱۸	۹,۲۴۷	۲,۶
اصفهان	۲۷,۶۲۹	۵,۳۴	۱۸,۳۶۴	۵,۲
البرز	۵۰,۸۸۵	۹,۸۴	۸۹,۱۹۷	۲۵,۴
ایلام	۸,۵۰۱	۱,۶۴	۱,۹۰۷	۰,۵
بوشهر	۳,۴۵۲	۰,۶۷	۲,۲۳۳	۰,۶
چهارمحال و بختیاری	۲,۷۰۵	۰,۵۲	۸۵۸	۰,۲
خراسان جنوبی	۳,۹۳۴	۰,۷۶	۱,۹۸۰	۰,۶
خراسان رضوی	۳۳,۴۱۴	۶,۴۶	۲۱,۲۴۱	۶,۱
خراسان شمالی	۱۱,۷۳۴	۲,۲۷	۴,۴۸۷	۱,۳
خوزستان	۲۲,۶۴۵	۴,۳۸	۵,۴۸۴	۱,۶
زنجان	۱۰,۸۲۱	۲,۰۹	۶,۲۹۰	۱,۸
سمنان	۷,۷۲۴	۱,۴۹	۱۷,۵۵۶	۵,۰
سیستان و بلوچستان	۵,۵۷۸	۱,۰۸	۱,۸۶۵	۰,۵
فارس	۱۲,۷۳۴	۲,۴۶	۷,۰۱۸	۲,۰
قزوین	۱۱,۹۷۹	۲,۳۲	۹,۲۰۶	۲,۶
قم	۱۲,۱۳۲	۲,۳۵	۱۲,۴۳۷	۳,۵
کردستان	۱۶,۴۲۲	۳,۱۸	۸,۳۷۴	۲,۴
کرمان	۶,۸۱۳	۱,۳۲	۲,۶۶۳	۰,۸
کرمانشاه	۲۸,۵۲۱	۵,۵۲	۸,۰۵۱	۲,۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲,۱۲۴	۰,۴۱	۵۹۶	۰,۲
گلستان	۲۰,۲۵۸	۳,۹۲	۷,۳۲۴	۲,۱
گیلان	۲۴,۴۰۴	۴,۷۲	۲۸,۵۳۱	۸,۱
لرستان	۴۱,۱۳۶	۷,۹۶	۶,۲۳۷	۱,۸
مازندران	۲۱,۸۶۷	۴,۲۳	۲۳,۶۴۳	۶,۷
مرکزی	۲۳,۸۶۱	۴,۶۲	۱۲,۶۴۴	۳,۶
هرمزگان	۷,۴۰۷	۱,۴۳	۶,۰۲۱	۱,۷
همدان	۳۳,۶۴۸	۶,۵۱	۱۰,۵۱۳	۳,۰
یزد	۴,۴۸۲	۰,۸۷	۵,۷۷۸	۱,۶
کل	۵۱۶,۹۲۲	۱۰۰,۰	۳۵,۶۳۲	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۱۰. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان لرستان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۱۴۰	۰,۵	۱۹۳	۰,۲
آذربایجان غربی	۱۷۹	۰,۷	۲۶۳	۰,۳
اردبیل	۴۶	۰,۲	۲۱۴	۰,۲
اصفهان	۲,۴۸۵	۹,۱	۷,۰۲۴	۷,۷
البرز	۱,۲۸۵	۴,۷	۹,۱۶۷	۱۰,۰
ایلام	۸۰۰	۲,۹	۱,۴۶۴	۱,۶
بوشهر	۳۱۹	۱,۲	۷۹۵	۰,۹
تهران	۶,۲۳۷	۲۲,۸	۴۱,۱۳۶	۴۵,۰
چهارمحال و بختیاری	۲۶۲	۱,۰	۱۵۸	۰,۲
خراسان جنوبی	۳۶	۰,۱	۷۷	۰,۱
خراسان رضوی	۲۹۴	۱,۱	۵۷۷	۰,۶
خراسان شمالی	۱۵	۰,۱	۶۲	۰,۱
خوزستان	۶,۶۸۷	۲۴,۴	۷۰۶۶	۷,۷
زنجان	۱۰۹	۰,۴	۲۱۳	۰,۲
سمنان	۱۲۷	۰,۵	۵۷۱	۰,۶
سیستان و بلوچستان	۱۹۲	۰,۷	۲۰۰	۰,۲
فارس	۶۴۶	۲,۴	۱,۱۵۶	۱,۳
قزوین	۱۳۹	۰,۵	۵۸۹	۰,۶
قم	۸۳۴	۳,۰	۳,۹۷۶	۴,۳
کردستان	۱,۰۷۵	۳,۹	۱,۴۴۱	۱,۶
کرمان	۱۸۵	۰,۷	۳۳۹	۰,۴
کرمانشاه	۱,۴۶۰	۵,۳	۳,۴۶۴	۳,۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۹۵	۰,۷	۱۱۴	۰,۱
گلستان	۸۲	۰,۳	۱۳۹	۰,۲
گیلان	۱۶۲	۰,۶	۳۶۴	۰,۴
مازندران	۲۴۷	۰,۹	۷۰۵	۰,۸
مرکزی	۱,۲۷۸	۴,۷	۵,۰۱۸	۵,۵
هرمزگان	۶۰۸	۲,۲	۱,۳۰۴	۱,۴
همدان	۹۳۰	۳,۴	۲,۰۷۹	۲,۳
یزد	۲۹۶	۱,۱	۱,۶۰۴	۱,۸
کل	۲۷,۳۵۰	۱۰۰,۰	۹۱,۴۷۲	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۱۱. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان چهارمحال و بختیاری طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۶۹	۰,۴	۷۹	۰,۲
آذربایجان غربی	۴۰	۰,۲	۱۰۰	۰,۳
اردبیل	۳۶	۰,۲	۲۱	۰,۱
اصفهان	۸,۶۱۷	۴۹,۰	۲,۰۲۲۶	۵۲,۱
البرز	۱۱۰	۰,۶	۳۹۳	۱,۰
ایلام	۸۲	۰,۵	۱۴۲	۰,۴
بوشهر	۴۵۴	۲,۶	۲۲۶۳	۵,۸
تهران	۸۵۸	۴,۹	۲,۷۰۵	۷,۰
خراسان جنوبی	۲۳	۰,۱	۱۱۰	۰,۳
خراسان رضوی	۱۷۷	۱,۰	۳۶۱	۰,۹
خراسان شمالی	۲۱	۰,۱	۵۶	۰,۱
خوزستان	۳,۳۵۰	۱۹,۱	۳,۳۰۲	۸,۵
زنجان	۲۴	۰,۱	۹۴	۰,۲
سمنان	۴۵	۰,۳	۴۶۷	۱,۲
سیستان و بلوچستان	۲۰۰	۱,۱	۱۹۲	۰,۵
فارس	۶۱۹	۳,۵	۱,۴۶۱	۳,۸
قزوین	۴۱	۰,۲	۹۷	۰,۲
قم	۳۷۵	۲,۱	۶۵۱	۱,۷
کردستان	۳۷	۰,۲	۱۱۲	۰,۳
کرمان	۱۸۶	۱,۱	۳۶۶	۰,۹
کرمانشاه	۱۰۹	۰,۶	۳۴۳	۰,۹
کهگیلویه و بویراحمد	۵۸۵	۳,۳	۶۵۷	۱,۷
گلستان	۷۰	۰,۴	۹۳	۰,۲
گیلان	۹۸	۰,۶	۱۶۲	۰,۴
لرستان	۱۵۸	۰,۹	۲۶۲	۰,۷
مازندران	۱۴۲	۰,۸	۳۰۵	۰,۸
مرکزی	۱۵۰	۰,۹	۴۳۷	۱,۱
هرمزگان	۴۹۱	۲,۸	۱,۳۳۸	۳,۴
همدان	۸۶	۰,۵	۲۴۰	۰,۶
یزد	۳۲۴	۱,۸	۱,۸۰۹	۴,۷
کل	۱۷,۵۷۷	۱۰۰,۰	۳۸,۸۴۴	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰

جدول ۱۲. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان ایلام طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۱۸۰	۱,۵	۱۲۶	۰,۵
آذربایجان غربی	۲۰۱	۱,۷	۱۲۷	۰,۶
اردبیل	۴۷	۰,۴	۴۹	۰,۲
اصفهان	۵۰۲	۴,۳	۷۴۱	۳,۲
البرز	۲۷۸	۲,۴	۱,۵۱۳	۶,۶
بوشهر	۱۲۴	۱,۱	۲۴۷	۱,۱
تهران	۱,۹۰۷	۱۶,۲	۸,۵۰۱	۳۶,۹
چهارمحال و بختیاری	۱۴۲	۱,۲	۸۲	۰,۴
خراسان جنوبی	۱۳	۰,۱	۲۱	۰,۱
خراسان رضوی	۱۲۵	۱,۱	۱۸۹	۰,۸
خراسان شمالی	۱۴	۰,۱	۲۰	۰,۱
خوزستان	۲,۳۰۸	۱۹,۶	۲,۵۱۸	۱۰,۹
زنجان	۶۰	۰,۵	۷۲	۰,۳
سمنان	۲۸	۰,۲	۶۱۲	۲,۷
سیستان و بلوچستان	۳۷	۰,۳	۴۵	۰,۲
فارس	۲۱۷	۱,۸	۲۲۹	۱,۰
قزوین	۵۷	۰,۵	۱۸۵	۰,۸
قم	۱۹۶	۱,۷	۵۵۴	۲,۴
کردستان	۵۰۵	۴,۳	۷۹۰	۳,۴
کرمان	۴۷	۰,۴	۷۷	۰,۳
کرمانشاه	۲,۱۰۳	۱۷,۸	۲,۹۱۵	۱۲,۶
کهگیلویه و بویراحمد	۹۱	۰,۸	۳۶	۰,۲
گلستان	۵۸	۰,۵	۸۳	۰,۴
گیلان	۱۱۵	۱,۰	۱۶۱	۰,۷
لرستان	۱,۴۶۴	۱۲,۴	۸۰۰	۳,۵
مازندران	۱۱۷	۱,۰	۳۴۵	۱,۵
مرکزی	۲۱۰	۱,۸	۵۶۵	۲,۴
هرمزگان	۲۳۱	۲,۰	۷۲۳	۳,۱
همدان	۳۸۱	۳,۲	۵۸۷	۲,۵
یزد	۳۷	۰,۳	۱۵۳	۰,۷
کل	۱۱,۷۹۵	۱۰۰,۰	۲۳,۰۶۶	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۱۳. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان همدان طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۴۶۱	۱,۲	۴۶۶	۰,۷
آذربایجان غربی	۶۳۶	۱,۶	۴۷۴	۰,۷
اردبیل	۱۴۰	۰,۴	۲۳۳	۰,۳
اصفهان	۱۴۶۰	۳,۷	۱۸۳۶	۲,۶
البرز	۲۷۰۶	۶,۹	۹۷۲۶	۱۳,۶
ایلام	۵۸۷	۱,۵	۳۸۱	۰,۵
بوشهر	۴۴۳	۱,۱	۷۷۸	۱,۱
تهران	۱۰,۵۱۳	۲۶,۸	۳۳,۶۴۸	۴۷,۰
چهارمحال و بختیاری	۲۴۰	۰,۶	۸۶	۰,۱
خراسان جنوبی	۴۹	۰,۱	۱۱۱	۰,۲
خراسان رضوی	۳۸۶	۱,۰	۵۲۹	۰,۷
خراسان شمالی	۵۷	۰,۱	۹۰	۰,۱
خوزستان	۲,۲۷۶	۵,۸	۱,۵۷۲	۲,۲
زنجان	۴۳۲	۱,۱	۴۹۲	۰,۷
سمنان	۱۸۷	۰,۵	۴۸۱	۰,۷
سیستان و بلوچستان	۲۳۸	۰,۶	۲۷۱	۰,۴
فارس	۸۹۷	۲,۳	۱,۲۷۵	۱,۸
قزوین	۵۲۵	۱,۳	۷۳۵	۱,۰
قم	۱,۶۰۳	۴,۱	۴,۳۴۰	۶,۱
کردستان	۴,۸۵۲	۱۲,۴	۲,۹۸۰	۴,۲
کرمان	۲۳۱	۰,۶	۲۶۲	۰,۴
کرمانشاه	۴,۰۹۱	۱۰,۴	۳,۳۴۴	۴,۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۸۷	۰,۵	۲۲۵	۰,۳
گلستان	۱۱۴	۰,۳	۱۲۳	۰,۲
گیلان	۴۷۰	۱,۲	۷۱۰	۱,۰
لرستان	۲,۰۷۹	۵,۳	۹۳۰	۱,۳
مازندران	۴۹۱	۱,۳	۸۵۳	۱,۲
مرکزی	۲,۰۵۰	۵,۲	۳,۲۴۰	۴,۵
هرمزگان	۶۴۲	۱,۶	۱۱۱۹	۱,۶
یزد	۱۷۵	۰,۴	۳۲۶	۰,۵
کل	۳۹,۲۱۸	۱۰۰,۰	۷۱,۶۳۶	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۱۴. مهاجران بین استانی وارد شده و خارج شده استان کرمانشاه طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵

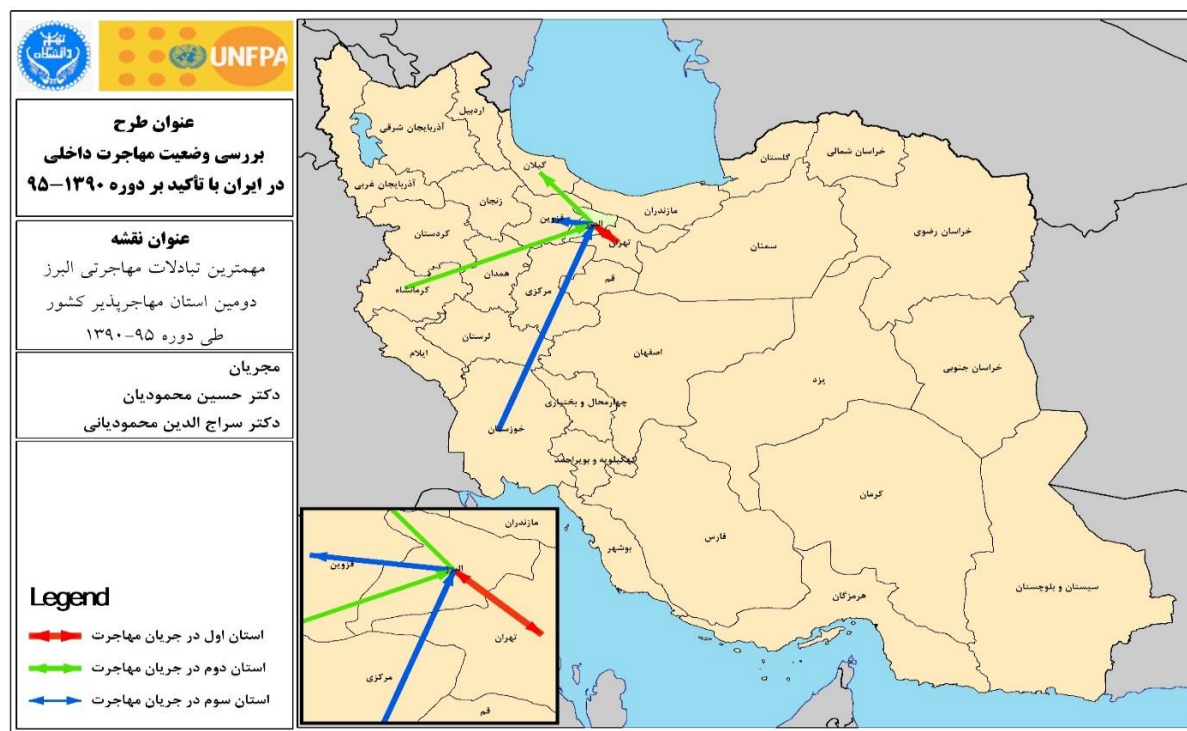
استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آذربایجان شرقی	۸۰۰	۱,۹	۵۲۹	۰,۷
آذربایجان غربی	۱,۱۳۰	۲,۷	۸۴۰	۱,۱
اردبیل	۲۰۰	۰,۵	۳۱۶	۰,۴
اصفهان	۱,۷۰۱	۴,۰	۲,۸۲۲	۳,۶
البرز	۳,۲۷۶	۷,۷	۱۴,۱۴۹	۱۸,۲
ایلام	۲,۹۱۵	۶,۸	۲,۱۰۳	۲,۷
بوشهر	۳۴۸	۰,۸	۴۶۹	۰,۶
تهران	۸,۰۵۱	۱۸,۹	۲۸,۵۲۱	۳۶,۸
چهارمحال و بختیاری	۳۴۳	۰,۸	۱۰۹	۰,۱
خراسان جنوبی	۵۰	۰,۱	۸۲	۰,۱
خراسان رضوی	۸۶۷	۲,۰	۷۵۱	۱,۰
خراسان شمالی	۴۷	۰,۱	۷۰	۰,۱
خوزستان	۳,۳۸۰	۷,۹	۱,۷۱۲	۲,۲
زنجان	۴۴۳	۱,۰	۳۹۳	۰,۵
سمنان	۱۲۳	۰,۳	۵۵۲	۰,۷
سیستان و بلوچستان	۲۱۸	۰,۵	۱۴۸	۰,۲
فارس	۶۹۸	۱,۶	۸۰۶	۱,۰
قزوین	۶۸۵	۱,۶	۱,۷۵۰	۲,۳
قم	۵۰۹	۱,۲	۱,۵۷۳	۲,۰
کردستان	۵,۸۴۱	۱۳,۷	۷,۱۶۴	۹,۲
کرمان	۲۹۵	۰,۷	۱۹۲	۰,۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۶	۰,۴	۷۸	۰,۱
گلستان	۲۹۱	۰,۷	۲۵۲	۰,۳
گیلان	۴۲۶	۱,۰	۷۳۴	۰,۹
لرستان	۳,۴۶۴	۸,۱	۱,۴۶۰	۱,۹
مازندران	۵۹۶	۱,۴	۱,۰۴۲	۱,۳
مرکزی	۱,۳۱۳	۳,۱	۲,۹۵۹	۳,۸
هرمزگان	۸۷۴	۲,۱	۱,۳۶۸	۱,۸
همدان	۳,۳۴۴	۷,۸	۴,۰۹۱	۵,۳
یزد	۲۴۱	۰,۶	۵۱۸	۰,۷
کل	۴۲,۶۲۵	۱۰۰,۰	۷۷,۵۵۳	۱۰۰,۰

منبع: نتایج سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

شکل ۳. مهمترین تبادلات مهاجرتی سمنان اولین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



شکل ۴. مهمترین تبادلات مهاجرتی البرز دومین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



شکل ۵. مهمترین تبادلات مهاجرتی یزد سومین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



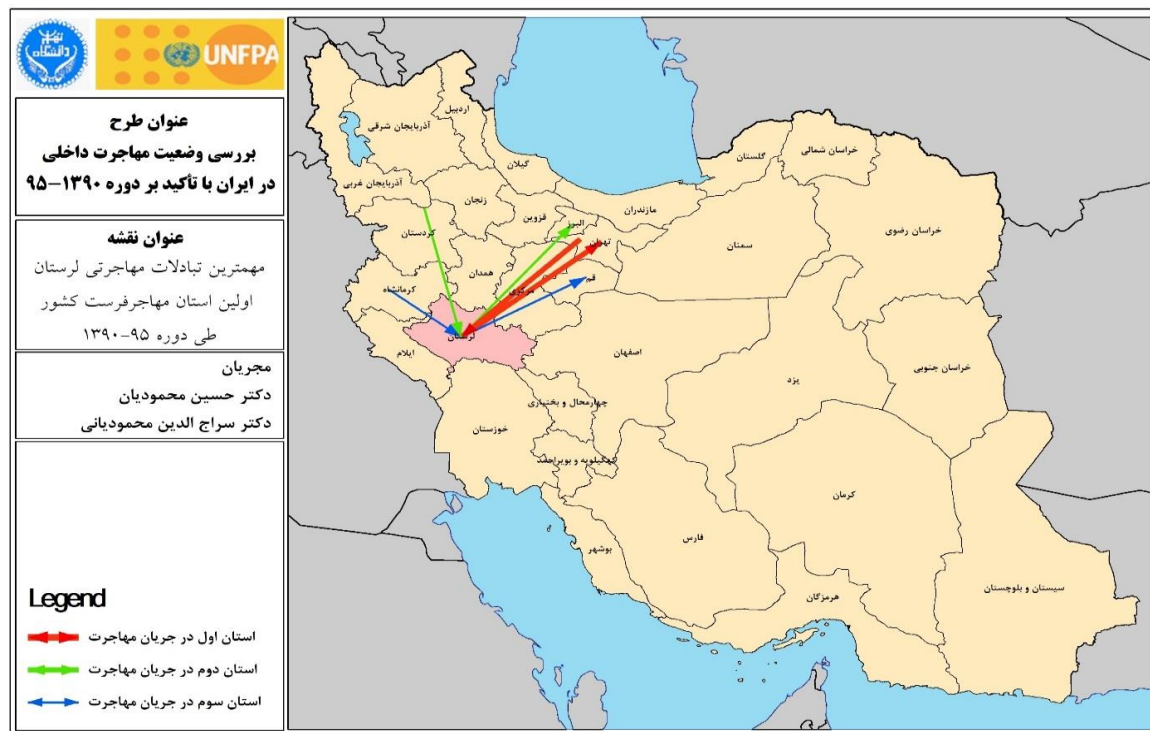
شکل ۶. مهمترین تبادلات مهاجرتی قم چهارمین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



شکل ۷. مهمترین تبادلات مهاجرتی تهران پنجمین استان مهاجرپذیر کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



شکل ۸. مهمترین تبادلات مهاجرتی لرستان اولین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



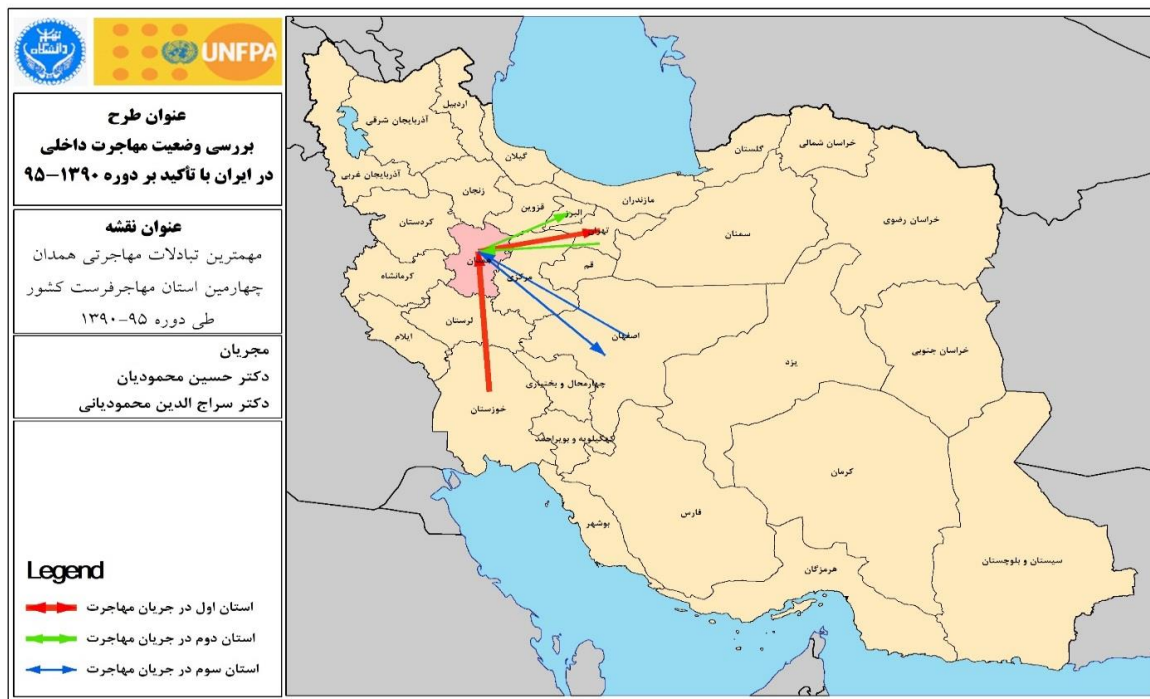
شکل ۹. مهمترین تبادلات مهاجرتی چهارمحال و بختیاری دومین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



شکل ۱۰. مهمترین تبادلات مهاجرتی ایلام سومین استان مهاجرفرست کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



شکل ۱۱. مهمترین تبادلات مهاجرتی همدان چهارمین استان مهاجرفرست کشور، ۱۳۹۵-۱۳۹۰



شکل ۱۲. مهمترین تبادلات مهاجرتی کرمانشاه پنجمین استان مهاجرفرست کشور، ۱۳۹۵-۱۳۹۰



در مجموع می‌توان گفت که استان تهران مقصد مهاجرتی غالب مهاجران خارج‌شده از استان‌های مهاجرفرست است طوری که مقصد اول مهاجران خارج‌شده از استان‌های لرستان، ایلام، همدان و کرمانشاه، استان تهران می‌باشد. اگر به شکل منطقه‌ای به جریان‌های مهاجرتی نگاه شود شاید بتوان گفت که جریان‌های مهاجرتی غرب کشور بطور عمده به سمت پایتخت کشور می‌باشد. بی‌تردید تمرکزگرایی در پایتخت و وجود مسائلی همچون بیکاری در استان‌های فوق‌الذکر در شکل‌گیری این جریان مهاجرتی موثر بوده‌اند. می‌توان گفت که تهران در جبران مهاجرت‌های داخلی در ایران نقش فرامنطقه‌ای بازی می‌کند بدین معنا که تهران صرفاً مقصد مهاجرتی مطلوب منطقه‌ای خاص از کشور نیست بلکه برای تمامی مناطق کشور مهمترین مقصد مهاجرتی قلمداد می‌شود. نکته قابل تأمل دیگر در جریان‌های مهاجرت‌ها مسافت جغرافیایی مناطق مبدأ و مقصد مهاجرت است بدین معنا که بخش عمده‌ای از مهاجرت‌های داخلی، به استثنا مهاجرت‌ها به استان تهران، به استان‌های مجاور محل سکونت قبلی صورت گرفته است. شاید بتوان گفت استان تهران و موقعیت خاص آن که در جذب مهاجران از استان‌های مناطق مختلف کشور در صدر قرار گرفته است. در سایر موارد مهاجران ترجیح می‌دهند که به استان‌های مجاور محل سکونت خود مهاجرت نمایند. این موضوع یادآور یکی از قوانین مهاجرتی روانشتاین که به فاصله اشاره دارد، است که عمده مهاجرت‌ها در ابتدا در فواصل کوتاه صورت می‌گیرد.

مدت اقامت مهاجران در مقصد مهاجرتی

اطلاعات جدول ۱۵ نشان می‌دهد که در جریان‌های مهاجرت داخلی در کشور در دوره اخیر به ترتیب ۲۸,۳ درصد از مهاجران کمتر از یکسال، ۱۹,۵ درصد مهاجران دو سال، ۱۷,۵ درصد مهاجران سه سال و در مقابل تنها ۵,۵ درصد آنها پنج سال در مقصد مهاجرت اقامت داشته‌اند.

جدول ۱۵. مدت اقامت مهاجران واردشده در کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

مدت اقامت	تعداد مهاجران	درصد
کمتر از یکسال	۱,۲۱۶,۵۰۰	۲۸,۳
۱ سال	۷۲۲,۹۵۰	۱۶,۸
۲ سال	۸۳۷,۵۶۳	۱۹,۵
۳ سال	۷۵۴,۰۹۶	۱۷,۵
۴ سال	۵۰۹,۸۱۲	۱۱,۹
۵ سال	۲۳۵,۳۴۰	۵,۵
اظهار نشده	۲۴,۷۲۷	۰,۶
کل	۴,۳۰۰,۹۸۸	۱۰۰,۰

بنابراین می‌توان گفت بیشترین نسبت مهاجران در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ افرادی هستند که به تازگی دست به مهاجرت زده‌اند و کمتر از یکسال از مهاجرت آنها می‌گذرد یعنی می‌توان گفت در سال ۱۳۹۵ مهاجرت کرده‌اند.

مهاجران واردشده برحسب محل اقامت قبلی (شهری/روستایی)

همانطوری که یافته‌های جدول ۱۹ نشان می‌دهد حدود ۳۰ درصد مهاجران درون استانی و ۸ درصد مهاجران بین استانی از روستا دست به مهاجرت زده‌اند یعنی مبدأ مهاجرت آنها روستا بوده است. بنابراین می‌توان گفت روستاییان عمدتاً درون استان خود جابجا می‌شوند و به ندرت از استان خود خارج و به سایر استان‌ها مهاجرت می‌نمایند. در مجموع حدود ۲۰ درصد مهاجران جابجا شده درون مرزهای کشور در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ خاستگاه روستایی دارند. این درصد تقریباً با سهم جمعیت روستایی در جمعیت کل کشور تطابق دارد. به عبارت دیگر احتمال مهاجرت جمعیت‌های روستایی و شهری تقریباً یکسان است، هرچند مسافت طی شده برای مهاجران روستایی کمتر از مهاجران شهری است. لازم به توضیح است که مقادیر اظهار نشده استان و شهرستان و نیز مهاجران خارج از کشور از محاسبات کنار گذاشته شده است.

جدول ۱۶. مهاجران جابجا شده در کشور برحسب محل اقامت قبلی (روستا/شهری)، ۱۳۹۵

نوع مهاجرت	محل اقامت قبلی	تعداد مهاجران	درصد
درون استانی	روستا	۶۴۳,۱۷۳	۳۰,۵
	شهر	۱,۴۶۵,۲۵۷	۶۹,۵
بین استانی	روستا	۱۷۴,۷۱۸	۸,۵
	شهر	۱,۸۸۸,۲۳۶	۹۱,۵
کل	روستا	۸۱۷,۸۹۱	۱۹,۶
	شهر	۳,۳۵۳,۴۹۳	۸۰,۴

منبع: سرشماری ۱۳۹۵

نسبت مهاجرت

به منظور نشان دادن سهم مهاجرت نسبت به سهم موالید و مرگومیر (عوامل طبیعی) در تغییرات تعداد جمعیت استان‌ها، از شاخص نسبت مهاجرت استفاده می‌شود. عبارتی نسبت مهاجرت عبارت است از نسبت تعداد خالص مهاجران یک منطقه طی دوره زمانی معین به حاصل تفریق تعداد مرگ و میرها از تعداد تولدهای آن منطقه طی همان دوره زمانی. این شاخص سهم مهاجرت را نسبت به افزایش طبیعی جمعیت (موالید و مرگ‌ها) در تغییرات حجم جمعیت نشان می‌دهد.

تعداد خالص مهاجران

$$\text{نسبت مهاجرت} = \frac{\text{تعداد مرگ‌ها} - \text{تعداد موالید}}{\text{تعداد خالص مهاجران}} \times 1000$$

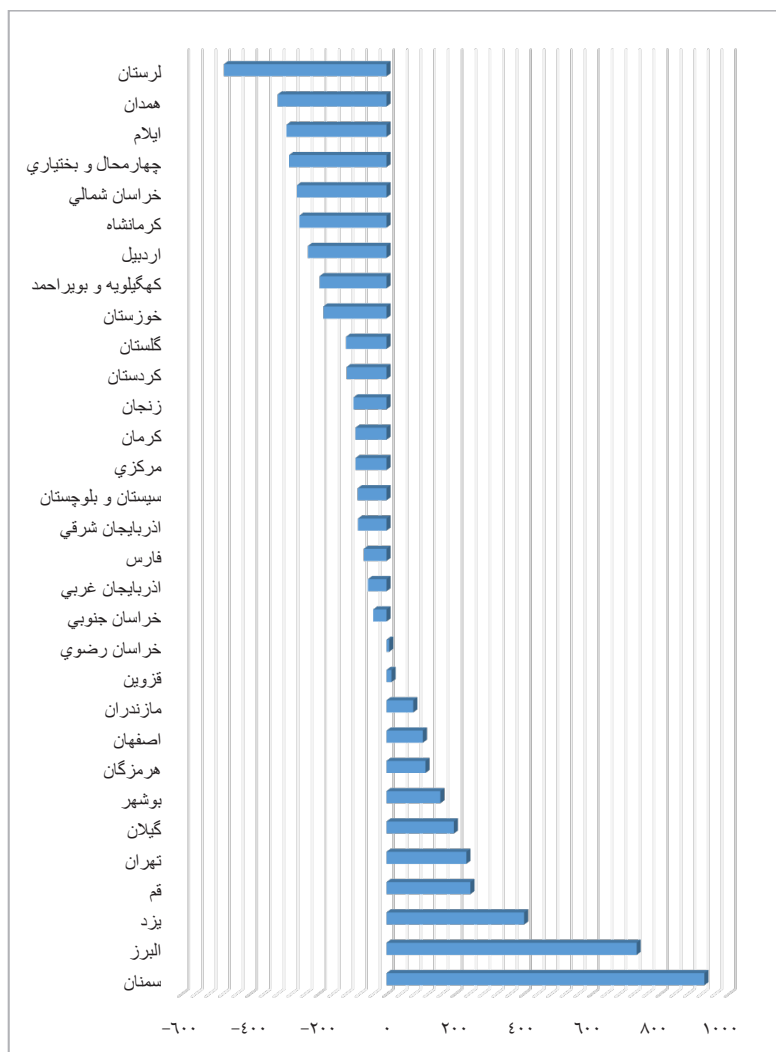
با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲۰ و شکل ۱۳ ملاحظه می‌شود که مهاجرت در دوره مورد بررسی به‌ترتیب در استان‌های سمنان، البرز، یزد، تهران و قم بیشترین اثر مثبت را در تغییرات حجم جمعیتی آن استان‌ها داشته است. در مقابل مهاجرت در دوره ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ به‌ترتیب در استان‌های لرستان، کرمانشاه، همدان، ایلام، چهارمحال و بختیاری و خراسان شمالی بیشترین تأثیر منفی یا کاهنده را در تغییرات حجم جمعیتی استان نسبت به تأثیر توامان باروری و مرگومیر اعمال کرده است. همچنین لازم به ذکر است که سهم مهاجرت در تغییرات جمعیتی استان‌های قزوین و خراسان رضوی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار داشته است.

جدول ۱۷. موالید، مرگ‌ها و نسبت مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰

استان	مهاجران خارج شده	مهاجران وارد شده	تعداد خالص مهاجرت	تعداد موالید	تعداد مرگ	نسبت مهاجرت
آذربایجان شرقی	۶۷,۹۶۸	۴۸,۹۰۸	-۱۹,۰۶۰	۳۵۲,۱۳۴	۱۲۳,۷۱۱	-۸۳
آذربایجان غربی	۴۸,۳۰۹	۳۴,۸۰۹	-۱۳,۵۰۰	۳۳۴,۸۰۰	۸۵,۴۵۳	-۵۴
اردبیل	۴۴,۶۲۵	۲۴,۳۸۴	-۲۰,۲۴۱	۱۲۵,۶۵۵	۳۷,۵۶۳	-۲۳۰
اصفهان	۱۰۳,۱۴۰	۱۲۷,۹۰۳	۲۴,۷۶۳	۳۶۵,۴۱۱	۱۳۲,۷۲۸	۱۰۶
البرز	۱۰۳,۴۳۷	۲۰۷,۶۶۹	۱۰۴,۲۳۲	۱۹۰,۸۹۸	۴۸,۴۸۳	۷۳۲
ایلام	۲۳,۰۶۶	۱۱,۷۹۵	-۱۱,۲۷۱	۵۳,۲۶۷	۱۴,۷۶۱	-۲۹۳
بوشهر	۳۰,۸۸۵	۴۳,۷۰۵	۱۲,۸۲۰	۱۰۵,۳۲۱	۲۴,۰۰۶	۱۵۸
تهران	۳۵۰,۶۳۲	۵۱۶,۹۲۲	۱۶۶,۲۹۰	۹۵۵,۴۹۱	۲۴۳,۶۳۲	۲۳۴
چهارمحال و بختیاری	۳۸,۸۴۴	۱۷,۵۷۷	-۲۱,۲۶۷	۱۰۴,۰۲۰	۲۹,۳۶۱	-۲۸۵
خراسان جنوبی	۳۱,۲۶۰	۲۸,۷۸۷	-۲,۴۷۳	۸۵,۷۴۴	۲۲,۲۵۴	-۳۹
خراسان رضوی	۱۰۷,۷۸۶	۱۱۲,۰۲۷	۴,۲۴۱	۷۱۵,۴۷۷	۱۷۵,۵۸۵	۸
خراسان شمالی	۳۷,۰۱۱	۲۱,۵۴۸	-۱۵,۴۶۳	۹۱,۳۴۸	۳۲,۳۷۴	-۲۶۲
خوزستان	۱۳۵,۴۹۱	۵۳,۶۳۲	-۸۱,۸۵۹	۵۵۳,۷۷۵	۱۱۰,۷۱۳	-۱۸۵
زنجان	۳۰,۴۹۳	۲۳,۹۶۰	-۶,۵۳۳	۱۰۱,۷۹۰	۳۴,۱۹۱	-۹۷
سمنان	۲۲,۶۲۲	۵۳,۲۶۸	۳۰,۶۴۶	۵۰,۹۹۵	۱۸,۰۳۴	۹۳۰
سیستان و بلوچستان	۵۹,۶۲۷	۲۷,۳۰۱	-۳۲,۳۲۶	۴۷۹,۱۲۶	۹۶,۵۰۶	-۸۴
فارس	۹۲,۹۳۴	۷۲,۷۴۵	-۲۰,۱۸۹	۴۲۷,۴۸۰	۱۲۴,۷۸۱	-۶۷
قزوین	۳۴,۹۱۸	۳۶,۰۱۰	۱,۰۹۲	۱۰۹,۳۲۰	۳۵,۰۰۶	۱۵
قم	۴۱,۶۰۸	۶۳,۸۶۱	۲۲,۲۵۳	۱۲۱,۰۶۶	۳۰,۳۵۳	۲۴۵
کردستان	۴۹,۶۱۸	۳۷,۷۸۹	-۱۱,۸۲۹	۱۴۸,۷۸۴	۴۷,۵۵۰	-۱۱۷
کرمان	۴۸,۲۱۷	۲۶,۴۷۷	-۲۱,۷۴۰	۳۰۵,۵۴۳	۶۶,۶۲۳	-۹۱
کرمانشاه	۷۷,۵۵۳	۴۲,۶۲۵	-۳۴,۹۲۸	۲۰۵,۱۳۹	۶۸,۱۳۹	-۲۵۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲۶,۱۲۳	۱۳,۹۳۰	-۱۲,۱۹۳	۷,۹۷۱۸	۱۷,۴۶۶	-۱۹۶
گلستان	۵۱,۸۴۸	۳۳,۶۹۹	-۱۸,۱۴۹	۲۰۹,۲۰۷	۵۵,۸۵۰	-۱۱۸
گیلان	۶۱,۵۵۵	۷۴,۸۹۱	۱۳,۳۳۶	۱۵۹,۶۶۴	۹۱۹,۶۵	۱۹۷
لرستان	۹۱,۴۷۲	۲۷,۳۵۰	-۶۴,۱۲۲	۱۸۹,۲۶۳	۵۴,۴۷۴	-۴۷۶
مازندران	۵۹,۰۶۳	۶۹,۷۱۴	۱۰,۶۵۱	۲۲۶,۱۲۷	۸۹,۹۷۸	۷۸
مرکزی	۵۰,۱۲۶	۴۴,۵۷۰	-۵,۵۵۶	۱۱۰,۹۴۷	۴۹,۶۳۱	-۹۱
هرمزگان	۴۷,۵۵۲	۶۵,۵۹۹	۱۸,۰۴۷	۱۹۶,۲۲۳	۳۷,۸۷۳	۱۱۴
همدان	۷۱,۶۳۶	۳۹,۲۱۸	-۳۲,۴۱۸	۱۶۴,۴۷۲	۶۲,۶۹۴	-۳۱۹
یزد	۲۳,۵۳۵	۶۰,۲۸۱	۳۶,۷۴۶	۱۲۰,۰۴۸	۲۸,۷۷۷	۴۰۳

منبع: سرشماری ۱۳۹۵؛ سازمان ثبت احوال کشور

شکل ۱۳. نسبت مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



مهاجرت و رشد جمعیت

رشد مطلق جمعیت استان‌های کشور در حالت کلی متأثر از موالید، مرگ‌ها و مهاجرت‌ها خواهد بود. با صرف‌نظر از عواملی همانند تبدیل نقاط روستایی به شهری، ادغام نقاط روستایی، ثبت غیردقیق تعداد موالید و فوت یک منطقه می‌توان اختلاف رشد واقعی و طبیعی جمعیت را اثر مهاجرت بر رشد جمعیت آن منطقه دانست. همانطوری که اطلاعات جدول ۲۱ و شکل ۱۴ نشان می‌دهند مهاجرت به استان‌های البرز و سمنان باعث شده است که به ترتیب ۱,۲۶ و ۱,۱۷ درصد به رشد طبیعی جمعیت استان‌های مذکور اضافه شود. در مقابل مهاجرت در میزان رشد جمعیت استان‌هایی مانند خراسان شمالی، لرستان، همدان و کرمانشاه اثری کاهنده داشته است طوری که حدود ۱,۵ درصد از رشد طبیعی جمعیت استان‌های خراسان شمالی و لرستان به دلیل مهاجرت نمودن جمعیت از این استان‌ها کاهش یافته است. این موضوع از اهمیت جریان‌های مهاجرتی بین استانی در کشور حکایت دارد.

میزان کل مهاجرت استانی

به منظور نشان دادن تأثیرگذاری کل جریان مهاجرت در تغییرات جمعیتی استان‌ها می‌توان از شاخص میزان کل مهاجرت استفاده نمود. میزان کل مهاجرت ترافیک و رفت‌وآمد جمعیت را نشان می‌دهد. اینکه پر رفت و آمدترین و کم رفت و آمدترین استان‌ها کدام هستند را می‌توان از طریق میزان کل مهاجرت بدست آورد. میزان کل مهاجرت از نسبت مجموع تعداد کل مهاجران واردشده

و خارج شده از یک منطقه در یک دوره زمانی به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه آن دوره زمانی قابل محاسبه است. با توجه به اطلاعات جدول ۲۲ و شکل ۱۵ مشاهده می شود که جمعیت استان های البرز و سمنان بیشترین تأثیرپذیری از جریان مهاجرت های بین استانی از نظر رفت و آمد را تجربه نموده اند و در مقابل این تأثیرپذیری برای استان های کرمان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی در کمترین حد بوده است.

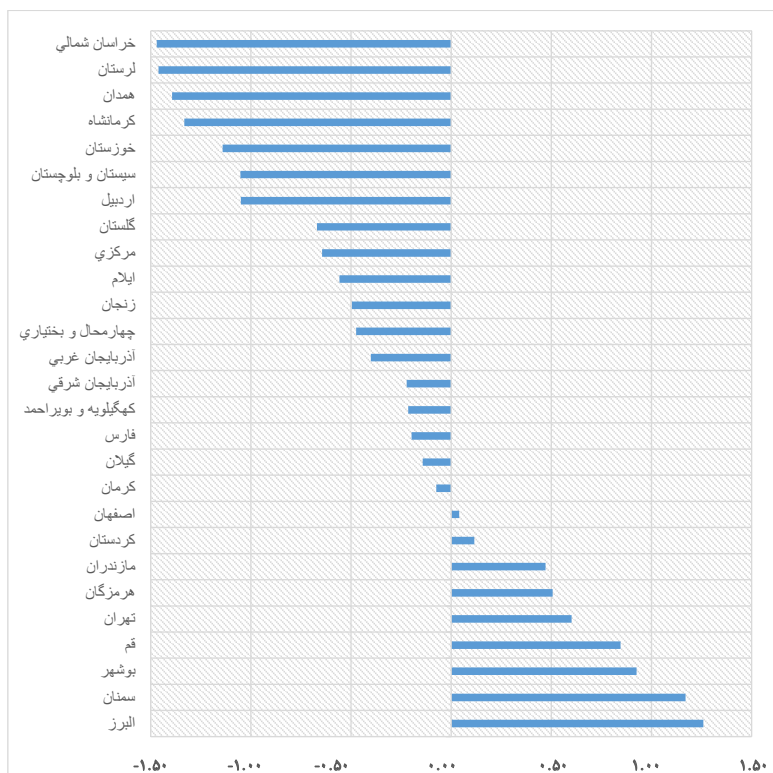
جدول ۱۸. درصد تأثیر مهاجرت بر میزان رشد جمعیت استان ها طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰^{۳۹}

استان	رشد طبیعی	رشد مطلق	درصد تأثیر
آذربایجان شرقی	۱,۲۰	۰,۹۷	-۰,۲۳
آذربایجان غربی	۱,۵۷	۱,۱۷	-۰,۴۰
اردبیل	۱,۴۰	۰,۳۵	-۱,۰۵
اصفهان	۰,۹۳	۰,۹۷	۰,۰۴
البرز	۱,۱۱	۲,۳۷	۱,۲۶
ایلام	۱,۳۵	۰,۸۰	-۰,۵۵
بوشهر	۱,۴۸	۲,۴۱	۰,۹۳
تهران	۱,۱۲	۱,۷۲	۰,۶۰
چهارمحال و بختیاری	۱,۶۲	۱,۱۵	-۰,۴۷
خراسان شمالی	۱,۳۶	-۰,۱۱	-۱,۴۷
خوزستان	۱,۹۲	۰,۷۸	-۱,۱۴
زنجان	۱,۳۰	۰,۸۱	-۰,۴۹
سمنان	۰,۹۹	۲,۱۶	۱,۱۷
سیستان و بلوچستان	۲,۸۸	۱,۸۳	-۱,۰۵
فارس	۱,۲۸	۱,۰۸	-۰,۲۰
قم	۱,۴۸	۲,۳۳	۰,۸۵
کردستان	۱,۳۱	۱,۴۲	۰,۱۱
کرمان	۱,۵۷	۱,۴۹	-۰,۰۸
کرمانشاه	۱,۴۱	۰,۰۷	-۱,۳۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱,۸۲	۱,۶۰	-۰,۲۲
گلستان	۱,۶۸	۱,۰۱	-۰,۶۷
گیلان	۰,۵۴	۰,۴۰	-۰,۱۴
لرستان	۱,۵۳	۰,۰۷	-۱,۴۶
مازندران	۰,۸۶	۱,۳۳	۰,۴۷
مرکزی	۰,۸۶	۰,۲۲	-۰,۶۴
هرمزگان	۱,۸۹	۲,۳۹	۰,۵۰
همدان	۱,۱۶	-۰,۲۳	-۱,۳۹

منبع: سرشماری ۱۳۹۵

^{۳۹} با بررسی نسبت های مهاجرت و مقایسه آن با اثر مهاجرت بر رشد جمعیت نتیجه گرفته شد که اثر مهاجرت بر رشد جمعیت چهار استان یزد، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و قزوین بدلیل اشکلات در داده ها منطقی نبوده و به همین دلیل از تحلیل کنار گذاشته شدند.

شکل ۱۴. اثر مهاجرت بر میزان رشد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۰-۱۳۹۵

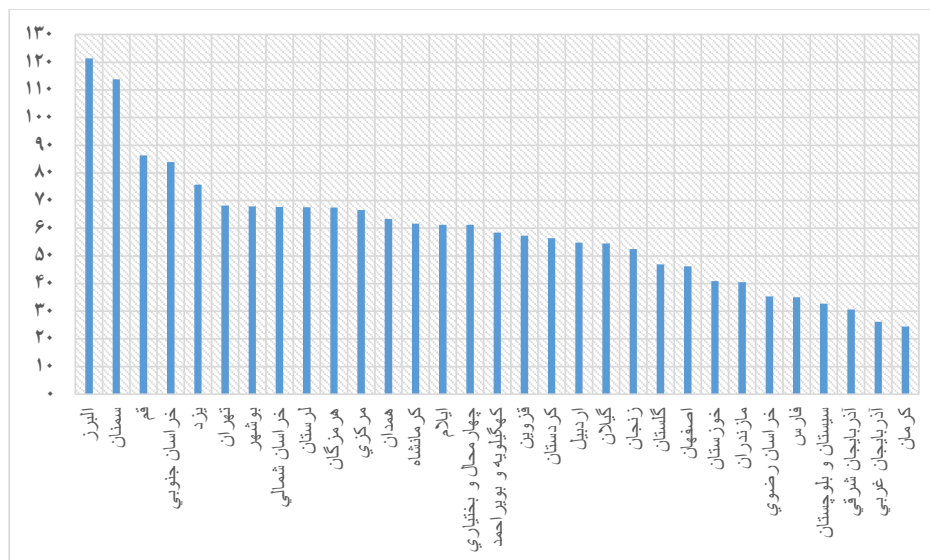


جدول ۱۹. میزان کل مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵

استان	میزان کل مهاجرت	استان	میزان کل مهاجرت
آذربایجان شرقی	۳۱	فارس	۳۵
آذربایجان غربی	۲۶	قزوین	۵۷
اردبیل	۵۵	قم	۸۶
اصفهان	۴۶	کردستان	۵۶
البرز	۱۲۱	کرمان	۲۴
ایلام	۶۱	کرمانشاه	۶۲
بوشهر	۶۸	کهگیلویه و بویراحمد	۵۸
تهران	۶۸	گلستان	۴۷
چهارمحال و بختیاری	۶۱	گیلان	۵۴
خراسان جنوبی	۸۴	لرستان	۶۸
خراسان رضوی	۳۵	مازندران	۴۱
خراسان شمالی	۶۸	مرکزی	۶۷
خوزستان	۴۱	هرمزگان	۶۷
زنجان	۵۳	همدان	۶۳
سمنان	۱۱۴	یزد	۷۶
سیستان و بلوچستان	۳۳		

منبع: سرشماری ۱۳۹۵

شکل ۱۵. میزان کل مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



وضعیت مهاجران داخلی بر حسب سن

در جدول ۱۸ مهاجران جابجا شده در کل کشور (درون استانی و بین استانی) در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بر حسب گروه‌های سنی گزارش شده است. همانطوری که از مندرجات جدول برمی‌آید به‌ترتیب گروه‌های سنی ۲۹-۲۵، ۲۰-۲۴ و ۳۰-۳۴ ساله بالاترین سهم را در جریان‌های مهاجرتی کشور دارند. این موضوع که عمده مهاجران در رده سنی ۲۰ تا ۳۴ سال قرار دارند به غلبه الگوی سنی جوان در جریان مهاجرت‌های داخلی کشور اشاره دارد.

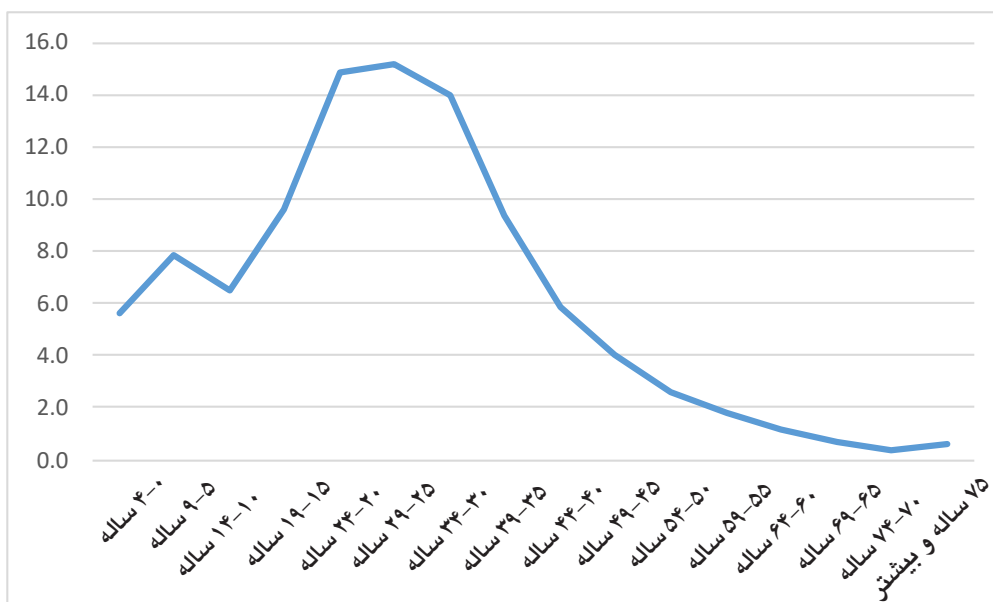
جدول ۲۰. جمعیت مهاجران کشور به تفکیک گروه‌های سنی، ۱۳۹۵

گروه سنی	تعداد	درصد
۴۰- ساله	۲۴۱,۲۲۱	۵,۶
۵-۹ ساله	۳۳۷,۶۷۷	۷,۹
۱۰-۱۴ ساله	۳۷۸,۲۸۷	۶,۵
۱۵-۱۹ ساله	۴۱۳,۳۵۵	۹,۶
۲۰-۲۴ ساله	۶۳۹,۸۲۵	۱۴,۹
۲۵-۲۹ ساله	۶۵۳,۵۲۰	۱۵,۲
۳۰-۳۴ ساله	۵۹۹,۶۸۶	۱۳,۹
۳۵-۳۹ ساله	۴۰۴,۳۸۰	۹,۴
۴۰-۴۴ ساله	۲۵۲,۳۷۷	۵,۹
۴۵-۴۹ ساله	۱۷۲,۱۲۴	۴
۵۰-۵۴ ساله	۱۱۱,۰۸۸	۲,۶
۵۵-۵۹ ساله	۷۶,۰۳۲	۱,۸
۶۰-۶۴ ساله	۴۹,۴۰۸	۱,۱
۶۵-۶۹ ساله	۲۸,۱۸۳	۰,۷
۷۰-۷۴ ساله	۱۷,۰۵۱	۰,۴
۷۵ ساله و بیشتر	۲۶,۷۷۴	۰,۶
جمع	۴۳۰,۰۹۸۸	۱۰۰

منبع: سرشماری ۱۳۹۵

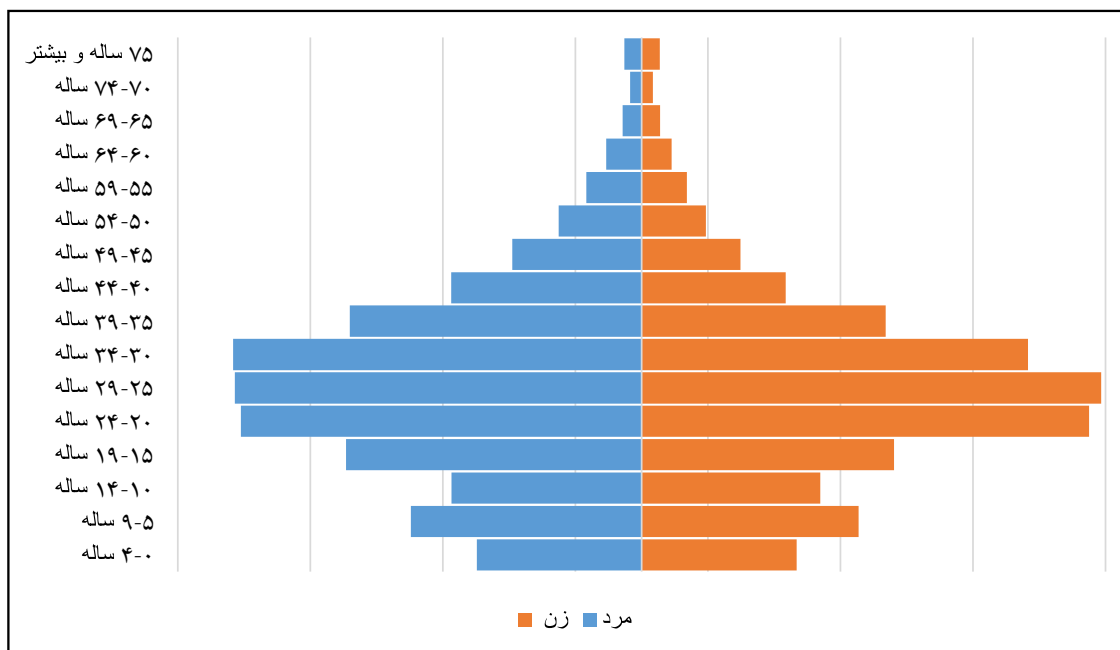
برای آن که بتوان تصویری بهتر از الگوی سنی مهاجران در ایران در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نشان داد این الگو در شکل ۱۶ نیز ترسیم شده است. همانطوری که شکل مذکور به روشنی نشان می‌دهد از گروه سنی ۱۴-۱۰ سال روند صعودی مهاجرت آغاز و در سنین ۳۴ سالگی به بعد با کاهش چشمگیری مواجه می‌شود. این امر بر جوان بودن مهاجران داخلی در ایران دلالت دارد.

شکل ۱۶. الگوی سنی مهاجران داخلی ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵

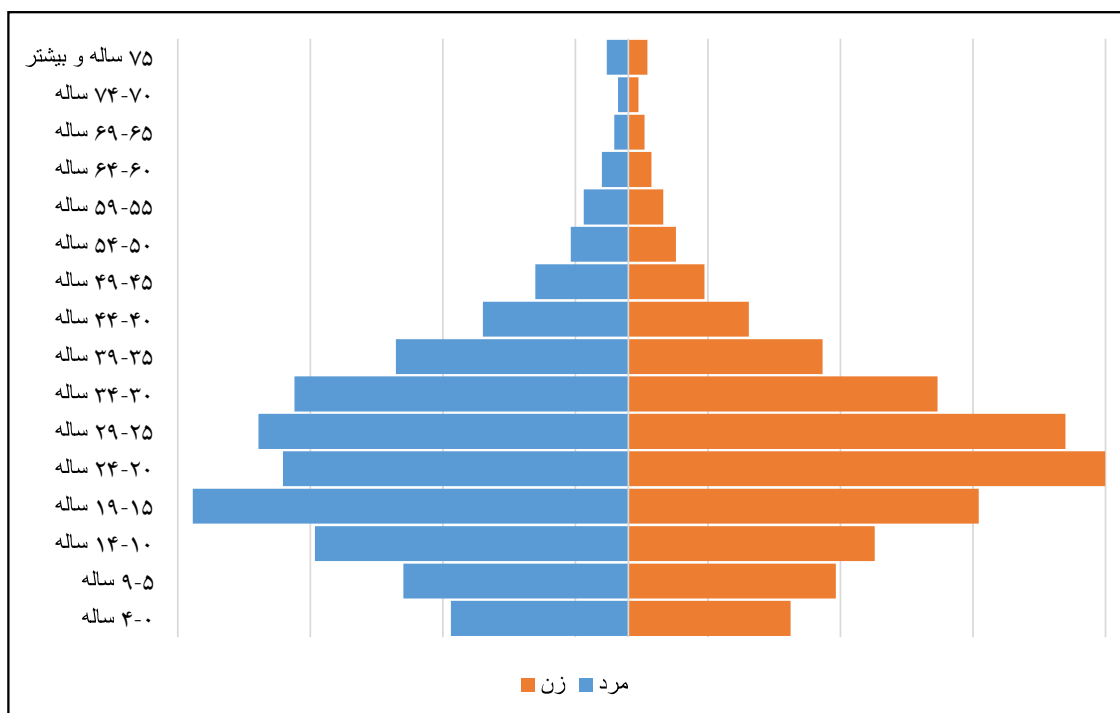


در شکل‌های ۱۷ تا ۲۱ هرم سنی کل مهاجران و مهاجران بر حسب نوع مهاجرت گزارش شده است. شکل ۱۷ مؤید جوان بودن مهاجران در جریان‌های مهاجرتی در ایران است. هرم سنی مهاجران روستا به روستا نشان می‌دهد که عمده مهاجران مرد در این نوع مهاجرت در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله و عمده زنان در گروه سنی ۲۹-۲۰ قرار دارند. مهاجرت برای تحصیل و ازدواج می‌تواند علل چنین تفاوتی باشند. در مهاجرت‌های شهر به روستا توازن جمعیتی به غلبه مردان گرایش دارد یعنی حضور مردان در این مهاجرت بیشتر است. بیشترین درصد مهاجران برای گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله می‌باشد. مهاجرت مردان ناشی از اتمام دوران سربازی می‌تواند یکی از عللی چنین تفاوتی باشد. در مهاجرت شهر به شهر حضور زنان در گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله بیشتر از مردان است. چنین وضعیتی برای مهاجرت روستا به شهر نیز صادق است. ادامه تحصیل و بعضاً جستجوی کار می‌تواند تا حد زیادی غلبه زنان در این مهاجرت‌ها را توجیه کند (محمودیان و قاسمی اردهایی ۱۳۹۲).

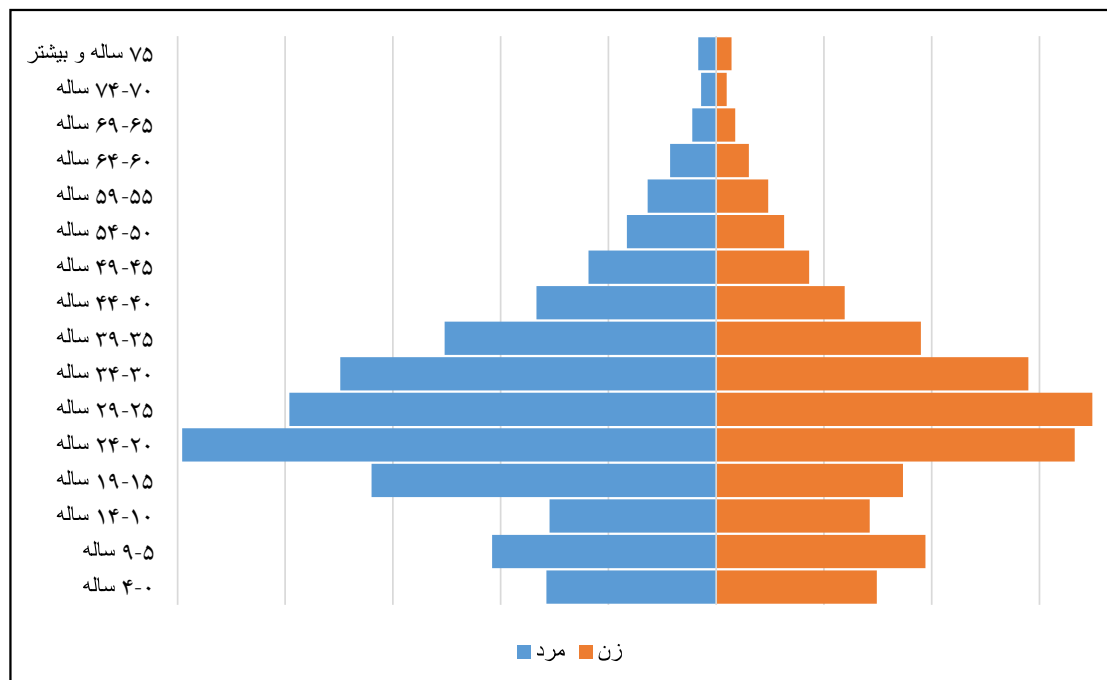
شکل ۱۷. هرم سنی کل مهاجران داخلی طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



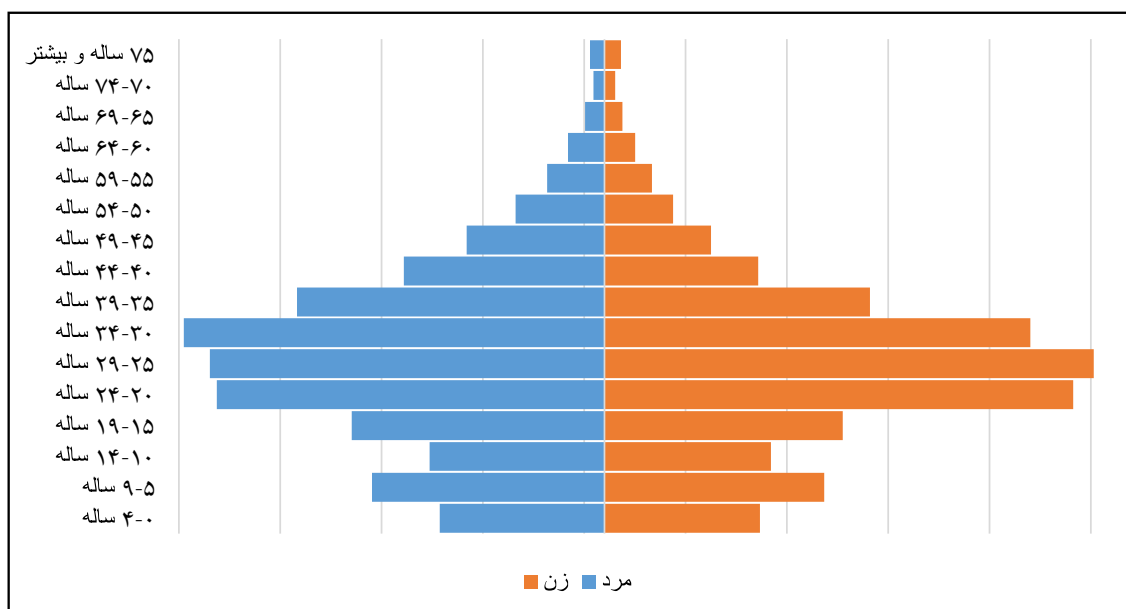
شکل ۱۸. هرم سنی مهاجران روستا به روستا طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



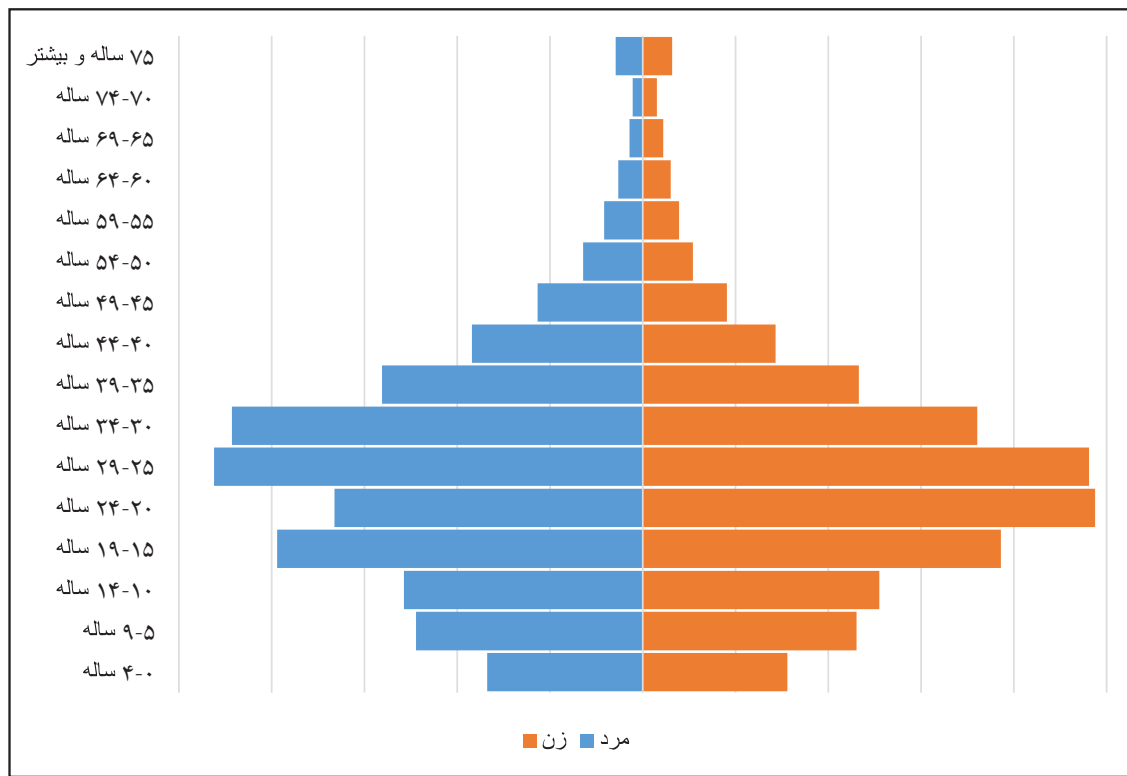
شکل ۱۹. هرم سنی مهاجران شهر به روستا طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



شکل ۲۰. هرم سنی مهاجران شهر به شهر طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



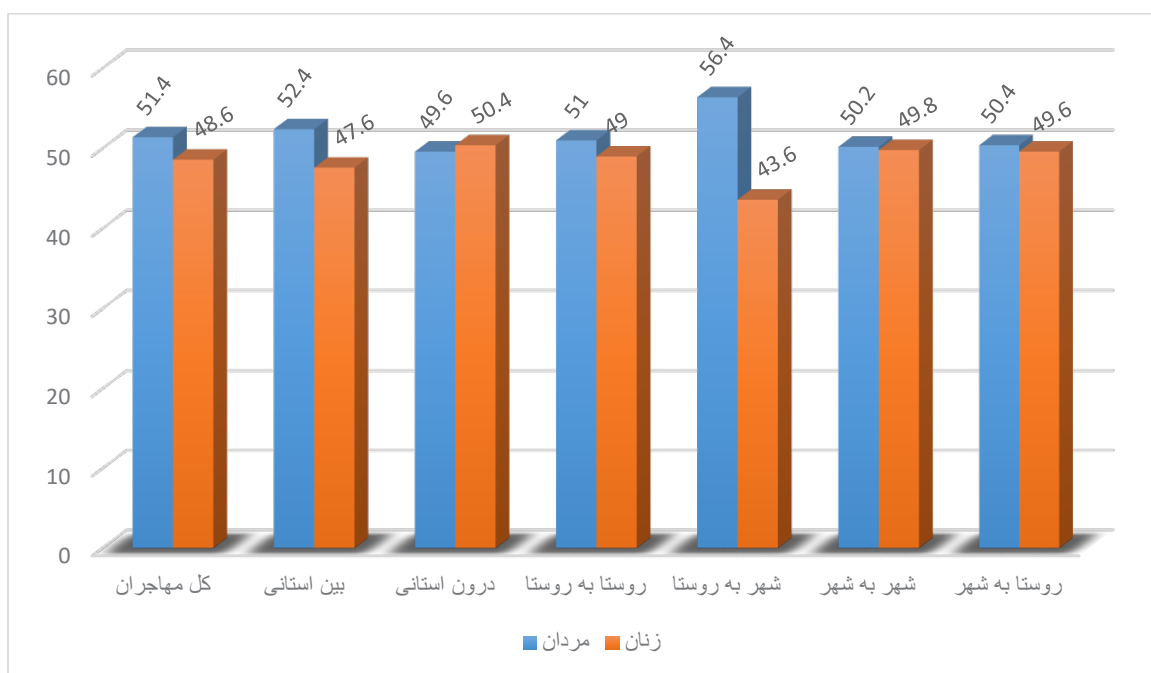
شکل ۲۱. هرم سنی مهاجران روستا به شهر طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



وضعیت مهاجران داخلی بر حسب جنس

نتایج سرشماری اخیر نشان می‌دهد که از کل مهاجران جابجا شده در کشور در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به‌ترتیب سهم مردان و زنان برابر با ۵۱,۴ و ۴۸,۶ درصد بوده است. سهم مردان و زنان در مهاجرت‌های بین استانی برابر با ۵۲,۴ و ۴۷,۶ و در مهاجرت‌های درون استانی برابر با ۴۹,۶ و ۵۰,۴ درصد بدست آمد. در مهاجرت‌های روستا به روستا نسبت حضور مردان و زنان برابر با ۵۱ و ۴۹ درصد محاسبه شد. در نوع مهاجرت‌های شهر به روستا نیز وزن حضور مردان و زنان برابر با ۵۶,۴ و ۴۳,۶ درصد بوده است. در مهاجرت‌های شهر به شهر نیز سهم هر یک از دو جنس به‌ترتیب ۵۰,۲ درصد برای مردان و ۴۹,۸ درصد برای زنان ثبت شده است و سرانجام در مهاجرت‌های روستا به شهر نیز سهم مردان و زنان به‌ترتیب برابر با ۵۰,۴ و ۴۹,۶ درصد محاسبه گردید. همانطوری که شکل ۲۲ به‌روشنی نشان می‌دهد حضور مردان و زنان در انواع جریان‌های مهاجرتی نسبتاً برابر می‌باشد با این وجود حضور زنان در مهاجرت‌های شهر به روستا در مقایسه با مردان در سطح پایین‌تری نسبت به سایر انواع مهاجرت‌ها می‌باشد. بعلاوه یافته‌ها نشان می‌دهد که در مجموع حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی درون استانی بیشتر از مردان می‌باشد و در مقابل مردان در مهاجرت‌های بین استانی حضور پر رنگ‌تری دارند.

شکل ۲۲. درصد مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت و جنس طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵



با توجه به جدول ۱۶ می‌توان گفت که خالص مهاجرت برای زنان و مردان در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل نسبتاً برابر است. در استان‌های تهران و البرز خالص مهاجرت برای زنان و مردان مثبت است اما این ارقام برای زنان بزرگتر از مردان بدست آمده است یعنی تهران مقصد مهاجرتی مطلوبی برای زنان به‌شمار می‌آید.

به شکلی معکوس خالص مهاجرت برای مردان و زنان در استان‌های مانند ایلام، کردستان و کرمانشاه منفی می‌باشد و زنان تمایل بیشتری به مهاجرت از این استان‌ها نشان داده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت این استان‌ها ظرفیت و جذابیتی برای ادامه سکونت ساکنان خود و خصوصاً زنان دارا نیستند. نکته قابل طرح دیگر وضعیت استان خراسان جنوبی است که دارای خالص مهاجرت مثبت برای مردان و خالص مهاجرت منفی برای زنان است. این موضوع به این اشاره دارد که این استان در دوره ۵ ساله اخیر بخشی از جمعیت زن خود را از دست داده است و در مقابل بر تعداد جمعیت مردان این استان اضافه شده است که می‌تواند ترکیب جنسی استان را متأثر سازد. نقطه مقابل وضعیت استان خراسان جنوبی به استان خراسان رضوی اختصاص دارد طوری که این استان دارای خالص مهاجرت منفی برای مردان و خالص مهاجرت مثبت برای زنان است یعنی در جریان مهاجرت‌های اخیر این استان بخشی از جمعیت مرد خود را بر اثر مهاجرت از دست داده است و در مقابل بر تعداد زنان این استان در نتیجه مهاجرت اضافه شده است.

نسبت جنسی کل جمعیت، کل مهاجران و مهاجران بین استانی در جدول ۱۷ و شکل ۲۳ نشان داده شده است. نسبت جنسی کل مهاجران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۰۵٫۷ بوده است. در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله و گروه سنی ۷۵ سال و بالاتر غلبه با زنان مهاجر است. در مقابل در فاصله سنی ۴۰ تا ۶۴ سال بیشترین شکاف بین زنان و مردان مهاجر با غلبه مردان دیده می‌شود. نسبت جنسی کل مهاجران بین استانی بیش از ۱۱۰ می‌باشد که نشان دهنده غلبه مردان در جریان مهاجرت‌های بین استانی است. همانطوری که ملاحظه می‌شود در تمامی گروه‌های سنی غیر از دو گروه سنی ۲۰-۲۹ و ۷۵ ساله و بالاتر غلبه با مردان مهاجر است. در فاصله سنی ۴۰ تا ۵۴ سال شکاف بین تعداد مردان و زنان مهاجر با غلبه مردان در بالاترین سطح ممکن می‌باشد. البته لازم به ذکر است که غلبه مردان مهاجر بر زنان در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله نیز قابل توجه می‌باشد.

جدول ۲۱. خالص مهاجران استان‌های کشور به تفکیک جنس، ۱۳۹۵-۱۳۹۰

استان	مرد			زن		
	خارج شده	وارد شده	خالص مهاجرت	خارج شده	وارد شده	خالص مهاجرت
آذربایجان شرقی	۳۶,۶۷۴	۲۵,۸۳۰	-۱۰,۸۴۴	۳۱,۲۹۴	۲۳,۰۷۸	-۸,۲۱۶
آذربایجان غربی	۲۷,۵۱۸	۲۰,۱۲۷	-۷,۳۹۱	۲۰,۷۹۱	۱۴,۶۸۲	-۶,۱۰۹
اردبیل	۲۳,۳۴۹	۱۴,۱۷۸	-۹,۱۷۱	۲۱,۲۷۶	۱۰,۲۰۶	-۱۱,۰۷۰
اصفهان	۵۲,۳۸۸	۶۵,۶۰۰	۱۳,۲۱۲	۵۰,۷۵۲	۶۲,۳۰۳	۱۱,۵۵۱
البرز	۵۱,۴۴۶	۱۰۲,۷۷۸	۵۱,۳۳۲	۵۱,۹۹۱	۱۰۴,۸۹۱	۵۲,۹۰۰
ایلام	۱۲,۰۱۳	۷,۰۱۷	-۴,۹۹۶	۱۱,۰۵۳	۴,۷۷۸	-۶,۲۷۵
بوشهر	۱۶,۳۲۶	۲۸,۴۵۲	۱۲,۱۲۶	۱۴,۵۵۹	۱۵,۲۵۳	۶۹۴
تهران	۱۸۱,۹۵۷	۲۶۱,۳۴۴	۷۹,۴۰۷	۱۶۸,۶۷۵	۲۵۵,۵۵۸	۸۶,۸۸۳
چهارمحال و بختیاری	۲۰,۵۴۷	۸,۷۱۱	-۱۱۸۳۶	۱۸,۲۹۷	۸,۸۶۶	-۹۴۳۱
خراسان جنوبی	۱۶,۲۵۵	۱۷,۹۴۷	۱,۶۹۲	۱۵,۰۰۵	۱۰,۸۴۰	-۴۱۶۵
خراسان رضوی	۵۸,۱۲۷	۵۷,۷۶۸	-۳۵۹	۴۹,۶۵۹	۵۴,۲۵۹	۴,۶۰۰
خراسان شمالی	۱۹,۱۹۸	۱۱,۲۵۲	-۷۹۴۶	۱۷,۸۱۳	۱۰,۲۹۶	-۷۵۱۷
خوزستان	۷۱,۶۳۳	۲۸,۷۹۲	-۴۲۸۴۱	۶۳,۸۵۸	۲۴,۸۴۰	-۳۹۰۱۸
زنجان	۱۵,۹۰۲	۱۲,۱۵۵	-۳۷۴۷	۱۴,۵۹۱	۱۱,۸۰۵	-۲۷۸۶
سمنان	۱۱,۸۰۳	۳۷,۸۱۵	۱۶,۰۱۲	۱۰,۸۱۹	۲۵,۴۵۳	۱۴,۶۳۴
سیستان و بلوچستان	۳۴,۲۱۹	۱۶,۹۲۸	-۱۷,۲۹۱	۲۵,۴۰۸	۱۰,۳۷۳	-۱۵,۰۳۵
فارس	۵۰,۱۴۵	۳۸,۸۳۸	-۱۱۳۰۷	۴۲,۷۸۹	۳۳,۹۰۷	-۸۸۸۲
قزوین	۱۷,۷۰۴	۱۸,۲۸۳	۵۷۹	۱۷,۲۱۴	۱۷,۷۲۷	۵۱۳
قم	۲۱,۱۳۴	۳۱,۲۰۶	۱۰,۰۷۲	۲۰,۴۷۴	۳۲,۶۵۵	۱۲,۱۸۱
کردستان	۲۷,۱۱۵	۳۱,۴۰۱	-۵,۷۱۴	۲۲,۵۰۳	۱۶,۳۸۸	-۶۱۱۵
کرمان	۲۴,۷۳۷	۱۵,۴۵۶	-۹,۲۸۱	۲۳,۴۸۰	۱۱,۰۲۱	-۱۲۴۵۹
کرمانشاه	۴۰,۰۸۹	۲۵,۳۴۷	-۱۴,۷۴۲	۳۷,۴۶۴	۱۷,۲۷۸	-۲۰,۱۸۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴,۴۵۲	۷,۰۵۲	-۷,۴۰۰	۱۱,۶۷۱	۶,۸۷۸	-۴۷۹۳
گلستان	۲۷,۲۵۳	۱۶,۷۶۶	-۱۰,۴۸۷	۲۴,۵۹۵	۱۶,۹۳۳	-۷۶۶۲
گیلان	۳۰,۰۴۰	۳۸,۶۱۸	۸,۵۷۸	۳۱,۵۱۵	۳۶,۲۷۳	۴,۷۵۸
لرستان	۴۸,۱۴۵	۱۳,۹۷۹	-۳۴۱۶۶	۴۳,۳۲۷	۱۳,۳۷۱	-۲۹۹۵۶
مازندران	۳۰,۲۷۱	۳۵,۳۰۲	۵,۰۳۱	۲۸,۷۹۲	۳۴,۴۱۲	۵,۶۲۰
مرکزی	۲۵,۱۵۹	۲۳,۶۶۴	-۱۴۹۵	۲۴,۹۶۷	۲۰,۹۰۶	-۴۰۶۱
هرمزگان	۲۶,۱۵۷	۳۶,۷۰۶	۱۰,۵۴۹	۲۱,۳۹۵	۲۸,۸۹۳	۷,۴۹۸
همدان	۳۷,۰۰۶	۱۹,۴۹۷	-۱۷۵۰۹	۳۴,۶۳۰	۱۹,۷۳۱	-۱۴۹۰۹
یزد	۱۲,۵۰۸	۳۲,۴۴۱	۱۹,۹۳۳	۱۱,۰۲۷	۲۷,۸۴۰	۱۶,۸۱۳

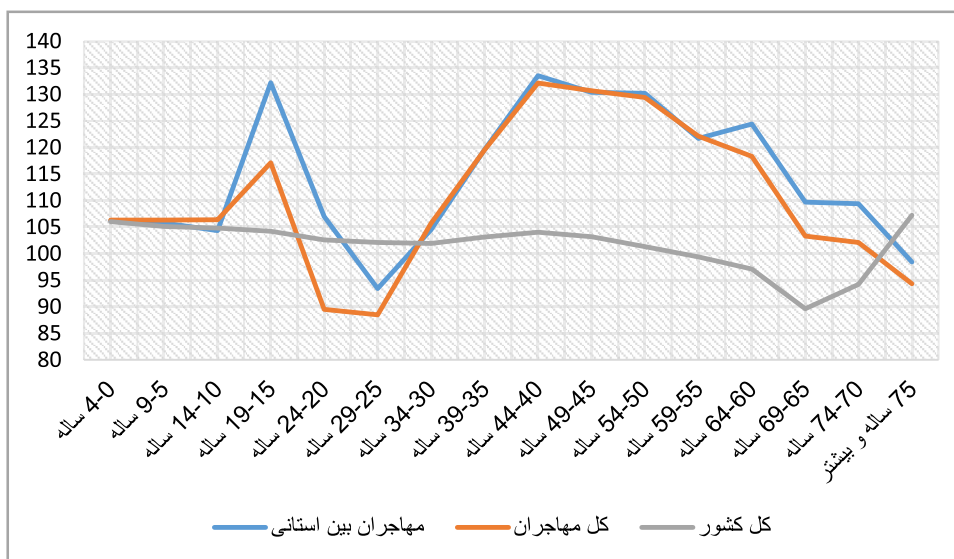
منبع: سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۲۲. نسبت جنسی مهاجران و جمعیت کل کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

گروه سنی	نسبت جنسی		
	کل کشور	کل مهاجران	مهاجران بین استانی
۰-۴ ساله	۱۰۶,۰	۱۰۶,۳	۱۰۶,۲
۵-۹ ساله	۱۰۵,۱	۱۰۶,۳	۱۰۵,۸
۱۰-۱۴ ساله	۱۰۴,۸	۱۰۶,۴	۱۰۴,۳
۱۵-۱۹ ساله	۱۰۴,۲	۱۱۷,۱	۱۳۲,۲
۲۰-۲۴ ساله	۱۰۲,۶	۸۹,۵	۱۰۷,۰
۲۵-۲۹ ساله	۱۰۲,۱	۸۸,۵	۹۳,۴
۳۰-۳۴ ساله	۱۰۱,۹	۱۰۵,۷	۱۰۴,۵
۳۵-۳۹ ساله	۱۰۳,۱	۱۱۹,۵	۱۱۹,۶
۴۰-۴۴ ساله	۱۰۴,۰	۱۳۲,۱	۱۳۳,۵
۴۵-۴۹ ساله	۱۰۳,۲	۱۳۰,۷	۱۳۰,۴
۵۰-۵۴ ساله	۱۰۱,۳	۱۲۹,۴	۱۳۰,۲
۵۵-۵۹ ساله	۹۹,۴	۱۲۲,۱	۱۲۱,۷
۶۰-۶۴ ساله	۹۷,۱	۱۱۸,۳	۱۲۴,۴
۶۵-۶۹ ساله	۸۹,۶	۱۰۳,۳	۱۰۹,۷
۷۰-۷۴ ساله	۹۴,۲	۱۰۲,۱	۱۰۹,۴
۷۵ ساله و بیشتر	۱۰۷,۲	۹۴,۳	۹۸,۴
کل	۱۰۲,۷	۱۰۵,۷	۱۱۰,۲

منبع: سرشماری ۱۳۹۵

شکل ۲۳. نسبت جنسی مهاجران و کل جمعیت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰



تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجران و غیر مهاجران

به منظور تحلیل دقیق‌تر وضعیت مهاجران و تفاوت آنها با غیر مهاجران از داده‌های خام ۲ درصد سرشماری ۱۳۹۵ بهره برده شد. نتایج (جدول ۳۳) نشان داد که میانگین سن مهاجران برابر با ۲۷,۸ یعنی حدود ۲۸ سال و در مقابل رقم متناظر آن برای غیر مهاجران برابر ۳۱,۳ سال می‌باشد یعنی مهاجران به طور متوسط ۳ سال از غیر مهاجران جوان‌تر هستند. میانگین تعداد کل فرزندان زنده بدینا آمده برای مهاجران برابر با ۲,۲ و برای غیر مهاجران برابر با ۳,۱ بدست آمد.

بیش از ۹۴ درصد مهاجران داخلی در ایران باسواد بوده‌اند که این رقم برای غیر مهاجران حدود ۸۷ درصد می‌باشد. بیش از ۵۷ درصد مهاجران دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند و درصد مشابه برای غیر مهاجران ۴۸ بوده است. درصد غیر مهاجران با تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با مهاجران رقم بالاتری به خود اختصاص داده است. مهاجران در مقایسه با غیر مهاجران کمتر در حال تحصیل بودند. مهاجران وضعیت اشتغال بهتری داشتند طوری که حدود ۳۸ درصد آنها، در مقابل ۳۴ درصد برای غیر مهاجران، شاغل بودند. حدود ۷۲ درصد مهاجران دارای همسر و ۲۴ درصد نیز مجرد یا هرگز ازدواج نکرده بودند. ارقام متناظر برای غیر مهاجران ۶۴ و ۳۰ درصد بدست آمده است.

نسبت جنسی جمعیت مهاجر کمتر از جمعیت غیر مهاجر می‌باشد. تحلیل وضعیت مهاجران و غیر مهاجران برحسب سن نشان می‌دهد که حدود ۲۲ درصد مهاجران کمتر از ۱۵ سال سن دارند که این درصد برای غیر مهاجران حدود ۲۴ درصد است. حدود ۳۲ درصد مهاجران را جمعیت جوان یعنی ۱۵-۲۹ ساله‌ها تشکیل می‌دهد که این نسبت در بین غیر مهاجران پایین‌تر است. در مقابل تنها دو درصد مهاجران سالمند بودند که این درصد یک سوم رقم مشابه برای غیر مهاجران (بیش از ۶ درصد) است. این وضعیت بیانگر جوان بودن جمعیت مهاجر در مقایسه با غیر مهاجران است. میانگین تعداد فرزند برای مهاجران کمتر از رقم مشابه برای غیر مهاجران است. لذا می‌توان گفت که مهاجران نسبت به غیر مهاجران خانوارهای کوچکتری داشتند. تمامی تفاوت‌ها بین مهاجران و غیر از نظر آماری معنی‌دار بوده است.

در کل، جمعیت مهاجر در مقایسه با جمعیت غیر مهاجر جوانتر، باسوادتر، دارای اشتغال بیشتر، و در مقابل از میزان تحصیلات، درصد مجرد، تعداد فرزند، و نسبت جنسی کمتری برخوردار بوده است. این وضعیت نمایانگر این است که مهاجرت عمدتاً در سنین جوانی و برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده انجام می‌گیرد. نسبت جنسی پایین‌تر جمعیت مهاجر، تاحدی نشان‌دهنده اشتیاق زنان برای مهاجرت (جهت بهبود وضعیت) می‌باشد.

جدول ۲۳. درصد جمعیت نمونه برحسب وضعیت مهاجرت به تفکیک متغیرهای منتخب

متغیر	مهاجر	غیر مهاجر
وضعیت سواد	باسواد	۸۷,۲
	بی سواد	۱۲,۸
	جمع	۱۰۰,۰
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۵۷,۱
	دیپلم	۲۱,۹
	دانشگاهی	۲۱,۱
	جمع	۱۰۰,۰۰
وضعیت تحصیل	در حال تحصیل	۲۴,۴
	عدم تحصیل	۷۵,۶
	جمع	۱۰۰,۰
وضعیت اشتغال	شاغل	۳۴,۱
	بیکار	۵,۰
	در حال تحصیل	۱۸,۱
	خانه دار	۳۱,۳
	بیکار دارای درآمد	۵,۸
	سایر	۵,۶
	جمع	۱۰۰,۰
	دارای همسر	۶۴,۰
وضعیت تأهل	بی همسر بر اثر فوت	۴,۳
	بی همسر بر اثر طلاق	۱,۶
	هرگز ازدواج نکرده	۳۰,۰
	جمع	۱۰۰,۰
جنس	مرد	۵۰,۴
	زن	۴۹,۶
	جمع	۱۰۰,۰
سن	کمتر از ۱۵ سال	۲۴,۳
	۱۵-۲۹	۲۴,۲
	۳۰-۶۴	۴۵,۱
	۶۵ و بالاتر	۶,۴
	جمع	۱۰۰,۰
تعداد فرزندان زنده بدنيا آمده	یک فرزند	۲۱,۹
	دو فرزند	۲۹,۶
	سه فرزند	۱۶,۷
	چهار فرزند و بیشتر	۳۱,۸
	جمع	۱۰۰,۰

منبع: نمونه ۲٪ سرشماری ۱۳۹۵

علل مهاجرت داخلی در ایران

مهاجرت قابل توجه داخلی در ایران عمدتاً در غالب مهاجرت روستا-شهری تقریباً از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده است. مهاجرت‌های اولیه عمدتاً ناشی از دافعه‌های روستایی بود که در اشکال کاهش تولید و درآمد، افزایش بیکاری، سرمایه‌گذاری ناکافی دولت در مناطق روستایی، و افزایش رشد جمعیت نمایان شده بود (محمودیان و مشفق، ۱۳۹۱). در دهه‌های بعد، با کاهش رشد و تعداد جمعیت، و افزایش عمومی میزان تحصیلات روستاییان، جاذبه‌های شهری نقش پررنگ‌تری را در تداوم این مهاجرت ایفا کردند. علاوه بر آن، تخریب محیط زیست در شکل کاهش آب و خشکسالی (عمدتاً در دهه اخیر) یا به تخلیه کامل مناطق روستایی (خالی شدن مناطق روستایی از جمعیت) و یا چرخش (زندگی در روستا و کار در منطقه دیگر) منجر شده است (خواجه‌زاده، ۱۳۹۶).

تحلیل مهاجرت بین استانی نشان می‌دهد در دهه ۱۳۵۵-۶۵، کمبود درآمد، عدم اشتغال و رشد جمعیت مبدا علل اصلی تاثیرگذار (مثبت) بر مهاجرفرستی بودند. در دهه بعدی (۱۳۶۵-۷۵) سرمایه انسانی نیز به آن اضافه شده است. در دهه ۱۳۷۵-۸۵ اثر میزان درآمد حذف و سه عامل عدم اشتغال، رشد جمعیت مبدا و سرمایه انسانی همچنان معنی‌دار باقی ماندند (مشفق، ۱۳۸۹).

در دو دهه اخیر رابطه مستقیمی بین تعداد مهاجرت‌ها و میزان رشد اقتصادی کشور مشاهده می‌شود. بیشترین میزان مهاجرت در دهه ۱۳۷۵-۸۵ اتفاق افتاده است که با اوج میزان رشد اقتصادی نیز همزمان بوده است. با کاهش رشد اقتصادی، تحرکات جمعیتی نیز کاهش یافته است. در دهه‌های متوالی، نابرابری‌های منطقه‌ای از نظر امکانات توسعه‌ای و اشتغال، تحریک‌کننده‌های اصلی مهاجرت از روستا به شهر و از مناطق کمتر توسعه‌یافته به مناطق توسعه‌یافته‌تر بوده‌اند (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲؛ شکریانی، ۱۳۹۴). توزیع استانی مهاجران در کشور با توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی همبسته است هرچند استثنائات محدودی نیز وجود دارد. استان‌های توسعه‌یافته‌تر با مهاجرپذیری بالاتر و استان‌های کمتر توسعه‌یافته با مهاجرفرستی بالاتر همراه هستند.

در رابطه با توسعه‌یافتگی و مهاجرت در سطح شهرستانی، چهار الگو قابل مشاهده است. الگوی اول یعنی توسعه‌یافتگی پایین و مهاجرپذیری پایین عمدتاً شامل نوار غربی کشور، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، و سیستان و بلوچستان می‌شود. در الگوی دوم یعنی توسعه‌یافتگی بالا و مهاجرپذیری بالا عمدتاً مناطق مرکزی کشور، اطراف پایتخت، نوار ساحلی شمال، شهرستان‌های صنعتی استان بوشهر قرار دارند. در الگوی سوم یعنی توسعه‌یافتگی بالا و مهاجرپذیری پایین شهرستان‌های استان‌های کرمان و خراسان جنوبی مناطق اصلی هستند و الگوی چهارم که توسعه‌یافتگی پایین و مهاجرپذیری بالا را مد نظر دارد عمدتاً شهرستان‌های پیرامون مراکز صنعتی نظیر ملارد و پیشوا را در بر می‌گیرد (شکریانی، ۱۳۹۴). بنابراین، در اکثر مناطق الگوی توسعه‌یافتگی و مهاجرت حاکم است. تنها ایجاد مناطق جدید صنعتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، و مشکلات مربوط به کلان‌شهرها (که چرخش بین مناطق را ضروری می‌کنند) از این قاعده مستثنی هستند.

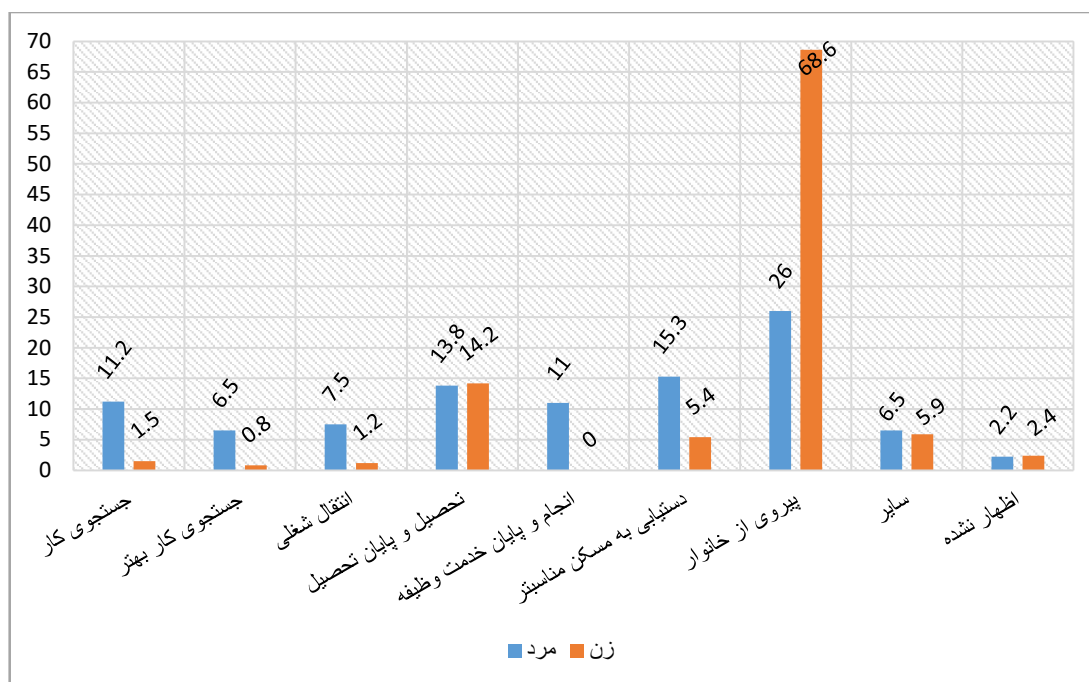
تحلیل علت مهاجرت در سطح فردی می‌تواند از طریق علل بیان‌شده توسط مهاجران انجام گیرد. سوال علت مهاجرت فقط در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ پرسیده شده است. در سرشماری ۱۳۹۵ سوال مربوط به علت مهاجرت حذف شده است و در نتیجه تحلیل علت مهاجرت بر حسب اظهار فرد مهاجر میسر نیست. بنابراین تحلیل علت مهاجرت با توجه به دو سرشماری ماقبل انجام می‌گیرد. با توجه به اطلاعات جدول ۲۴، در سرشماری ۱۳۸۵ علت مهاجرت در ۸ طبقه و در سال ۱۳۹۰ در ۹ طبقه تعریف شده است. در هر دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مهمترین علت مهاجرت پیروی از خانوار بوده است که در مجموع حدود ۴۶ درصد مهاجرت‌ها به این دلیل اتفاق افتاده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از نسبت مهاجرت‌ها با علل جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و انجام خدمت وظیفه کاسته شده است زیرا در مقابل دستیابی به مسکن بهتر به عنوان یک گزینه جدید مطرح شده است و این گزینه حدود ۱۱ درصد از مهاجرت‌ها را به خود اختصاص داده است.

در شکل ۲۴ علت مهاجرت مردان و زنان در سال ۱۳۹۰ ترسیم شده است. همانطوری که ملاحظه می‌گردد پیروی از خانوار علت مهاجرت حدود ۶۹ درصد از زنان مهاجر در ایران است و در مقابل ۲۶ درصد مردان به این علت مهاجرت کرده‌اند. در سایر علل مهاجرت، غلبه با مردان است. غیر از انجام و پایان خدمت وظیفه که مختص مردان است، مردان در مهاجرت برای دستیابی به مسکن مناسب‌تر و مهاجرت با هدف جستجوی کار بیشترین غلبه را بر زنان مهاجر در این نوع مهاجرت‌ها دارند. صرف نظر از علت پیروی از خانوار، سهم زنان در علل مرتبط به تحصیلات و دستیابی به مسکن مناسب‌تر نسبت به سایر علل بیشتر بوده است.

جدول ۲۴. درصد مهاجران برحسب علت مهاجرت به تفکیک شهری/روستایی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سال سرشماری	علت مهاجرت									جمع
	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	پایان تحصیل و تکمیل	خدمت و وظیفه	انجام و پایان	مسکن مناسبی به دستایی	پیروی از خانوار	سایر	اظهار نشده
۱۳۹۰	۶/۶	۳/۸	۴/۵	۱۴/۰	۵/۸	۱۰/۶	۴۶/۲	۶/۲	۲/۳	۱۰۰/۰
	۶/۶	۳/۹	۵/۱	۱۵/۴	۴/۱	۱۰/۱	۴۶/۰	۶/۶	۲/۲	۱۰۰/۰
	۶/۷	۳/۶	۲/۴	۸/۹	۱۱/۹	۱۲/۳	۴۶/۸	۵/۱	۲/۴	۱۰۰/۰
۱۳۸۵	۸/۷	۵/۰	۵/۱	۹/۹	۱۰/۴	—	۴۶/۰	۱۰/۱	۴/۸	۱۰۰/۰
	۸/۶	۵/۲	۵/۸	۱۱/۳	۷/۵	—	۴۶/۷	۱۰/۱	۴/۸	۱۰۰/۰
	۹/۱	۴/۶	۳/۱	۵/۷	۱۸/۵	—	۴۳/۹	۱۰/۳	۴/۸	۱۰۰/۰

شکل ۲۴. علت مهاجرت داخلی به تفکیک جنس طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰



وضعیت شهرنشینی در ایران

در سال ۱۳۳۵ کمتر از یک سوم جمعیت یعنی ۳۱,۴ درصد جمعیت در مناطق شهری زندگی می‌کردند و در دو سرشماری بعد از آن نیز بیشتر جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بودند. تقریباً در سال ۱۳۶۰ سهم جمعیت ساکن در نقاط روستایی و شهری برابر شد و بعد از آن همواره جمعیت نقاط شهری بر روستایی برتری کمی داشته است.

با توجه به اطلاعات جدول ۲۵، در سرشماری اخیر ۷۴ درصد جمعیت کشور در نقاط شهری ساکن بوده و روند افزایشی جمعیت شهرنشین در ایران تداوم یافته است. در ۱۳۹۵ بیشترین میزان شهرنشینی به استان قم اختصاص دارد که بیش از ۹۵ درصد جمعیت آن شهرنشین هستند. استان‌های تهران، البرز و اصفهان رتبه‌های بعدی را از آن خود نموده‌اند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان و هرمزگان به ترتیب کمترین میزان شهرنشینی را در سال ۱۳۹۵ تجربه نموده‌اند. لازم به ذکر است که استان سیستان و بلوچستان تنها استانی است که کمتر از ۵۰ درصد جمعیت آن شهرنشین هستند و در سایر استان‌ها این رقم بالای ۵۰ درصد است. لازم به توضیح است که میزان شهرنشینی از تقسیم جمعیت شهرنشین بر کل جمعیت بدست آمده است. به استثنای استان سیستان و بلوچستان که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ با کاهش میزان شهرنشینی روبرو بوده است، در سایر استان‌ها این میزان روند صعودی طی نموده است. استان‌های چهارمحال و بختیاری، کردستان و اردبیل بیشترین افزایش و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و قم کمترین افزایش در میزان شهرنشینی را تجربه نموده‌اند.

در جدول ۲۶ متوسط رشد سالانه جمعیت نقاط شهری کشور به تفکیک استان گزارش شده است. ملاحظه می‌شود که رشد جمعیت شهری در آخرین سرشماری در تمامی استان‌ها مثبت بوده است. استان هرمزگان با میزان رشدی برابر با ۴,۲۷ و در مقابل استان مرکزی با میزان رشد ۱,۰۳ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان رشد جمعیت شهری را به خود اختصاص داده‌اند. در این دوره میزان رشد جمعیت شهری کشور حدود ۲ درصد در سال می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ تنها در استان‌های بوشهر، هرمزگان، خوزستان و خراسان جنوبی تغییرات میزان رشد جمعیت شهری رقمی مثبت است و سایر استان‌ها با کاهش میزان رشد جمعیت شهری مواجه بوده‌اند.

تعداد شهرها

در اولین سرشماری ایران یعنی در سال ۱۳۳۵ تعداد ۲۰۱ شهر در کشور وجود داشته است که در آخرین سرشماری یعنی در سال ۱۳۹۵ تعداد شهرهای ایران به ۱,۲۴۲ شهر رسیده است (جدول ۲۷) این بدین معناست که تعداد شهرهای ایران در یک دوره ۶۰ ساله بیش از ۶ برابر شده است.

همانطوری که ملاحظه می‌شود استان‌های اصفهان و فارس با داشتن بیش از ۱۰۰ شهر رتبه نخست و دوم را کسب نموده‌اند و قم با داشتن تنها ۶ شهر از نظر تعداد نقاط شهری در مقایسه با سایر استان‌ها در جایگاه آخر قرار دارد. در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بیشترین افزایش در تعداد شهر به استان خوزستان تعلق دارد که ۱۵ شهر به مجموعه شهری این استان اضافه شده است. استان یزد نیز در دوره مورد بررسی با کاهش تعداد نقاط شهری مواجه شده است طوری که تعداد ۳ شهر از مجموعه نقاط شهری استان کاهش یافته است. تعداد شهرها در استان‌های تهران، قم، قزوین، لرستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ ثابت مانده است.

در جداول ۲۸ تا ۳۰ توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان برای دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ گزارش شده است. جمعیت شهرها در قالب ۹ طبقه ارائه شده است. همانطوری که یافته‌های جدول ۲۷ نشان می‌دهد در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، بوشهر، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، فارس، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، همدان و هرمزگان یعنی در ۱۶ استان کشور غلبه با شهرهایی با جمعیت کمتر از ۵ هزار می‌باشد. در استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، چهارمحال و بختیاری، سمنان، قزوین، کرمان، گلستان، مرکزی، یزد و مازندران عمده شهرها در طبقه جمعیتی ۵ تا ۱۰ هزار نفر جمعیت قرار دارند. در استان‌های سیستان و بلوچستان و گیلان نیز غلبه با شهرهای ۱۰ تا ۲۵ هزار نفری می‌باشد. در استان تهران نیز اکثر شهرها از نوع شهرهای با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر است طوری که از ۴۲ شهر در این استان تعداد ۱۰ شهر در این طبقه جمعیتی قرار گرفته‌اند. در استان البرز اکثریت شهرها یعنی تعداد ۴ شهر از مجموع ۱۷ شهر این استان در طبقه جمعیتی ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر جای گرفته‌اند.

جدول ۲۵. میزان شهرنشینی در کشور به تفکیک استان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	تغییر میزان در دوره ۱۳۸۵-۹۵
کل کشور	۶۸,۵	۷۱,۴	۷۴,۰	۵,۵
آذربایجان شرقی	۶۶,۷	۶۹,۲	۷۱,۹	۵,۲
آذربایجان غربی	۶۰,۰	۶۲,۷	۶۵,۴	۵,۴
اردبیل	۵۸,۳	۶۴,۰	۶۸,۲	۹,۹
اصفهان	۸۳,۳	۸۵,۴	۸۸,۰	۴,۷
ایلام	۶۰,۷	۶۴,۰	۶۸,۱	۷,۴
البرز	-	۹۰,۵	۹۲,۶	-
بوشهر	۶۵,۲	۶۸,۲	۷۱,۹	۶,۷
تهران	۹۱,۳	۹۲,۸	۹۳,۹	۲,۶
چهارمحال و بختیاری	۵۱,۶	۵۸,۲	۶۴,۱	۱۲,۵
خراسان جنوبی	۵۱,۳	۵۶,۰	۵۹,۰	۷,۷
خراسان رضوی	۶۸,۲	۷۹,۲	۷۳,۱	۴,۹
خراسان شمالی	۴۸,۴	۵۱,۵	۵۶,۱	۷,۷
خوزستان	۶۷,۲	۷۱,۰	۷۵,۵	۸,۳
زنجان	۵۸,۰	۶۲,۵	۶۷,۳	۹,۳
سمنان	۷۴,۷	۷۷,۰	۷۹,۸	۵,۱
سیستان و بلوچستان	۴۹,۶	۴۹,۰	۴۸,۵	-۱,۱
فارس	۶۱,۲	۶۷,۶	۷۰,۱	۸,۹
قزوین	۶۸,۱	۷۳,۱	۷۴,۸	۶,۷
قم	۹۳,۹	۹۵,۲	۹۵,۲	۱,۳
کردستان	۵۹,۴	۶۶,۰	۷۰,۸	۱۱,۴
کرمان	۵۸,۵	۵۷,۵	۵۸,۷	۰,۲
کرمانشاه	۶۶,۸	۶۹,۷	۷۵,۲	۸,۴
کهگیلویه و بویراحمد	۴۷,۶	۵۲,۶	۵۵,۷	۸,۱
گلستان	۴۹,۲	۵۱,۰	۵۳,۳	۴,۱
گیلان	۵۳,۹	۶۰,۳	۶۳,۳	۹,۴
لرستان	۵۹,۴	۶۱,۳	۶۴,۵	۵,۱
مازندران	۵۳,۲	۵۴,۷	۵۷,۸	۴,۶
مرکزی	۶۹,۰	۷۳,۹	۷۶,۹	۷,۹
هرمزگان	۴۷,۱	۵۰,۰	۵۴,۷	۷,۶
همدان	۵۷,۶	۵۹,۲	۶۳,۱	۵,۵
یزد	۷۹,۷	۸۲,۸	۸۵,۳	۵,۶

منبع: سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۲۶. میزان رشد سالانه جمعیت شهری کشور به تفکیک استان در دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵

استان	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۵	تغییر میزان در دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵
کل کشور	۳,۲۱	۲,۷۴	۲,۱۴	۱,۹۷	-۱,۲۴
آذربایجان شرقی	۲,۳۷	۱,۸۳	۱,۴۳	۱,۷۲	-۰,۶۵
آذربایجان غربی	۳,۸۳	۲,۷۵	۲,۳۰	۲,۰۲	-۱,۸۱
اردبیل	۳,۲۶	۲,۳۳	۲,۳۰	۱,۶۳	-۱,۶۳
اصفهان	۳,۲۷	۲,۶۸	۲,۸۷	۱,۵۸	-۱,۶۹
ایلام	۴,۸۸	۴,۱۹	۳,۴۶	۲,۰۶	-۲,۸۲
البرز	۵,۱۸	۲,۴۶	۱,۵۰	۲,۸۴	-۲,۳۴
بوشهر	۲,۵۷	۳,۸۸	۴,۰۵	۳,۴۸	۰,۹۱
تهران	۲,۰۴	۲,۳۸	۱,۶۵	۱,۹۵	-۰,۰۹
چهارمحال و بختیاری	۴,۱	۲,۵۸	۳,۳۳	۳,۱۲	-۰,۹۸
خراسان جنوبی	۳,۹۴	۴,۰۸	۲,۵۸	۴,۱۱	۰,۱۷
خراسان رضوی	۲,۷۷	۲,۸۳	۲,۴۹	۱,۷۵	-۱,۰۲
خراسان شمالی	۴,۳۷	۲,۹۵	۲,۶۳	۱,۶۲	-۲,۷۵
خوزستان	۱,۶۶	۲,۰۶	۲,۲۹	۲,۰۰	۰,۳۴
زنجان	۳,۰۷	۲,۶۹	۲,۵۶	۲,۳۰	-۰,۷۷
سمنان	۳,۴۱	۲,۵۵	۲,۰۰	۲,۸۸	-۰,۵۳
سیستان و بلوچستان	۵,۰۰	۴,۱۵	۰,۸۲	۱,۶۰	-۳,۴
فارس	۳,۰۰	۲,۰۶	۳,۲۱	۱,۸۳	-۱,۱۷
قزوین	۴,۲۲	۳,۴۷	۲,۴۵	۱,۶۳	-۲,۵۹
قم	۳,۶۵	۲,۳۷	۲,۲۰	۲,۳۴	-۱,۳۱
کردستان	۵,۱۲	۱,۹۵	۲,۸۷	۲,۸۴	-۲,۲۸
کرمان	۴,۲۶	۳,۸۹	۱,۷۱	۱,۹۲	-۲,۳۴
کرمانشاه	۲,۹۴	۱,۳۵	۱,۵۴	۱,۶۲	-۱,۳۲
کهگیلویه و بویراحمد	۶,۷۳	۳,۵۳	۲,۷۸	۲,۷۷	-۳,۹۶
گلستان	۳,۳۹	۳,۰۵	۲,۶۵	۱,۹۰	-۱,۴۹
گیلان	۲,۹۵	۲,۱۳	۲,۹۳	۱,۳۸	-۱,۵۷
لرستان	۲,۸۹	۱,۸۴	۱,۰۷	۱,۰۷	-۱,۸۳
مازندران	۲,۹۵	۲,۶۷	۱,۶۰	۲,۴۴	-۰,۵۱
مرکزی	۳,۹۵	۲,۸۸	۲,۳۱	۱,۰۳	-۲,۹۲
هرمزگان	۳,۷۲	۴,۰۷	۳,۵۸	۴,۲۷	۰,۵۵
همدان	۳,۷۱	۱,۹۲	۱,۱۹	۱,۰۷	-۲,۶۴
یزد	۳,۶۵	۲,۹۶	۲,۴۱	۱,۷۷	-۱,۸۸

منبع: سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵

جدول ۲۷. تعداد شهرهای کشور به تفکیک استان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	تغییر تعداد در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰
کل کشور	۱,۰۱۲	۱,۱۳۹	۱,۲۴۲	۱۰۳
آذربایجان شرقی	۵۷	۵۸	۶۲	۴
آذربایجان غربی	۳۶	۴۲	۴۲	۰
اردبیل	۲۱	۲۴	۲۶	۲
اصفهان	۹۲	۱۰۱	۱۰۷	۶
ایلام	۱۹	۲۱	۲۵	۴
البرز	-	۱۶	۱۷	۱
بوشهر	۲۹	۳۲	۳۷	۵
تهران	۵۱	۳۹	۴۲	۳
چهارمحال و بختیاری	۲۶	۳۱	۴۰	۹
خراسان جنوبی	۲۰	۲۵	۲۸	۳
خراسان رضوی	۶۶	۷۲	۷۳	۱
خراسان شمالی	۱۵	۱۸	۲۲	۴
خوزستان	۴۷	۶۱	۷۶	۱۵
زنجان	۱۶	۱۸	۲۱	۳
سمنان	۱۶	۱۷	۲۰	۳
سیستان و بلوچستان	۳۲	۳۷	۳۷	۰
فارس	۷۳	۹۳	۱۰۲	۹
قزوین	۲۴	۲۵	۲۵	۰
قم	۵	۶	۶	۰
کردستان	۲۳	۲۵	۲۹	۴
کرمان	۵۷	۶۴	۷۱	۷
کرمانشاه	۲۸	۲۹	۳۲	۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۱۶	۱۷	۱
گلستان	۲۴	۲۵	۲۹	۴
گیلان	۴۹	۵۱	۵۲	۱
لرستان	۲۳	۲۵	۲۵	۰
مازندران	۵۱	۵۳	۵۸	۵
مرکزی	۲۷	۳۲	۳۳	۱
هرمزگان	۲۲	۳۲	۳۸	۶
همدان	۲۷	۲۷	۲۹	۲
یزد	۲۳	۲۴	۲۱	-۳

منبع: سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

جدول ۲۸. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۸۵

استان	جمع	تعداد جمعیت (به هزار)							
		کمتر از ۵	۹-۵	۲۴-۱۰	۴۹-۲۵	۹۹-۵۰	۲۴۹-۱۰۰	۲۵۰-۵۰۰ ۴۹۹	۵۰۰-۱۰۰۰ و بیشتر
آذربایجان شرقی	۵۷	۲۲	۱۳	۱۲	۴	۳	۲	۰	۱
آذربایجان غربی	۳۶	۱۱	۹	۳	۵	۳	۴	۰	۱
اردبیل	۲۱	۸	۶	۲	۲	۲	۰	۱	۰
اصفهان	۹۲	۲۴	۲۳	۲۶	۸	۵	۴	۱	۱
ایلام	۱۹	۹	۳	۴	۲	۰	۱	۰	۰
بوشهر	۲۹	۸	۹	۸	۱	۲	۱	۰	۰
تهران	۵۱	۵	۶	۱۳	۸	۸	۸	۱	۲
چهارمحال و بختیاری	۲۶	۴	۸	۱۰	۳	۰	۱	۰	۰
خراسان جنوبی	۲۰	۹	۵	۴	۱	۰	۱	۰	۰
خراسان رضوی	۶۶	۲۴	۲۲	۷	۶	۲	۴	۰	۱
خراسان شمالی	۱۵	۸	۱	۲	۱	۲	۱	۰	۰
خوزستان	۴۷	۸	۹	۱۳	۳	۵	۸	۱	۰
زنجان	۱۶	۶	۴	۲	۲	۱	۰	۱	۰
سمنان	۱۶	۵	۵	۲	۱	۱	۲	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۳۲	۱۳	۴	۸	۱	۳	۲	۱	۰
فارس	۷۳	۱۴	۲۴	۲۱	۳	۸	۲	۰	۱
قزوین	۲۴	۸	۵	۵	۳	۲	۰	۱	۰
قم	۵	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰
کردستان	۲۳	۱۲	۲	۲	۲	۳	۱	۱	۰
کرمان	۵۷	۱۸	۲۰	۹	۴	۳	۲	۱	۰
کرمانشاه	۲۸	۱۴	۲	۴	۵	۲	۰	۱	۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۴	۳	۳	۰	۲	۱	۰	۰
گلستان	۲۴	۲	۶	۷	۷	۰	۱	۱	۰
گیلان	۴۹	۱۵	۱۲	۱۲	۶	۲	۱	۰	۱
لرستان	۲۳	۱۲	۲	۱	۲	۳	۲	۱	۰
مازندران	۵۱	۱۳	۱۵	۸	۹	۲	۳	۱	۰
مرکزی	۲۷	۸	۸	۶	۲	۱	۱	۱	۰
هرمزگان	۲۲	۷	۴	۶	۳	۱	۰	۱	۰
همدان	۲۷	۱۱	۵	۵	۲	۲	۱	۱	۰
یزد	۲۳	۷	۴	۵	۴	۲	۰	۱	۰

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲

جدول ۲۹. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۰

استان	جمع	تعداد جمعیت (به هزار)							
		کمتر از ۵	۹-۵	۱۰-۲۴	۲۵-۴۹	۵۰-۹۹	۱۰۰-۲۴۹	۲۵۰-۴۹۹	۵۰۰-۹۹۹ و بیشتر
آذربایجان شرقی	۵۸	۱۹	۱۷	۱۰	۶	۳	۲	۰	۰
آذربایجان غربی	۴۲	۱۵	۱۰	۴	۵	۳	۴	۰	۱
اردبیل	۲۴	۱۲	۵	۲	۲	۲	۰	۱	۰
اصفهان	۱۰۱	۲۹	۲۷	۲۶	۶	۷	۴	۱	۰
البرز	۱۶	۳	۲	۴	۰	۳	۳	۰	۰
ایلام	۲۱	۱۱	۲	۵	۲	۰	۱	۰	۰
بوشهر	۳۲	۸	۹	۱۰	۱	۳	۱	۰	۰
تهران	۳۹	۴	۲	۹	۸	۶	۵	۴	۰
چهارمحال و بختیاری	۳۱	۷	۱۰	۹	۳	۱	۱	۰	۰
خراسان جنوبی	۲۵	۱۴	۵	۳	۲	۰	۱	۰	۰
خراسان رضوی	۷۲	۲۵	۲۴	۸	۷	۳	۴	۰	۱
خراسان شمالی	۱۸	۹	۲	۴	۰	۲	۱	۰	۰
خوزستان	۶۱	۱۴	۱۵	۱۴	۳	۵	۹	۰	۱
زنجان	۱۸	۶	۶	۲	۱	۲	۰	۱	۰
سمنان	۱۷	۵	۶	۲	۱	۱	۲	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۳۷	۱۳	۸	۹	۱	۴	۱	۰	۱
فارس	۹۳	۲۹	۲۷	۱۷	۹	۷	۳	۰	۱
قزوین	۲۵	۵	۸	۶	۱	۴	۰	۰	۰
قم	۶	۳	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کردستان	۲۵	۱۳	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۰
کرمان	۶۴	۲۲	۲۰	۱۲	۴	۱	۴	۰	۱
کرمانشاه	۲۹	۱۴	۲	۵	۴	۳	۰	۱	۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶	۶	۳	۴	۰	۲	۱	۰	۰
گلستان	۲۵	۲	۷	۷	۷	۰	۱	۰	۰
گیلان	۵۱	۶	۱۰	۱۵	۵	۳	۱	۰	۱
لرستان	۲۵	۱۲	۴	۰	۳	۴	۱	۱	۰
مازندران	۵۳	۱۴	۱۵	۹	۸	۳	۳	۱	۰
مرکزی	۳۲	۱۱	۱۰	۵	۳	۱	۱	۱	۰
هرمزگان	۳۲	۱۳	۸	۶	۳	۱	۰	۱	۰
همدان	۲۷	۱۱	۴	۶	۲	۲	۱	۰	۱
یزد	۲۴	۶	۵	۶	۴	۲	۰	۱	۰

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲

جدول ۳۰. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان، ۱۳۹۵

استان	جمع	تعداد جمعیت (به هزار)							
		کمتر از ۵	۵-۹	۱۰-۲۴	۲۵-۴۹	۵۰-۹۹	۱۰۰-۲۴۹	۲۵۰-۴۹۹	۵۰۰-۹۹۹ و بیشتر
آذربایجان شرقی	۶۲	۲۲	۱۶	۱۱	۶	۳	۳	۰	۱
آذربایجان غربی	۴۲	۱۴	۱۰	۳	۷	۳	۴	۰	۰
اردبیل	۲۶	۱۱	۸	۲	۲	۲	۰	۰	۰
اصفهان	۱۰۷	۲۷	۳۴	۲۵	۹	۶	۴	۱	۱
البرز	۱۷	۳	۰	۳	۳	۳	۴	۰	۱
ایلام	۲۵	۱۵	۲	۵	۲	۰	۱	۰	۰
بوشهر	۳۷	۱۱	۹	۱۰	۳	۲	۲	۰	۰
تهران	۴۲	۵	۱	۶	۱۰	۸	۷	۴	۱
چهارمحال و بختیاری	۴۰	۱۲	۱۳	۱۰	۳	۱	۱	۰	۰
خراسان جنوبی	۲۸	۱۴	۷	۳	۳	۰	۱	۰	۰
خراسان رضوی	۷۳	۲۳	۲۴	۱۰	۷	۲	۵	۱	۱
خراسان شمالی	۲۲	۱۴	۱	۳	۱	۲	۱	۰	۰
خوزستان	۷۶	۲۰	۲۰	۱۴	۶	۶	۸	۱	۱
زنجان	۲۱	۹	۶	۲	۱	۲	۰	۱	۰
سمنان	۲۰	۶	۷	۳	۱	۱	۲	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۳۷	۱۰	۸	۱۲	۱	۲	۳	۰	۱
فارس	۱۰۲	۳۴	۳۱	۱۷	۹	۷	۳	۰	۱
قزوین	۲۵	۵	۸	۶	۰	۵	۰	۱	۰
قم	۶	۳	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱
کردستان	۲۹	۱۶	۳	۱	۲	۳	۳	۱	۰
کرمان	۷۱	۲۲	۲۴	۱۵	۲	۳	۴	۰	۱
کرمانشاه	۳۲	۱۸	۱	۴	۵	۳	۰	۰	۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷	۶	۳	۵	۰	۲	۱	۰	۰
گلستان	۲۹	۵	۸	۷	۵	۲	۱	۱	۰
گیلان	۵۲	۱۴	۱۱	۱۷	۴	۳	۲	۰	۱
لرستان	۲۵	۱۲	۴	۰	۳	۳	۲	۱	۰
مازندران	۵۸	۱۳	۱۷	۱۲	۷	۵	۲	۲	۰
مرکزی	۳۳	۱۱	۱۳	۴	۲	۱	۱	۰	۱
هرمزگان	۳۸	۱۷	۹	۵	۵	۱	۰	۰	۱
همدان	۲۹	۱۱	۶	۶	۱	۳	۱	۰	۱
یزد	۲۱	۴	۵	۵	۳	۳	۰	۰	۱

منبع: سرشماری سال ۱۳۹۵

جدول ۳۱ گویای آن است که در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۱ درصد شهرهای کشور یعنی عمده آن‌ها کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت داشته‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به حدود ۳۳ درصد رسیده است و کماکان بیشترین نسبت را این طبقه جمعیتی به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۸۵ بیش از ۷۵ درصد شهرهای کشور کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت داشته‌اند که این نسبت در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به حدود ۷۶ درصد رسیده است. به عبارتی می‌توان گفت تعداد شهرهای کشور عمدتاً کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند و طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ تغییر محسوسی در طبقه جمعیتی شهرها اتفاق نیفتاده است.

جدول ۳۱. توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

سال	تعداد و درصد شهرها	تعداد جمعیت (به هزار)							
		کمتر از ۵	۵-۹	۱۰-۲۴	۲۵-۴۹	۵۰-۹۹	۱۰۰-۲۴۹	۲۵۰-۴۹۹	۵۰۰-۹۹۹ و بیشتر
۱۳۸۱	۱۰۱۲	۳۱۱	۲۴۱	۲۱۰	۱۰۰	۷۰	۵۴	۱۳	۷
	۱۰۰,۰	۳۰,۷	۲۳,۸	۲۰,۷	۹,۸	۶,۹	۵,۳	۱,۲	۰,۷
۱۳۹۰	۱,۱۳۹	۳۷۱	۲۷۷	۲۲۲	۱۰۳	۸۱	۵۷	۱۵	۶
	۱۰۰,۰	۳۲,۶	۲۴,۳	۱۹,۴	۹,۰	۷,۱	۵,۰	۱,۳	۰,۵
۱۳۹۵	۱,۲۴۲	۴۰۷	۳۱۰	۲۲۷	۱۱۳	۸۷	۶۶	۱۴	۱۰
	۱۰۰,۰	۳۲,۸	۲۴,۹	۱۸,۲	۹,۰	۷,۰	۵,۳	۱,۱	۰,۸

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی ۱۳۹۲؛ سرشماری ۱۳۹۵

در جدول ۳۲ جمعیت شهرهایی که در سال ۱۳۹۵ بالای یک میلیون نفر جمعیت داشته یا به عبارتی جمعیت کلان‌شهرهای کشور در سال ۱۳۹۵ طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ گزارش شده است. همانطوری که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۵ تعداد ۸ شهر با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر در کشور ثبت شده است. در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۰ شهر شیراز جایگزین شهر تبریز شده و به رده پنجم صعود کرده است. همچنین شهر قم که در سال ۱۳۹۰ آخرین شهر بالای یک میلیون نفر جمعیت بوده است در سال ۱۳۹۵ جای شهر اهواز را گرفته است و در مقابل، اهواز هشتمین و آخرین شهری در کشور است که بالای یک میلیون نفر جمعیت در خود جای داده است. در مجموع حدود ۲۱ میلیون نفر از جمعیت کل کشور در سال ۱۳۹۵ در این ۸ شهر ساکن بوده‌اند یعنی شهرهای مذکور حدود یک چهارم جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. شهرهای مذکور بیش از ۳۵ درصد جمعیت شهری کشور که حدود ۶۰ میلیون نفر بوده‌اند را در خود اسکان داده‌اند. یعنی بیش از یک سوم جمعیت شهری کشور در این ۸ شهر ساکن هستند. لازم به ذکر است که شهر سوماتر در شهرستان قصرشیرین استان کرمانشاه با جمعیتی معادل ۱۸۰ نفر کوچکترین شهر از نظر جمعیت است. شهرهای بلاوه در استان ایلام و گزنک در استان مازندران با جمعیت ۲۶۴ و ۳۱۹ نفری پس از شهر سوماتر قرار دارند.

جدول ۳۲. جمعیت کلان‌شهرهای کشور طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۳۵

شهر	جمعیت (به هزار)						
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵
تهران	۸,۶۹۳	۸,۱۵۴	۷۷۰۵	۶۷۵۹	۶,۰۴۳	۴۵۳۰	۲,۷۲۰
مشهد	۳,۰۰۱	۲,۷۴۹	۲,۴۲۷	۱,۸۸۷	۱,۴۶۴	۶۶۸	۴۱۰
اصفهان	۱,۹۶۱	۱,۷۵۶	۱۶۰۰	۱,۲۶۶	۹۸۷	۶۶۲	۴۲۴
کرج	۱,۵۹۲	۱,۶۱۵	۱۳۷۷	۹۴۱	۲۷۵	۱۳۸	۴۴
شیراز	۱,۵۶۵	۱,۴۶۱	۱۲۲۷	۱,۰۵۳	۸۴۸	۴۲۶	۲۷۰
تبریز	۱,۵۵۸	۱,۴۹۵	۱۴۰۰	۱,۱۹۱	۹۷۱	۵۹۸	۴۰۳
قم	۱,۲۰۱	۱,۰۷۴	۹۵۲	۷۷۸	۵۴۳	۲۴۷	۱۳۴
اهواز	۱,۱۸۴	۱,۱۱۲	۹۷۰	۸۰۵	۵۸۰	۳۳۴	۲۰۶
جمع	۲۰,۷۵۵	۱۹,۴۱۶	۱۷,۶۵۸	۱۴,۶۸۰	۱۱,۷۱۱	۷,۶۰۳	۴,۶۱۱

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲؛ سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۳۳ نشان می‌دهد که در فاصله ۱۳۹۵-۱۳۸۵ میزان رشد جمعیت در دو کلان‌شهر تهران و اصفهان مثبت و در سایر کلان‌شهرها میزان رشد جمعیت منفی بوده است. به عبارتی هر چند تعداد مطلق جمعیت در کلان‌شهرها روند افزایشی داشته است، اما در غالب این کلان‌شهرها از رقم میزان رشد جمعیت کاسته شده است. کرج تنها کلان‌شهری است که در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ دارای میزان رشد جمعیت منفی است یعنی این شهر در دوره مذکور بخشی از جمعیت خود را از دست داده و از رقم مطلق جمعیت آن کاسته شده است طوری که از جمعیتی حدود ۱۶۰۰ هزار نفری به رقمی حدود ۱۵۰۰ هزار نفر کاهش یافته است.

جدول ۳۳. میزان رشد کلان‌شهرهای کشور در سال ۱۳۹۵ طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۳۵

تغییرات میزان در فاصله ۱۳۹۵-۱۳۸۵	میزان رشد (درصد)							شهر
	۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۴۵	۱۳۴۵-۱۳۳۵	
۰,۱۵	۱,۲۹	۱,۱۴	۱,۳۲	۱,۱۳	۲,۹۲	۵,۲۳	۶,۰۵	تهران
-۰,۷۵	۱,۷۷	۲,۵۲	۲,۵۵	۲,۵۷	۸,۱۶	۵,۰۰	۵,۴۱	مشهد
۰,۳۵	۲,۲۳	۱,۸۸	۲,۳۷	۲,۵۲	۴,۰۷	۴,۵۶	۵,۲۲	اصفهان
-۳,۵۳	-۰,۲۹	۳,۲۴	۳,۸۸	۱۳,۰۹	۷,۱۴	۱۲,۱۱	۱۱,۳۶	کرج
-۲,۱۷	۱,۳۸	۳,۵۵	۱,۵۴	۲,۱۹	۷,۱۳	۴,۶۷	۴,۶۷	شیراز
-۰,۴۹	۰,۸۳	۱,۳۲	۱,۶۳	۲,۰۶	۴,۹۷	۴,۰۳	۳,۳۵	تبریز
-۰,۱۸	۲,۲۶	۲,۴۴	۲,۰۴	۳,۶۶	۸,۲۰	۶,۳۱	۲,۹۷	قم
-۱,۵۱	۱,۲۶	۲,۷۷	۱,۸۸	۳,۳۳	۵,۶۷	۴,۹۵	۵,۵۵	اهواز
-۰,۵۷	۱,۳۴	۱,۹۲	۱,۸۶	۲,۲۹	۴,۴۱	۵,۱۳	۵,۴۸	جمع

منبع: محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲؛ سرشماری ۱۳۹۵

عوامل متعددی در افزایش جمعیت شهری کشور دخالت داشته‌اند. مهاجرت روستا به شهر، افزایش طبیعی جمعیت شهری، تبدیل روستا به شهر، و الحاق روستا به شهر از عوامل افزایش جمعیت شهری می‌باشند. در دهه‌های اولیه به علت حجم قابل توجه مهاجرت روستا به شهر، مهاجرت عامل عمده افزایش جمعیت شهری بوده است. با کاهش مهاجرت روستا به شهر و افزایش جمعیت شهری، تاثیرگذاری عوامل دیگر بیشتر شده است. در حال حاضر با توجه به کاهش قابل توجه درصد جمعیت روستایی، رشد عمده جمعیت

شهری ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهری است.

عامل اثرگذار دیگر در افزایش جمعیت شهری تغییر تعریف شهر بوده است. تغییر تعریف شهر از معیار جمعیتی به معیار برخورداری از واحد اداری و سیاسی (یعنی شهرداری) در اوایل دهه ۱۳۷۰، تأثیر قابل توجهی در میزان شهرنشینی داشته است. به علت تفاوت در تخصیص امکانات به شهر و روستا و در نتیجه اثرگذاری عوامل اجتماعی و سیاسی، بسیاری از مناطق کم جمعیت به شهر تبدیل شدند. چنین تغییر و تبدیلی در واحدهای بزرگتر نظیر بخش، شهرستان و استان نیز واقع شده است. الحاق روستا به شهر عمدتاً در مورد کلان‌شهرها صادق بوده است و تأثیر آن در افزایش جمعیت شهری کمتر از سایر عوامل می‌باشد. در کل افزایش شهرنشینی در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی ناشی از تمرکزگرایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است.

چالش‌های مرتبط با مهاجرت و شهرنشینی

حجم قابل توجه مهاجرت انجام شده و به تبع آن روند افزایشی شهرنشینی در کشور در دهه‌های گذشته، تبعات متعددی داشته است. توزیع نامناسب جمعیت در سطح کشور یکی از تبعات این مهاجرت بوده است. مهاجرپذیری مستمر مناطق توسعه‌یافته و مهاجرفرستی مستمر مناطق کمتر توسعه‌یافته تمرکز جمعیت در مناطق مرکزی و شمالی را افزایش داده است. تداوم چنین وضعیتی، نابرابری در توزیع جمعیت را افزایش خواهد داد.

تداوم مهاجرت نسبتاً شدید روستا-شهری، تفاوت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بین روستا و شهر را افزایش داده است. بسیاری از مناطق روستایی در معرض نابودی هستند. با مهاجرت افراد جوان، ساختار جمعیتی مناطق روستایی سالخورده شده است. افراد بجا مانده که عمدتاً افراد سالمند و زنان هستند، از امکانات مناسب اقتصادی برخوردار نیستند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، بسیاری از سالمندان روستایی که دور از فرزندان و بستگان نزدیک خود زندگی می‌کنند، از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند (محمودیان و ضرغامی، ۱۳۹۵). همچنین، در نتیجه مهاجرت بیشتر مردان روستایی، شانس ازدواج زنان روستایی کاهش یافته است. مثلاً، درصد زنان ازدواج کرده زنان روستایی در سنین ۳۰ تا ۴۰ ساله از درصدهای مشابه برای هم‌تایان آنها در شهرها کمتر بوده است.

افزایش حاشیه‌نشینی و آلودگی محیط زیست از دیگر تبعات روند مهاجرت داخلی و شهرنشینی بوده است (محمودیان و قاسمی اردهای، ۱۳۹۲). بر اساس برآورد غیر رسمی، در حال حاضر حدود یک سوم جمعیت شهری، در سکونت‌گاه‌های نامناسب و حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

سیاست‌گذاری مهاجرت و شهرنشینی در ایران

سیاست‌هایی مرتبط با مهاجرت و بازتوزیع جمعیت به دو سیاست‌های مستقیم نظیر محدودیت‌های مسافرتی و اسکان مجدد و سیاست‌های غیرمستقیم نظیر بهبود شرایط در مبدأ (نظیر برنامه‌های توسعه روستایی) تقسیم می‌شوند.

در زمینه سیاست‌های مستقیم مهاجرتی، مقررات خاصی (بعد از انقلاب اسلامی) برای اسکان و اشتغال افراد در تهران و شهرهای بزرگ تدوین و به اجرا گذاشته شد. محدودیت در خرید واحد مسکونی، مجوز اشتغال و حتی ثبت نام فرزندان در مدارس نمونه‌هایی از این سیاست‌ها بود. هدف این سیاست کنترل رشد جمعیت تهران و چند شهر بزرگ بود. این سیاست در یک دوره محدودی در کشور اجرا شد و به کاهش رشد جمعیت تهران و افزایش رشد جمعیت مناطق پیرامونی شهر تهران منجر شد. سیاست اجرا شده دیگر، ایجاد شهرهای جدید پیرامون تهران بود. ایجاد شهرهای جدید نظیر هشتگرد توانست تا حدودی به بازتوزیع جمعیت تهران منجر شود.

از جمله سیاست‌های مستقیم دیگر می‌توان به انتقال جمعیت به سایر نقاط اشاره نمود. بحث انتقال کارمندان از تهران به سایر شهرها، هرچند کمابیش مطرح بود و اقداماتی هم برای آن صورت گرفت، اما هیچوقت به سرانجام نرسید. همچنین انتقال پایتخت به عنوان یک گزینه برای کنترل جمعیت شهر تهران بعضاً مورد توجه بوده است، اما اقدام موثری در مود آن انجام نگرفته است (محمودیان و قاسمی اردهای، ۱۳۹۲).

در زمینه توسعه روستایی نیز در ایران نیز قدم‌های مؤثری برداشته شده است که نقطه شروع آن را می‌توان به آغاز برنامه‌های عمرانی در اوایل دهه ۱۳۳۰ نسبت داد. برنامه‌های توسعه روستایی با محوریت توسعه بخش کشاورزی در قالب رشد محصولات کشاورزی، تغییر

مناسبات ارضی، ایجاد اشتغال، تقویت زیربنایها، کاهش فقر و نابرابری، و کاهش مهاجرت روستایی به اجرا در آمدند (شکوری، ۱۳۸۴). بعد از انقلاب نیز توسعه روستایی در قالب برنامه‌های توسعه کشوری دنبال شده است. برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۱) بر توسعه روستایی از طریق تعادل منطقه‌ای، توسعه کشاورزی، مدیریت آب، حفظ محیط زیست، بهبود مسکن روستایی، و توانمندسازی جمعیت روستایی تأکید کرده است. سیاست‌های کلی جمعیتی کشور (ابلاغ شده در سال ۱۳۹۲) نیز به مهاجرت و بازتوزیع جمعیت از طریق توزیع جغرافیایی جمعیت و حفظ جمعیت در و جذب جمعیت به مناطق روستایی، کم جمعیت و مرزی اشاره دارند.

عدم تحقق اهداف برنامه‌ها در قبل از انقلاب، کاهش شاغلان و سهم بخش کشاورزی را به همراه داشته و مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها را موجب شده بود (شکوری، ۱۳۸۴). به همین صورت تجهیز روستاها بعد از انقلاب مسیر مهاجرت به شهرها را هموارتر کرد. عدم تناسب اقدامات انجام شده با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها، یکی از علل عمده ناکارآمدی برنامه‌های توسعه روستایی در زمینه نگهداشت جمعیت، به ویژه جوانان، در روستاها می‌باشد.

سیاست‌های مرتبط با برنامه‌ریزی شهری نیز معمولاً در قالب برنامه‌های توسعه کشوری بیان می‌گردند. برنامه ششم توسعه به تفصیل به سیاست‌های مرتبط به جمعیت اشاره کرده است. بهبود مسکن و حمل و نقل در شهرها و مناطق حاشیه نشین، جلوگیری از ایجاد سکونت گاه غیر رسمی، و بهبود شرایط در مناطق حاشیه نشین نمونه‌هایی از این سیاست‌ها هستند.

الزامات سیاستی

در ایران سیاست‌های جمعیتی چندان مدون و هدفمندی در مورد مهاجرت داخلی در کشور اعمال نشده است. معه‌ذا، بعضی اقدامات نظیر ایجاد شهرهای جدید اثراتی بر بازتوزیع جمعیت داشته است. از طریق اعمال سیاست‌های مهاجرتی مناسب می‌توان تا حدودی تعادل جمعیتی بین مناطق را ایجاد کرد. در این سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی بایستی مبادی و مقاصد مهاجرتی، ویژگی‌های مهاجران و علل مهاجرت به دقت مورد بررسی قرار گیرد. با بکارگیری سیاست‌های مناسب می‌توان شاهد کاهش مهاجرت‌های ناخواسته و بازتوزیع مناسب جمعیت بود.

با توجه به وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در کشور و در راستای بندهای ۹، ۱۰ و ۱۱ سیاست‌های ابلاغی مرتبط با جمعیت که بر موضوع مدیریت مهاجرت و بازتوزیع فضایی جمعیت متمرکز شده است، برنامه‌ریزی هدفمند و کارا در موارد ذیل ضروری می‌باشد:

- تأسیس نهاد متولی مهاجرت که وظیفه آن هدایت و کمک به تولید و گردآوری داده‌ها و اطلاعات، حمایت از فعالیت‌های تحقیقاتی، و تعامل با نهادهای قانون‌گذار برای تدوین سیاست‌گذاری مناسب مهاجرتی باشد.
- متنوع کردن منابع داده‌های مهاجرتی از طریق بهبود تولید داده‌های ثبتی و انجام پیمایش‌های ادواری برای فهم بیشتر و بهتر میزان، الگو و علل مهاجرت‌ها.
- بکارگیری یک رویکرد هزینه-منافع در قبال مهاجرت، با توجه به اینکه مهاجرت همیشه تبعات منفی ندارد.
- توجه بیشتر به سیاست ایجاد و تقویت شهرهای میانی و جایگزین (با توجه به عملکرد مثبت آن).
- توجه خاص به روستاهای مرکزی یا بزرگ به منظور تجمع روستاهای کم جمعیت و بهینه‌سازی تخصیص امکانات.
- توجه بیشتر به توسعه و رشد اقتصادی به عنوان محرک‌های اصلی مهاجرت. کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، توازن بیشتر جریان‌های مهاجرتی را به همراه خواهد داشت.
- شناسایی و ساماندهی مهاجران در مقصد (بوژه حاشیه‌نشینان کلان شهرها) جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری و همچنین توجه ویژه به افراد بجامانده در مناطق روستایی با هدف ارتقا شرایط زندگی.
- تقویت برنامه‌ریزی شهری جهت نیل به توسعه پایدار شهری با هدف تامین رفاه برای تمامی شهرنشینان و ساکنان مناطق حاشیه شهری.
- توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی مناطق روستایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی.

خلاصه و نتیجه گیری

مهاجرت یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر تحولات جمعیتی کشورها است که در دوره حاضر از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است. اهمیت روزافزون مهاجرت از آنجا نشأت می گیرد که در اغلب کشورهای جهان باروری و مرگومیر در سطوح نسبتاً پایینی قرار گرفته اند و بنابراین عامل مهاجرت در معادلات جمعیتی نقش پررنگ تری خواهد داشت. وضعیت و تحولات مهاجرت داخلی در ایران نیز از این منظر مهم شده است که باروری و مرگومیر تقریباً در سطوح پایینی قرار دارد و بنابراین مهاجرت داخلی می تواند در آرایش جغرافیایی جمعیت کشور تأثیرات قابل ملاحظه ای بجای بگذارد. شهرنشینی به عنوان یکی از تبعات مهاجرت داخلی، در تغییرات وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور نقش قابل توجهی دارد. رشد شتابان شهرنشینی، همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تبعات مختلفی داشته است. هدف این مطالعه بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با توجه به همبسته های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی آنها بوده است.

یافته های بررسی نشان داد که بالاترین تعداد مهاجر در کشور به دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ اختصاص دارد که بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت سرشماری شده مهاجر بوده اند که بعبارتی بیش از ۱۷ درصد کل جمعیت کشور در آن زمان می باشد. در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و ۱۳۹۵-۱۳۹۰ که فواصل سرشماری از ده سال به ۵ سال تغییر کرده است طبیعتاً از حجم کل مهاجران در مقایسه با سرشماری های قبل کاسته خواهد شد اما نکته قابل تأمل این است که در دوره ۵ ساله اخیر نسبت به دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ نیز حجم مهاجران در کشور روند نزولی داشته است و حدود یک میلیون نفر از تعداد مهاجران کاهش یافته است. در ۵ ساله منتهی به سرشماری ۱۳۹۵ در مجموع حدود ۴ میلیون نفر مهاجر در کشور ثبت شده است که حدود ۵ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند. در حد فاصل ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ از حجم مهاجران خارجی وارد شده به کشور کاسته شده است طوری که از سهم حدود ۱۲ درصدی به حدود ۲ درصدی رسیده است اما در دوره ۵ ساله اخیر دوباره سهم مهاجران خارجی از کل مهاجران کشور افزایش اندکی داشته است. در مجموع آمار نشان می دهد که بالاترین ورود مهاجر خارجی به دوره ۱۳۵۵-۶۵ برمی گردد که متقارن با ورود مهاجران افغانستانی به ایران به علت اشغال این کشور توسط نیروهای شوروی بوده است.

در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در مقایسه با دوره های پیشین سهم مهاجرت های بین استانی و بین شهرستانی درون هر استان افزایش یافته است و در مقابل از سهم مهاجرت های درون شهرستانی کاسته شده است این بدین معناست که در سرشماری اخیر مهاجران در فواصل طولانی تر جابجا شده اند.

در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵ سهم مهاجرت های شهر به شهر روندی کاملاً صعودی داشته طوری که از ۴۰ به ۶۸ درصد رسیده است و در مقابل سهم مهاجرت های روستا به روستا روندی کاملاً نزولی را تجربه نموده است. از دیگر نکات قابل تأمل این است که مهاجرت های روستا به شهر که در دوره ۱۳۵۵-۹۰ همواره با کاهش روبرو بوده است در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ افزایش نسبی داشته است و حدود ۲ درصد به سهم این نوع مهاجرت ها افزوده شده است. در مجموع می توان گفت که در چهل سال گذشته سالانه حدود یک میلیون نفر در داخل کشور جابجا شده اند. تعداد مهاجران در کشور روندی افزایشی-کاهشی را تجربه نموده است یعنی تا سال ۱۳۸۵ افزایش و بعد از آن کاهش داشته است.

استان های آذربایجان غربی، کرمان و خراسان رضوی در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ کمترین میزان مهاجرپذیری و در مقابل استان های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و لرستان بیشترین میزان مهاجرفرستی را تجربه نموده اند. شاخص میزان مهاجرپذیری نیز از آن حکایت دارد که استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی کمترین میزان مهاجرپذیری و در مقابل استان های یزد، سمنان و البرز بالاترین میزان مهاجرپذیری را به خود اختصاص داده اند. استان های لرستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام بالاترین میزان خالص مهاجرت منفی و در مقابل استان های یزد، البرز و سمنان بالاترین ارقام خالص مهاجرت مثبت را در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به ثبت رسانده اند. این بدین معناست که یزد و البرز و سمنان مهاجرپذیرترین و لرستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام مهاجرفرست ترین استان های کشور در سرشماری اخیر بوده اند. بررسی های در زمینه تبادلات مهاجرتی استان های فوق الذکر نشان داد که اولاً استان تهران همچنان مقصد مهاجرتی بسیاری از مهاجران سایر استان ها است و نقش مهمی در جذب مهاجران دیگر استان ها دارد؛ ثانیاً اینکه استان های دیگر عمدتاً با استان های همجوار خود تبادل مهاجرتی دارند؛ و ثالثاً اینکه مهاجرت از غرب کشور عمدتاً به سمت مرکز و پایتخت بوده است. بنابراین تهران نقشی فرامنطقه ای را در جریان مهاجرت های داخلی بازی می کند.

میزان کل مهاجرت که بیانگر حجم جابجایی‌های دو طرفه است معرف آن است که استان‌های البرز، سمنان و قم شاهد بیشترین جابجایی و رفت‌وآمد جمعیت بوده‌اند و بالعکس استان‌های کرمان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی از این نقطه نظر در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. نسبت مهاجرت نشان می‌دهد که در استان لرستان، مهاجرت در مقایسه با باروری و مرگ‌ومیر تأثیری کاهنده بر افزایش جمعیت داشته است. در مقابل، این تأثیر برای استان‌های سمنان و البرز افزایش داده است. بررسی رابطه مهاجرت و رشد جمعیت نیز روشن ساخت که جریان مهاجرت در استان‌های خراسان شمالی و لرستان باعث پایین آمدن رشد طبیعی و بالعکس در استان‌های البرز و سمنان به بالا بردن رشد طبیعی استان منجر شده است.

الگوی سنی و جنسی مهاجران نشان داد که اوج جریان‌های مهاجرتی در کشور تقریباً در فاصله ۱۴ تا ۳۴ سالگی است و از ۳۴ سالگی از حجم افراد مهاجر کاسته می‌شود یعنی می‌توان گفت که مهاجرت همچنان سن‌گزين و بطور دقیق‌تر جوان‌گزين است. سهم زنان در مهاجرت‌های درون‌استانی در مقایسه با مهاجرت‌های بین‌استانی بیشتر از مردان است یعنی زنان بیشتر درون استان‌های خود جابجا می‌شوند و این مردان‌اند که همچنان سهم‌شان در مهاجرت‌های با فواصل طولانی‌تر بیشتر از زنان است. یافته‌ها همچنین مؤید مهاجرت بیشتر زنان ۲۰-۲۹ ساله در مقایسه با مردان است. حضور زنان در مهاجرت‌های شهر به شهر و روستا به روستا در گروه سنی فوق‌الذکر به مراتب بیشتر از مردان بوده است. اما در مقابل سهم مردان در مهاجرت‌های روستا به شهر بیشتر بوده است. بدون در نظر گرفتن مهاجرت تبعی، مهاجرت زنان عمدتاً برای تحصیلات و مهاجرت مردان عمدتاً برای یافتن شغل و انجام خدمت سربازی بوده است.

مهاجران با توجه به میانگین سنی کمتر، باسوادتر و دارای فرزندان کمتری بودند. میزان تحصیلات کمتر، تاهل و احتمالاً مهاجرت برای کار، میزان اشتغال آنها را نسبت به غیر مهاجران افزایش داده‌اند. بهبود موقعیت زنان و اشتیاق آنها به مهاجرت برای ارتقا اقتصادی و اجتماعی، رقم نسبت جنسی مهاجران را نسبت به رقم مشابه برای غیر مهاجران کاهش داده است.

جمعیت شهرنشین کشور از حدود ۳۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. استان‌های قم، تهران و البرز بیشترین میزان شهرنشینی و استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان و هرمزگان کمترین رقم میزان شهرنشینی را در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ بنام خود به ثبت رسانده‌اند. بیش از ۹۵ درصد جمعیت استان قم ساکن شهر بوده‌اند و در مقابل حدود ۴۸ درصد ساکنان استان سیستان و بلوچستان در مناطق شهری زندگی می‌کنند. تعداد شهرهای کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۲۴۲ مورد بوده است که در اولین سرشماری یعنی در سال ۱۳۳۵ این تعداد برابر با ۱۱۹ شهر بوده است. تعداد شهرهای کشور در فاصله ۱۳۳۵-۱۳۹۵ بیش از ۱۰ برابر شده است که بیانگر رشد نسبتاً شتابان شهرها و جمعیت شهری است. بیشترین شهرهای کشور در سرشماری‌های ۱۲۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به شهرهایی اختصاص دارد که کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت داشته‌اند. در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۳ درصد شهرهای کشور در این گروه جمعیتی قرار گرفته‌اند که سهم این شهرها حتی در مقایسه با دو سرشماری قبلی نیز روند افزایشی داشته است.

در مجموع و در سه سرشماری اخیر بیش از ۵۰ درصد جمعیت شهری کشور در شهرهایی ساکن بوده‌اند که کمتر از ۱۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند. در سال ۱۳۹۵ تعداد ۸ شهر در کشور بوده است که جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر داشته‌اند یعنی در واقع کلان‌شهر یا شهرهای بزرگ به‌شمار می‌آیند. بررسی روند جمعیتی شهرهای بزرگ در ایران نشان می‌دهد که تنها شهر تهران در سال ۱۳۳۵ بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشته است. در مجموع حدود ۲۱ میلیون نفر یعنی حدود یک سوم جمعیت شهرنشین کشور در ۸ شهر ساکن می‌باشند. لازم به توضیح است که رشد عمده شهرهای بزرگ کشور تا سال ۱۳۷۵ رقم خورده و پس از آن رشد این شهرها آرام‌تر شده است.

چنین می‌نماید که توسعه‌یافتگی (به معنی بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی) متفاوت مناطق نقش عمده‌ای در بازتوزیع جمعیت ناشی از مهاجرت داشته است. هرچند مهاجرت‌های اولیه در قالب مهاجرت‌های عظیم روستا-شهری بیشتر از آنکه تابع توسعه‌یافتگی مقصد بوده باشد تابع دافعه‌های روستایی (مثلاً کمبود درآمد و رشد جمعیت) بود، اما مهاجرت‌های اخیر عمدتاً ناشی از سرمایه‌انسانی است و توسعه‌یافتگی مقصد شرط لازم آن می‌باشد. به همین علت با نوسان شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، تحرک‌های مهاجرتی نیز دچار نوسان می‌شود. وضعیت ایران از نظر مهاجرت‌های داخلی در دنیا پایین‌تر از میانگین جهانی است (بل و دیگران، ۲۰۱۵). از این نظر، رشد اقتصادی بیشتر به افزایش مهاجرت‌های داخلی منجر خواهد شد.

تمرکزگرایی ویژگی عمده حرکت‌های مهاجرتی بوده است. مهاجرت‌های اولیه بیشتر به سمت مناطقی محدود نظیر پایتخت و تا حدودی شهرهای بزرگ بود. با گسترش توسعه‌یافتگی، تنوع مقاصد مهاجرتی نیز افزایش یافت. درحال حاضر مناطق مرکزی کشور

مهمترین مقصد مهاجران است. با گسترش تحصیلات عمومی و دانشگاهی و افزایش سرمایه انسانی، نقش زنان در مهاجرت (برای تحصیلات و بهبود شرایط زندگی) افزایش یافته است. علاوه بر آن، با افزایش توانمندی زنان، نقش آنها در تصمیم‌گیری مهاجرت برای بهبود وضعیت زندگی نیز افزایش یافته است (محمودیانی، ۱۳۹۶).

توزیع نامناسب جمعیت، افزایش شهرنشینی، تخلیه روستاها، حاشیه‌نشینی و آلودگی محیط زیست از تبعات جابجایی‌ها در کشور بوده است. سیاست‌های متفاوتی نظیر کنترل جمعیت شهرهای بزرگ، ایجاد شهرهای جدید و توسعه روستایی برای بازتوزیع مناسب جمعیت اعمال شده است. تنها سیاست کنترل جمعیت شهر تهران از طریق تغییر جهت دادن مقصد مهاجران به مناطق دیگر و ایجاد شهرهای واسطه موفق بوده است. بنظر می‌رسد شناخت بیشتر از فرایند مهاجرت و شرایط مهاجران، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، اتخاذ یک رویکرد هزینه-فایده نسبت به مهاجرت، ادغام مناسب مهاجران در مقصد، و توسعه پایدار روستایی بازتوزیع مناسب‌تری از جمعیت را به همراه خواهد داشت.

منابع

- خواجeh زاده، فایزه (۱۳۹۶). "بررسی مهاجرت‌های زیست‌محیطی در ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.
- شکریانی، محسن (۱۳۹۴). "توسعه و مهاجرت: بررسی تأثیر توسعه بر جریانات مهاجرت داخلی در بین شهرستان‌های کشور در دوره ۹۰-۱۳۸۵"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شکوری، علی (۱۳۸۴). سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، تهران: سمت.
- محمودیان حسین و حسین زرغامی (۱۳۹۵). "تأثیرات مهاجرت فرزندان بر حمایت اجتماعی والدین سالمند روستایی، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بردسکن"، پژوهش‌های روستایی، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۹-۵۳.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۲-۶۹.
- محمودیان، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران، پروژه همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل و دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین و محمود مشفق (۱۳۹۱). مهاجرت‌های داخلی در ایران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- محمودیان، سراج‌الدین (۱۳۹۶). "مطالعه نقش زنان و تعیین‌کننده‌های آن در فرآیند تصمیم‌گیری مهاجرت به استان تهران"، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.
- مشفق، محمود (۱۳۸۹). مهاجرت‌های داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت‌های داخلی در ایران و عوامل موثر بر آن در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Bell, M., E. Charles-Edwards, D. Kupiszewska, M. Kupiszewskai, J. Stillwell and Y. Zhu, (2014). "International migration data around the world: assessing contemporary practice", *Population, Space and place*, pp. 1-33.
- Bell, M., Elin Charles-Edwards, Philipp Ueffing, John Stillwell, Marek Kupiszewski, and Dorota Kupiszewska and. (2015). "Internal Migration and Development: Comparing Migration Intensities around the World", *Population and Development Review*, 41(1):33-58.
- Castles, S., and M. Miller, (1998). *The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World*, 2nd edition, London: Macmillan Press.
- Chant S. and S. A. Radcliffe (1992). "Migration and development: the importance of gender", in: Sylvia Chant (ed.), *Gender and migration in developing countries*, London, England, Belhaven Press, pp. 1-29.
- DaVanzo, J. (1981). "Microeconomic approaches to studying migration decisions", in: De Jong, G. F., and Gardner, R. W. (eds), "Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries", New York: Pergamon Press.

- de Haas, Hein (2010). "Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration", Working Paper, International Migration Institute, University of Oxford.
- De Jong, G. F. (2000). "Expectations, gender and norms in migration decision-making", *Population Studies*, 54: 307-319.
- De Jong, G. F., and R. W. Gardner, (1981). *Migration Decision Making; Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries*, New York: Pergamon Press.
- Fassmann, Heinz and Elizabeth Musil (2013). "Conceptual framework for modelling longer term migratory, labor market and human capital processes", Working Paper, No. 1, Univesitat Wien.
- Harris, J. and M. P. Todaro (1970). "Migration unemployment and development", *American Economic Review*, 60:126-142.
- Haug, S2008). "Migration networks and migration decision-making", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(4): 585-605.
- Hicks, J. R. (1932). *The Theory of Wages*, Macmillan, London.
- Kurekova, L. (2010). "Theories of migration: critical review in the context of EU East-West flows", *Best Participant Essay Series*, European University Institute.
- Lee, Everet S. (1966). "A theory of migration", *Demography*, 3(1):47-57.
- Lewis, W. A. (1954). "Economic development with unlimited supplies of labor", *The Manchester School of Economic and Social Studies*, 22:139-191.
- Lewis, W. A. (1954). *Economic Development with Unlimited Supplies of Labour*. Manchester School of Economic and Social Studies 22:139-191.
- Mabogunje, A. L. (1970). *Systems Approach to a Theory of Rural-Urban Migration*. *Geographical Analysis* 2:1-18.
- Martin, P. L., and J. E. Taylor. (1996). "The anatomy of a migration hump," in *Development strategy, employment, and migration: Insights from models*. Edited by J. E. e. Taylor, pp. 43-62. Paris: OECD, Development Centre.
- Massey, D. S., J. Arango, G. Hugo, A. Kouaouci, A. Pellegrino, and J. E. Taylor (1993). "Theories of international migration: a review and appraisal", *Population and Development Review*, 19(3): 431-66.
- Parillo, V. N. (2008). *Encyclopedia of Social problems*, United States: SAGE Publication.
- Parrado E. and C. A. Flippen (2005). "Migration and gender among Mexican Women", *American Sociological Review*, 70: 606-632.
- Piore, Michael J. (1979). *Birds of Passage: Migrant Labor in Industrial Societies*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Ravenstein, E. G. (1885). "On the laws of migration", *Journal of the Royal Statistical Society*, 48(2):167-235.
- Ravenstein, E. G. (1889). "The laws of migration", *Journal of the Royal Statistical Society*, 52(2):241-305.
- Sharpe, P. (2001). "Gender and the experience of migration", In: Sharpe, P. (ed.), *Women, Gender and Labour Migration: Historical and global perspective*, London: Routledge Press.
- Singer, H. W. (1949). "Economic progress in underdeveloped countries", *Social Research*, 16(1):1-11.
- Sjaastad, Larry (1962). "The costs and returns of migration", *Journal of Political Economy*, 70:80-93.

- Skeldon R. (1997). *Migration and development: A global perspective*. Essex: Longman.
- Stark, Oded and David E. Bloom (1985). "The new economics of labor migration", *American Economic Review*, 75(2):173-178.
- Stark, Oded and J. Edward Taylor (1989). "Relative deprivation and international migration", *Demography*, 26(1):1-14.
- Stark, Oded and J. Edward Taylor (1991). "Migration incentives, migration types: the role of relative deprivation", *The Economic Journal*, 101(408):1163-1178.
- Stouffer, S. A. (1940). "Intervening opportunities: a theory relating mobility and distance", *American Sociological Review*, 5(6):845-67.
- Todaro, Michael P. (1969). "A model of labor migration and urban unemployment in less-developed countries", *American Economic Review*, 59:138-148.
- Uteng, T. P. (2011). "Gender and migration in developing world", *Background Paper, World Development Report, World Bank*.
- Wallerstein, I. (1980). *The Modern World System II, Mercantilism and the Consolidation of the European World-Economy, 1600-1750*. New York: Academic Press.
- Wallerstein, I. (1974). *The Modern World System I, Capitalist Agriculture and the Origins of the European World Economy in the Sixteenth Century*. New York: Academic Press.
- White, A. (2009). "Internal migration, identity and livelihood strategies in contemporary Russia", *Journal of Ethnic and Migration Review*, 35 (4): 555-573.
- Wood, Charles (1982). "Equilibrium and historical-structural perspectives on migration", *International Migration Review*, 16(2):298-319.
- Yue, H. (2008). "Three essays on migration", *PhD dissertation, Department of Economics, University of Manitoba*.
- Zelinsky, Z. (1971). *The Hypothesis of the Mobility Transition*. *Geographical Review* 61:219-249.
- Zipf, G. K. (1946). "The P1 P2/D hypothesis: on the intercity movement of persons", *American Sociological Review*, 11:677-86.

نتایج و یافته های ارایه شده در این گزارش توسط نهادهای پژوهشی-آموزشی جمهوری اسلامی ایران تهیه گردیده و لزوماً بازتاب نقطه نظرات صندوق جمعیت سازمان ملل نمیباشد.

